

عنوان اصلی: *A more secure world: Our shared responsibility*

مترجم: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد - آقایان امیر ساعد وکیل، پوریا عسکری

ناشر: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: اول

تاریخ انتشار: خرداد ماه ۱۳۸۴

فهرست مطالب

محتوا	شماره صفحه
پیشگفتار دبیرکل سازمان ملل متحد - کوفي عنان	۱
نامه ارسالی رئیس هیات -آناند پانیا راجان	۴
چکیده	۶

بخش ۱

به سوي يك وفاق امنيتي نوين	۱۱
۱- دنياهاي متفاوت: ۱۹۴۵ و ۲۰۰۵	۱۳
۲- مساله امنيت دسته جمعي جامع	۱۶
الف - تهديدات بدون مرز	۱۶
ب - محدوديت هاي خودحمائتي	۱۷
ج - حاکميت و مسئوليت	۱۷
د - عناصر يك نظام امنيت جمعي قابل قبول	۱۸
يك - مؤثر بودن	۱۸
دو - کارآمدی	۱۹
سه - عدالت	۱۹

بخش ۲

امينت جمعي و چالش پيشگيري	۲۰
۳- فقر، بيماري هاي مسري و تخريب محيط زيست	۲۰
الف - تهديدهاي پيش روي ما	۲۰
ب - مواجهه با چالش پيشگيري	۲۳
يك - منابع و اقدام بيشتري	۲۳
دو - ابتكار نوين	۲۴
۴- مناقشات داخلي و خارجي	۲۶
الف - تهديد ناشي از مناقشه ميان كشورها	۲۶
ب - تهديد ناشي از مناقشه داخلي	۲۷
ج - مواجهه با چالش پيشگيري	۲۸
يك - هنجارها و چارچوب هاي تفنيني بهتر بين المللی	۲۸
دو - اطلاعات و تجزيه و تحليل هاي بهتر	۳۰
سه - ديپلماسي پيشگيرانه و ميانجي گري	۳۰
چهار - اعزام پيشگيرانه	۳۱
۵- تسليحات هسته اي، راديولوژيك، شيميايي و بيولوژيك	۳۱
الف - تهديدهاي پيش روي ما	۳۱
يك - تسليحات هسته اي	۳۱
دو - تسليحات راديولوژيك	۳۲
سه - تسليحات شيميايي و بيولوژيك	۳۲
ب - مواجهه با چالش پيشگيري	۳۳
يك - راهبردهاي بهتر براي کاهش تقاضا	۳۳

۳۴	دو - راهبرهاي بهتر براي کاهش عرضه
۳۶	سه - قابليت اجرايي بهتر
۳۷	چهار - بهتر از بهداشت عمومي
۳۷	۶- تروريسم
۳۷	الف - تهديدهاي پيش روي ما
۳۸	ب - مواجهه با چالش پيشگيري
۳۸	يك - راهبردي جامع
۳۸	دو - ابزارهاي بهتر مقابله با تروريسم
۳۹	سه - كمك به كشورها در مقابله با تروريسم
۴۰	چهار - تعريف تروريسم
۴۱	۷- جنايت سازمان يافته فرامرزي
۴۱	الف - تهديدهاي پيش روي ما
۴۲	ب - مواجهه با چالش پيشگيري
۴۲	يك - چارچوبهاي مقرراتي بين المللي بهتر
۴۳	دو - ظرفيت سازي بهتر در كشورها
۴۳	۸- نقش تحريمها

بخش ۳

۴۵	امنيت جمعي و توسل به زور
۴۵	۹- توسل به زور: قواعد و رهنمودها
۴۵	الف - مسأله قانوني بودن
۴۵	يك - ماده ۵۱ منشور ملل متحد و دفاع مشروع
۴۶	دو - فصل هفتم منشور ملل متحد و تهديدهاي خارجي
	سه - فصل هفتم منشور ملل متحد، تهديدهاي داخلي
۴۷	و مسئوليت حمايت
۴۸	ب - مسأله مشروعيت
۴۹	۱۰- اجرائي صلح و قابليت حفظ صلح
۵۰	همكاري منطقه اي
۵۰	۱۱- نهادينه سازي صلح پس از مناقشه
۵۰	الف- نقش حافظين صلح
۵۱	ب -وظيفه بزرگتر نهادينه سازي صلح
۵۲	۱۲- حمايت از غيرنظاميان
۵۳	امنيت كاركنان سازمان ملل متحد

بخش ۴

۵۵	سازمان مللي كارآمدتر براي قرن بيست و يكم
۵۵	۱۳- مجمع عمومي
۵۵	۱۴- شوراي امنيت
۵۸	۱۵- كميسيون نهادينه سازي صلح

۵۹	دفتر حمایت از صلح
۵۹	۱۶- سازمان‌های منطقه‌ای
۶۰	۱۷- شورای اقتصادی و اجتماعی
۶۲	دستیابی به سیاستی منسجم
۶۲	۱۸- کمیسیون حقوق بشر
۶۳	۱۹- دبیرخانه
۶۳	الف - تقویت حمایت از دبیرکل
۶۴	ب- دبیرخانه‌ای حرفه‌ای و کارآمدتر
۶۵	۲۰- منشور ملل متحد
	پیوست‌ها
۶۶	۱- خلاصه توصیه‌ها
۸۱	۲- اعضای هیأت
۸۲	۳- دبیرخانه هیأت
۸۳	۴- جلسات هیأت، مشاوره‌های منطقه‌ای و کارگاه موضوعی

پیشگفتار دبیرکل سازمان ملل متحد

تاریخ نگاران ممکن است به سال‌های آغازین قرن ۲۱، به عنوان لحظات سرنوشت ساز تاریخ بشریت بنگرند. امروزه جوامع مختلف که خانواده بشری را تشکیل می‌دهند، بیشتر از هر زمان دیگر به هم پیوند خورده‌اند. آن‌ها با تهدیداتی مواجه هستند که هیچ ملتی امید به رویارویی با آن‌ها را ندارد و فرصت‌هایی پیش روی آن‌ها نهاده شده است که چنانچه تمامی ملت‌ها با یکدیگر کار کنند، امید به حصول، بسیار بیشتر است.

هدف از این گزارش، ارائه پیشنهادهایی است که چگونه ملت‌ها می‌توانند با این چالش‌های عظیم روبرو شوند. این گزارش حاصل کار هیأتی ۱۶ نفره از افراد مجرب و برجسته نقاط مختلف جهان است. افرادی که سال گذشته از آنان درخواست کردم تا تهدیدهای جاری علیه صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی کنند و ارزیابی نمایند که تا چه حد سیاست‌ها و نهادهای موجود، در برابر این تهدیدها خوب عمل می‌کنند و راه‌هایی را برای تقویت ملل متحد به منظور تأمین امنیت جمعی در سده بیست و یکم پیشنهاد نمایند. هیات به انتظارات من و حتی فراتر از آن‌ها پرداخت. این گزارشی بسیار دقیق، پر دامنه و عمیق است که ساختاری جامع برای امنیت جمعی ترسیم می‌کند و به واقع، مفهوم و معنای موسعی به آن می‌دهد، که در خور هزاره جدید است. گزارش نه تنها تدابیری را برای مقابله با تهدیدهای ویژه ارائه می‌دهد بلکه راه‌های جدیدی برای استنباط ارتباط بین آن‌ها تقدیم نموده و شرح می‌دهد که چه چیزی بر سیاست‌ها و نهادهای مشترک دلالت دارد. به همین ترتیب، این گزارش، فرصتی منحصر به فرد را برای بازسازی و احیای ملل متحد، عرضه می‌دارد که رهبران جهان چهار سال پیش در اعلامیه هزاره تحت عنوان «منزلگاه عام پرهیزناپذیر برای کل خانواده بشری» از آن یاد کرده‌اند.

یافته‌ها و توصیه‌ها

من بحث اصلی این گزارش را تایید می‌کنم که مستلزم یک نظام جامع امنیت جمعی است: نظامی که تهدیدات نوین و کهن را توأمان مهار سازد و بیانگر دغدغه‌های امنیتی تمام دولت‌ها از فقیر و غنی و ضعیف و قدرتمند باشد. آنچه در این گزارش اهمیت ویژه‌ای دارد، تاکید آن بر این است که مواردی که امروز امنیت ما را مورد تهدید قرار داده‌اند، در هم تنیده‌اند. ما دیگر نمی‌توانیم معضلاتی چون تروریسم، جنگ‌های داخلی یا فقر مفرط را منفک از یکدیگر مورد توجه قرار دهیم. راهکارهای ما باید فراگیر باشند. نهادهای ما باید بر دل مشغولی‌های کم دامنه فارغ آیند و کار هماهنگ بر روی تمامی زوایای امور را فراگیرند.

گزارش مطرح می‌نماید که در مبارزه امروزی، خط مقدم باید به وسیله دولت‌های توانمند و مسئول پوشش داده شود. من موافقم. تعهد بر حمایت از دولت‌ها برای بهبود ظرفیت‌هایشان در مقابله با تهدیدات معاصر، ضروری و حیاتی است. سازمان ملل متحد باید قادر باشد این وظیفه را بهتر انجام دهد. کم و کیف را هیات به ما می‌گوید.

سایر یافته‌های گزارش که به نظر من اهمیت ویژه‌ای دارد عبارتند از:

***توسعه** و امنیت به گونه‌ای غیرقابل تفکیک به یکدیگر مرتبط هستند. جهانی امن‌تر، تنها هنگامی قابل حصول است که کشورهای فقیر، اقبالی حقیقی برای توسعه یابند. فقر مفرط و بیماری‌های مسری بسیاری از مردم را به گونه‌ای مستقیم تهدید می‌کنند و همچنین زمینه‌سازی موثر برای سایر تهدیدات همچون جنگ‌های داخلی به شمار می‌روند. حتی مردمان کشورهای ثروتمند بیشتر امن خواهند بود، چنانچه دولت‌های آن‌ها با توجه به اهداف توسعه هزاره به کشورهای فقیر کمک کنند تا بر فقر و بیماری‌ها چیره شوند.

*ما لازم است توجه بیشتری به امنیت بیولوژیک (زیستی) معطوف نماییم. مطابق گزارش، واکنش ما در برابر ایدز و ویروس آن عبارت بود از: "هشدار دیر هنگام و چاره جویی مخدوش"، و هنوز حامیان مالی مبلغی را به میزانی که برای متوقف کردن بیماری لازم است، تامین نکرده‌اند. اما گزارش از این فراتر می‌رود. گزارش عطف توجه به وخامت فراگیر در ساختار بهداشت جهانی را خواستار است که برای حفاظت از ما در مقابل بیماری‌های مسری موجود و در حال پیدایش به درستی مجهز نیست و گزارش، تعهد و مسئولیت ناشی از فناوری زیستی (بیوتکنولوژی) را برجسته می‌سازد. گزارش، ابتکاری عمده برای نوسازی بهداشت عمومی جهانی را خواستار است همراه با آغاز تلاشی متمرکز برای ساخت ظرفیت بهداشت عمومی در سراسر جهان در حال توسعه مشتمل بر سطوح محلی و ملی. این امر نه تنها منافع مستقیم را از راه پیشگیری و درمان بیماری در جهان در حال توسعه به دست می‌دهد، بلکه تأمین کننده پایه ای برای مقابله جهانی و موثر در برابر بیوتروریسم و شیوع مقاومت ناپذیر بیماری‌های مسری کشنده نیز هست.

*در حالی که هدف اصلی ما باید ممانعت از تکوین تهدیدات باشد، زمانی که این تهدیدات به وجود می‌آیند ما باید به نحو بهتری آماده واکنش باشیم. دو ابزار که به این منظور در اختیار داریم **تحریم و میانجی‌گری** است. هیأت، راه‌هایی برای تقویت هر دو ابزار توصیه می‌کند. من از دولت‌ها خواهان پذیرش این راهکارها هستم.

*هنگامی که سایر راه‌ها با شکست مواجه شوند، ممکن است استفاده از زور ضروری و مشروع باشد. گزارش، معاضدت بسیار مهمی را جهت یافتن معیاری مشترک که بوسیله آن بتواند در مورد توجیه استفاده از زور تصمیم گرفت، ارائه می‌دهد.

من امیدوارم که دولت‌ها به این توصیه‌ها به دقت توجه نمایند. اجماعی تازه در خصوص این موضوع، چنانچه نظام امنیت جمعی ما بخواهد به واقع همواره موثر باشد، بسیار اساسی است.

*سازمان ملل متحد باید از منابع خود در نبرد علیه تروریسم بهتر بهره‌برداری کند، بیان یک استراتژی موثر و اصولی ضد تروریسم که مبتنی بر حکومت قانون و حقوق بشر جهانی باشد. یکی از موانعی که تا اکنون برای نیل به این هدف وجود داشته است، ناتوانی اعضای ملل متحد در حصول توافق بر تعریف تروریسم بوده است. گزارش تعریفی را ارائه می‌دهد که من اعتقاد دارم، در ایجاد اجماعی که ما در حرکت سریع رو به جلو به آن نیازمندیم، ما را یاری می‌دهد.

*خطری حقیقی وجود دارد که ما در آینده ای نزدیک، شاهد چرخه تکثیر هسته‌ای باشیم. گزارش، راه کارهایی برای تقویت نظام عدم تکثیر از راه ایجاد انگیزه در دولت‌ها برای توقیف غنی‌سازی اورانیوم و تسهیلات بازسازی، توصیه می‌کند و خواستار ضرب الاجلی داوطلبانه است. این پیشنهادات، چنانچه قاطعانه و سریع اعمال شوند، اقبالی حقیقی برای کاهش خطر حمله هسته‌ای از سوی دولت‌ها یا عوامل غیردولتی، را فراهم می‌سازند. این توصیه‌ها باید بدون تأخیر به اجرا گذاشته شوند.

*سایر توصیه‌های مهم، مربوط به سازگار کردن سازمان ملل متحد برای قرن بیست و یکم است. گزارش به نقد کارکرد بسیاری از قسمت‌های ملل متحد و به صورت تلویحی به نقد مدیریت ملل متحد که من مسئول آن هستم، می‌پردازد. این نقدها باید جدی گرفته شده و لحاظ شوند.

*تمامی ارکان اصلی ملل متحد، نیاز به تغییر دارند، به ویژه شورای امنیت. گزارش دو راهکار برای گسترش اعضای شورا ارائه می‌دهد که من امیدوارم این راهکارها تصمیم‌گیری دولت‌ها در سال ۲۰۰۵ را تسهیل نماید.

*گزارش به درستی، نهادینه سازی صلح پس از مخاصمه را از موارد جدی نگرانی‌ها مطرح کرده است و ایده‌های جدیدی را برای پیشبرد عملکرد ما در این حوزه ارائه می‌کند که عبارتند از یک نهاد جدید بین‌الدولی "کمیسیون نهادینه سازی صلح" که وظیفه آن کمک به دولت‌ها در گذاری موفق از مرحله فوری پس از درگیری به مراحل بلند مدت تر توسعه و بازسازی است.

*گزارش، همچنین تغییراتی را در کمیسیون حقوق بشر توصیه می نماید. اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از بزرگ ترین دستاوردهای ملل متحد باقی می ماند، و همگی ما باید به کارکرد سازمان در توسعه نهادها و استانداردهای حقوق بشر بین المللی، افتخار کنیم. اما ما نمی توانیم بدون اعاده اعتبار و تاثیر گذاری ساز و کارهای حقوق بشری مان و تمرکز مجدد خویش بر حمایت از حقوق فردی گام به جلو برداریم.

*در نهایت، گزارش، توصیه هایی را برای **تقویت دبیرخانه** ارائه می دهد که من از آن ها استقبال می کنم. جهان نیاز دارد و شایسته است دبیرخانه ای تاثیر گذار در ملل متحد داشته باشد که بتواند بهترین مردمان را از سراسر جهان جذب کند و حفظ نماید.

نتیجه گیری

من امیدوارم افراد در تمام نقاط جهان این گزارش را بخوانند، آن را به بحث گذارند و از دولت های خود بخواهند تا تصمیمات بی درنگی نسبت به توصیه های گزارش اتخاذ کنند. من اعتقاد دارم اکثریت بزرگی از آنان در این احساس با من شریک هستند که نیازی ضروری برای ملل جهان وجود دارد تا گردهم آیند و به اجماع جدیدی در خصوص آینده امنیت جمعی و تغییرات مورد لزوم در کارکرد ارکان ملل متحد، دست یابند.

من به نوبه خود به سرعت به بررسی و اجرای شایسته توصیه هایی که در حوزه مربوط به من است، اقدام خواهم کرد. از سایر ارکان ملل متحد می خواهم که این گونه عمل کنند و در خصوص مواردی چون قواعد و هنجارهای حاکم بر استفاده از زور که در قلب ماهیت ما بعنوان ملل متحد و آنچه بخاطرش ایستاده ایم قرار دارند، معتقد هستم که تصمیمات باید از سوی رهبران جهان در ماه سپتامبر آینده در اجلاس ویژه سازمان ملل در مقر این سازمان در نیویورک اتخاذ شوند. در مارس ۲۰۰۵ باید گزارشی ارائه دهم که امیدوارم در تنظیم دستور کار اجلاس سپتامبر کمک نماید.

در پایان مایلم تمجید و تشکر صمیمانه خود را از رئیس و اعضای هیأت تهیه کننده گزارش ابراز دارم. آن ها از به عهده گرفتن سخت ترین مواردی که در آنها اختلاف نظر داریم، ابایی نداشتند. اینکه چنین گروه ناهمگونی متشکل از افراد زبده و مجرب، توانستند به اتفاق نظری دوراندیشانه و قابل اجرا و این توصیه ها دست یابند، من را امیدوار می کند که ملل جهان هم می توانند اینگونه عمل نمایند بدان گونه که معنایی و آوایی جدید در نام "ملل متحد" بیاورند.

کوفی عنان - دبیرکل سازمان ملل متحد

نامه ارسالی به دبیرکل از طرف رییس هیأت عالی رتبه تهدیدات، چالش‌ها و تغییر

بنده مفتخرم تا گزارش هیأت عالی رتبه تهدیدات، چالش‌ها و تغییر را تحت عنوان "جهانی امن تر: مسئولیت مشترک ما" برای شما ارسال دارم.

گزارش، جلوه ای نوین از امنیت جمعی را با اشاره به تمامی تهدیدات عمده علیه صلح و امنیت بین‌المللی در جهان به نمایش می‌گذارد. تحقیقات و رایزنی‌های ما نشان می‌دهد که دوران ما، عصر وابستگی بی‌سابقه میان تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی و آسیب‌پذیری متقابل میان ضعیف و قوی است. ما متوجه شدیم که سازمان ملل متحد بیشتر از آنچه اعتبار داشته است در مورد تهدیدات عمده علیه صلح و امنیت بین‌المللی تأثیرگذار بوده است. معهذاً، تحولاتی عظیم مورد لزوم است چنانچه سازمان ملل بخواهد در تأمین امنیت جمعی برای همگان در سده بیست و یکم مؤثر، کارآمد و منصفانه باشد.

حکمی که ما از طرف شما دریافت داشتیم مانع از بررسی عمیق و ژرف نگرانه تعارضات فردی بود و ما نیز آن دستور العمل را محترم شمردیم. اما اعضای هیأت معتقدند که این مسامحه آنان خواهد بود، چنانچه آن‌ها در نشان دادن این امر قصور ورزند که هیچ‌گونه تغییرات نظام‌مند در راهی که ملل متحد عهده دار آن است در خصوص تهدیدات کهن و نوین علیه صلح و امنیت، سازمان ملل متحد را قادر نمی‌سازد تا به شکلی مؤثر نقش خود را مطابق منشور ایفاء نماید، مگر آن‌که تلاش‌ها برای حل و فصل تعدادی از اختلافات طولانی مدتی که وخیم‌تر شده‌اند و تهدیدات جدیدی که ما امروز با آن‌ها روبرو هستیم از این وخامت تغذیه می‌کنند، دو چندان شود. مهم‌ترین این اختلافات عبارتند از موارد فلسطین، کشمیر و شبه جزیره کره.

اعضای هیأت ممکن است به گونه‌ای کامل با کلیه نکات و جزئیات گزارش موافق نباشند اما همگی گزارش را تأیید می‌کنند و بطور کلی با یافته‌های آن موافق هستند. من موظفم توجه شما را به این مسأله جلب کنم که اعضای هیأت در خصوص الگوهای طراحی شده برای توسعه شورای امنیت و طریق تشخیص معیار عضویت در شورای امنیت اختلاف نظر دارند. برخی از اعضای هیأت، مؤکداً اعتقاد دارند که تنها، مدلی که در بردارنده گسترش عضویت دائم هرچند بدون حق و تو است، شورای امنیت را مجهز می‌سازد تا با تهدیدات نوین معاصر مقابله کند. سایرین نیز به همان اندازه تأکید دارند که الگوی دیگری که شامل انتخابات طولانی مدت و نه دائم اعضا است، شیوه بهتری به حساب می‌آید. در عین حال، همه ما بر این نکته اتفاق نظر داریم که اگر اجازه دهیم مباحث مربوط به تصمیم‌گیری در خصوص یکی از انتخاب‌های دوگانه برای افزایش اعضای شورای امنیت، موجب بی‌توجهی به سایر پیشنهاداتی شود که برای تغییر، اعتبار و کارایی سازمان ملل ارائه شده و ارتباطی هم به بحث گسترش اعضای شورای امنیت ندارد دچار اشتباه بزرگی شده ایم.

گزارش ما خطاب به شما است اما بسیاری از توصیه‌های ما مستلزم اجرا و اعمال از سوی سران دولت‌هاست. تنها از راه رهبری آنان است که می‌توانیم به شکلی واقع‌گرایانه، اجماعی جدید را فراهم آوریم که جهت مقابله با تهدیداتی که در گزارش ما به آن اشاره شده لازم داریم.

بررسی‌های ما بر پایه داده‌هایی است که از تعداد کثیری از منابع، استخراج شده است شامل دولت‌ها، اساتید دانشگاهی و سازمان‌های جامعه مدنی در تمام جهان. هیچ‌کدام از کارهای ما ممکن نبود مگر از راه حمایت‌های جمعی که دریافت داشتیم. دولت‌های زیر، همکاری مالی سخاوتمندانه‌ای با ما داشتند:

اتریش، اردن، اسپانیا، استرالیا، آفریقای جنوبی، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، برزیل، بلژیک، پرتغال، تایلند، ترکیه، چین، دانمارک، روسیه فدراتیو، زلاندنو، ژاپن، سنگاپور، سوئد، سوئیس، فرانسه، قزاقستان، کانادا، جزیره موریس، نروژ، هلند و یونان.

بنیادها و پژوهشگاه‌های زیر نیز با ما همکاری نمودند:

شرکت کارنگی نیویورک، بنیاد فورد، بنیاد جان دی. و کاترین تی. مک آرتور، مرکز همکاری بین‌المللی دانشگاه نیویورک، صندوق برادران راکفلر، بنیاد راکفلر، مرکز همکاری و امنیت بین‌المللی دانشگاه

استانفورد، بنیاد استانی، بنیاد ملل متحد و بنیاد ویلیام و فلورا هیلوت.
من مایلم تا به گرمی از شما از طرف خود و سایر اعضای هیأت که در این امر خطیر که موجب
افتخارمان بود به ما اعتماد نمودید، تشکر نمایم. همچنین مشتاقم تا قدردانی و سپاسگزاری خود را نسبت به
تمامی افرادی که در تمام سال گذشته، ما را یاری دادند و در رأس آنان مدیر پژوهش، استفان استدمن و
دبیر هیأت، لورین ریکارد - مارتین و کارکنان دبیرخانه که بدون پشتکار و همکاری های روشنفکرانه آنان،
این گزارش امروزه آماده نشده بود، اعلام دارم.

اناد پانیارا چان رئیس هیأت عالی رتبه تهدیدات، چالش ها و تغییر

چکیده

به سوی یک وفاق امنیتی نوین

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ قبل از هر چیز دیگر، "به منظور نجات نسل های آتی از بلای جنگ" تأسیس شد تا تضمین کند وحشت ناشی از جنگ های جهانی، دیگر هرگز تکرار نخواهند شد. پس از ۶۰ سال، همه ما به خوبی می دانیم که بزرگ ترین تهدیدات امنیتی که اکنون و در دهه های بعد با آن روبرو هستیم، خیلی فراتر از مبادرت کشورها به جنگ های تجاوز کارانه است. تهدیدات امنیتی به فقر، بیماری های واگیردار و انحطاط محیط زیست، جنگ و خشونت میان کشورها، گسترش و استفاده احتمالی از سلاح های هسته ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک، تروریسم و جنایت سازمان یافته فراملی توسعه پیدا می کند. این تهدیدات همان طور که ممکن است از کشورها سر بزند عاملانی غیر از کشورها نیز دارد به همان شکل که امنیت انسانی را به خطر می اندازند به امنیت کشورها نیز خدشه وارد می آورند.

دل مشغولی پایه گذاران سازمان ملل متحد، معطوف به امنیت کشور بود. هنگامی که آنها از ایجاد یک سامانه جدید امنیت جمعی حرف می زدند، آن را به مفهوم نظامی سنتی معنا می کردند: سامانه ای که در آن، کشورها به هم می پیوندند و تعهد می کنند که تجاوز علیه هر یک، به منزله تجاوز نسبت به همگان است و خود را موظف می سازند که در این صورت به طور جمعی از خود واکنش نشان دهند. همچنین آنها مدت ها قبل از آن که اندیشه امنیت انسانی رواج یابد به خوبی به تفکیک ناپذیری امنیت، توسعه اقتصادی و آزادی انسان پی برده بودند. طبق عبارات آغازین منشور، سازمان ملل متحد ایجاد شد تا "ایمان به حقوق بنیادین بشر را مورد اعلام مجدد قرار دهد و به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر کمک کند". چالش اصلی قرن ۲۱، شکل دادن تفاهمی جدید و گسترده تر است که تمامی رشته هایی را که مفهوم امنیت اجتماعی را می سازند و تمام مسئولیت ها، تعهدات، استراتژی ها و مؤسساتی که در این ارتباطند را در هم تند تا اگر سامانه امنیت جمعی وجود دارد، مؤثر، کارآمد و منصفانه باشد.

اگر قرار است یک وفاق امنیتی جدید وجود داشته باشد، این وفاق باید از این درک آغاز شود که خط مقدم عاملین برخورد با تمام تهدیدات قدیمی و جدیدی را که با آن روبرو هستیم کماکان یکایک کشورهای مستقل تشکیل می دهند که نقش، مسئولیت ها و حقوق لازم الرعایه آن ها، به طور کامل در منشور ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. ولی در قرن بیست و یکم، بیش از هر زمان دیگری، هیچ کشوری نمی تواند کاملاً تنها بر پا بایستد. استراتژی های جمعی، نهادهای جمعی و مفهوم مسئولیت مشترک، تفکیک ناپذیرند

امروزه، قضیه امنیت جمعی بر سه محور پایه ای متکی شده است. تهدیدات کنونی، هیچ یک از مرزهای ملی را به رسمیت نمی‌شناسند، به یکدیگر مرتبطند و باید در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد خطاب قرار بگیرند. هیچ کشوری با هیچ ابزاری، هر چقدر که قدرتمند باشد، نمی‌تواند به‌صرف تلاش‌های خویش، خود را از تهدیدات امروزی مصون دارد و نمی‌توان چنین تلقی کرد که هر کشوری همواره قادر خواهد بود یا مصمم خواهد بود تا از عهده مسئولیت خود در قبال حمایت از مردم خود برآید و به همسایگانش صدمه نزند.

ما نباید دشواری حصول وفاقی جدید درباره مفهوم و مسئولیت های امنیت جمعی را دست کم بگیریم. خیلی‌ها یک یا چند تهدیدی را که ما تعیین کرده ایم، تهدیدی واقعی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نمی‌کنند. برخی بر این باورند که ایدز و ویروس آن یک بیماری وحشتناک است ولی یک تهدید امنیتی نیست. یا بر این عقیده‌اند که تروریسم، تهدیدی برای بعضی از کشورهاست نه همه کشورها. یا معتقدند که جنگ‌های داخلی در آفریقا یک تراژدی بشری است ولی مطمئناً معضلی برای امنیت بین‌المللی محسوب نمی‌شود یا گمان می‌کنند که فقر، مانعی بر سر راه توسعه است، نه امنیت.

تفاوت در قدرت، ثروت و جغرافیا مشخص می‌کند که ما چه چیزهایی را فاحش‌ترین تهدیدات نسبت به بقا و رفاه خود برمی‌شماریم، تفاوت‌ها در نقطه مورد تمرکز، ما را به عدم پذیرش آنچه سایرین به عنوان فاحش‌ترین موارد تهدید، نسبت به بقای خود احساس می‌کنند، هدایت می‌نماید. واکنش‌های غیر عادلانه به تهدیدات، نفاق و خیم را دامن می‌زند. مردم زیادی بر این باورند که امروزه آنچه امنیت جمعی را میسر می‌سازد، به سادگی، نظامی جهت حمایت از غنی و قوی است. امروزه چنین برداشت‌هایی، چالشی بنیادی در نهادینه سازی امنیت جمعی را به نمایش می‌گذارد. بی‌پرده گفته شد، بدون شناسایی متقابل تهدیدات، هیچ امنیت جمعی نمی‌تواند تحقق یابفتنی باشد. خودیاری، کم خواهد شد، سوء ظن غالب خواهد یافت و همکاری بلند مدت در نفع مشترک، دست نیافتنی خواهد بود.

آنچه اکنون مورد نیاز است چیزی کمتر از اجماعی جدید میان پیمان‌هایی که نخ نما شده‌اند، میان ملل ثروتمند و فقیر و میان مردمی که به دلیل شکاف فزاینده فرهنگی در منجلا ب بی‌اعتمادی فرورفته‌اند، نیست. ماهیت این اجماع روشن است: همه ما مسئولیت را برای امنیت دیگری تقسیم می‌کنیم و آزمون این وفاق، عمل خواهد بود.

امنیت جمعی و چالش پیشگیری

هر واقعه یا فرآیند مرگ گسترده یا کاهش فرصت حیات که منجر به تضعیف کشورها به عنوان واحد مبنایی نظام بین‌المللی گردد، تهدید علیه امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. بنابر این چنین تعریف می‌گردد که شش ردیف برای تهدیداتی که دنیا باید در حال حاضر و دهه‌های بعد مورد توجه قرار دهد، وجود دارند: تهدیدات اقتصادی و اجتماعی، شامل فقر، بیماری‌های مسری و تخریب محیط زیست.

• تعارض میان کشورها

• تعارضات داخلی، شامل جنگ‌های داخلی، نسل‌کشی [ژنوسید] و سایر فجایع در مقیاس وسیع

• تسلیحات هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک

• تروریسم

• جنایات سازمان یافته فراملی.

سازمان ملل متحد در ۶۰ سال نخست عمر خود، نقشی سرنوشت ساز در کاهش یا تخفیف این تهدیدات نسبت به امنیت بین‌المللی داشته است. هرچند که نقاط ضعف عمده ای وجود داشته اما سند موفقیت‌ها و مشارکت‌ها نیز مورد توجه کافی قرار نگرفته است. این امر، این امید را می‌دهد که سازمان ملل متحد می‌تواند خود را جهت مقابله با چالش‌های جدیدی قرن بیست و یکم تطبیق دهد.

چالش اولیه سازمان ملل متحد و اعضای آن، تضمین این مسأله است که تمام تهدیداتی که در گروه‌های یاد

شده فهرست شده‌اند، آنهایی که بعید هستند، قریب الوقوع نشوند و تهدیداتی که قریب الوقوع هستند در عمل، مخرب نشوند. این امر، مستلزم ایجاد چهارچوب کاری برای اقدام پیشگیرانه ای است که به تمام این تهدیدات از هر راهی که اغلب بخش‌های مختلف جهان را متأثر می‌سازند، پرداخته شود. اغلب آنها، رهبری در سطوح داخلی و بین‌المللی را جهت اقدام فوری، قاطعانه و دسته جمعی علیه تمام این تهدیدات از ایدز گرفته تا تروریسم هسته‌ای، پیش از آنکه اثر ویرانگر خود را بر جای گذارند، ضروری خواهد ساخت.

در تشریح اینکه چگونه با چالش پیشگیری مواجه کنیم، با توسعه آغاز می‌کنیم چرا که مبنای اجتناب ناپذیر نظام امنیت جمعی است که جداً پیشگیرنده است. توسعه، عملکرد چندگانه ای دارد. این عامل در مبارزه با فقر، بیماری مسری و تخریب محیط زیست که میلیون ها نفر را می‌کشد و امنیت انسانی را تهدید می‌کند، نقش دارد.

توسعه، عاملی حیاتی در کمک به کشورها در پیشگیری یا لغو تحلیل ظرفیت کشور است که مقابله با تقریباً هر نوع تهدید مهم است و توسعه، بخشی از یک استراتژی بلند مدت جهت پیشگیری از جنگ داخلی و توجه به محیط زیست همچون تروریسم و رشد جنایت سازمان یافته است.

امنیت جمعی و توسل به زور

اگر اقدامات پیشگیرانه مسالمت آمیز به نتیجه نرسد چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا هیچ یک از تدابیر پیشگیرانه تا حدی هست که گرایش به جنگ و هرج و مرج را متوقف سازد؟ آیا تهدیدات بعید، قریب الوقوع می‌شوند؟ یا آیا تهدیدات قریب‌الوقوع عملی می‌شوند؟ یا آیا یک تهدید غیرمحمول به هر ترتیب، آنقدر بالفعل می‌شود که استفاده از نیروی نظامی هم ناتوان از توقف آن شود؟

ما اینجا اوضاع و احوال را به نحوی مورد نظر قرار می‌دهیم که امنیت جمعی مؤثر، ممکن است نیازمند پشتیبانی نیروی نظامی گشته و با قواعد حقوق بین‌الملل که باید بر هر تصمیمی جهت مبادرت به جنگ حاکم باشد، تا هرج و مرج مستولی نشود، آغاز می‌شود.

لازم است که میان وضعیت‌هایی که یک کشور، مدعی اقدام دفاع مشروع است و وضعیت‌هایی که یک کشور، تهدیدی را خارج از مرزهای خود نسبت به دیگران نشان می‌دهد و وضعیت‌هایی که تهدید در وهله اول جنبه داخلی دارد و مسأله، مسئولیت حمایت یک دولت از مردمش است را تفکیک نمود. در تمام موارد ما بر این باوریم که منشور ملل متحد که به درستی فهمید و عمل کرد، وضعیتی برابر در قبال این وظیفه دارد: ماده ۵۱ نه نیازمند گسترش و نه محتاج محدودیت حوزه خود است و فصل هفتم به طور کامل، شورای امنیت را جهت پرداختن به هر نوع تهدیدی که کشورها ممکن است با آن مواجه باشند، توانمند می‌سازد. این وظیفه، برای یافتن جایگزین برای شورای امنیت به عنوان مرجع اقتدار نیست بلکه برای آن است که شورای امنیت، عملکردی بهتر از آنچه داشته، پیدا کند.

اینکه توسل به زور می‌تواند بطور قانونی مورد استفاده قرار گیرد همواره به این معنا نیست که توسل به آن در حکم یک باید آگاهانه و هوشمندانه باشد. ما مجموعه ای از رهنمودها به همراه پنج معیار مشروعیت را تعیین می‌کنیم که معتقدیم شورای امنیت (و هر مرجع دیگری که در این تصمیمات درگیر است) باید همواره در بررسی تجویز یا اعمال نیروی نظامی مورد نظر قرار دهد. تصویب این رهنمودها (جدیدیت تهدید، هدف مقتضی، چاره‌نهایی، شیوه‌های متناسب و موازنه پیامدها) نتایج مورد تفاهمی را با پیش‌بینی‌پذیری قطعی به‌وجود نخواهد آورد ولی باید به‌طور چشمگیری فرصت‌های نیل به اجماع بین‌المللی در خصوص آنچه در سال‌های اخیر، عمیقاً مسایل نفاق‌آمیزی بوده‌اند در پیش برد.

همچنین ما مسائل مهم دیگری را که در حین و پس از تعارض شدید شامل ظرفیت‌های مورد نیاز برای اجرای صلح، حفظ صلح و نهادینه سازی صلح و حمایت از غیر نظامیان می‌شود، بررسی کنیم. موضوع تکراری اصلی، ضرورت برای همه اعضای جامعه بین‌المللی مثل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

است که تأمین و حمایت منابع نظامی قابل استقرار، خیلی بیشتر در دسترس باشند. همه ژست‌های توخالی که برای ایجاد یک نظام امنیتی جمعی مؤثر، کارآمد و عادلانه خیلی سهل است، تعهدی واقعی را طلب می‌کند.

سازمان ملل متحدی مؤثرتر برای قرن بیست و یکم

سازمان ملل متحد هیچ گاه قصد نداشته عملکردی آرمانگرایانه داشته باشد. این امر، این معنی را می‌داد که یک نظام امنیتی جمعی وجود داشته باشد که انجام گرفت. منشور ملل متحد، قوی‌ترین کشورها را با عضویت دایم در شورای امنیت و حق وتو تجهیز کرد. در مقابل از آنها این انتظار بود تا از قدرت خود در جهت خیر عام و ارتقا و تبعیت از حقوق بین‌الملل استفاده کنند. همان‌گونه که هری ترومن، رئیس‌جمهور ایالات متحده در سخنرانی خود در پایان اجلاسیه عمومی کنفرانس مؤسس سازمان ملل متحد اشاره داشت "همه ما باید بدون توجه به قدرتی که داریم، بپذیریم به خود مجوز ندهیم که همواره به اقدامی دست زنیم که برایمان مطلوب‌تر است."

در رهیافت مسأله اصلاح سازمان ملل متحد، این مسأله امروزه به همان اندازه اهمیت دارد که در سال ۱۹۴۵ برای ترکیب قدرت با اصول اخلاقی مهم بود. توصیه‌هایی که از واقعیات مستتر در قدرت چشم‌پوشی می‌کنند به جهت نقصان و عدم ارتباط محکوم به فنا خواهند بود ولی توصیه‌هایی که به سادگی منعکس کننده نقطه حساس توزیع قوا است و هیچ تلاشی برای تقویت اصول بین‌المللی ندارند، بعید است که پیروی گسترده مورد نیاز جهت تبدیل شدن به رفتار بین‌المللی را کسب کنند.

تغییرات پیشنهادی باید همپای نیازهای عالم واقع، هدایت و راهبری شوند. هرگونه تغییر که به صرف انجام تغییر مطرح شود، به احتمال زیاد دچار همان سرنوشت بحث‌های پایان‌ناپذیر اصلاحات در دهه گذشته خواهد شد. ملاک تعیین‌کننده عبارتست از اینکه: آیا تغییر پیشنهادی در مواجهه با چالشی که از طریق یک تهدید مهلك نمایان شده، کمکی می‌کند؟

ما در جریان کار هیئت عالی در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییر، با به نقاط ضعف نهادی در واکنش‌های جاری به تهدیدات نظر داشته‌ایم.

موارد زیر به طور خیلی مبرم باید جبران و برطرف شوند:

• مجمع عمومی سرزندگی و نشاط خود را از دست داده و اغلب از تمرکز مؤثر بر ضروری‌ترین مسائل روز ناتوان است.

• شورای امنیت نیاز خواهد داشت که در آینده فعال‌تر باشد. برای اینکه این امر رخ دهد کشورهایایی که بیشترین سهم را از نظر مالی، نظامی و دیپلماتیک در سازمان دارا هستند باید در تصمیم‌گیری سازمان بیشتر مشارکت داشته و کشورهایایی که در تصمیم‌گیری شورا شرکت دارند باید سهم بیشتری در سازمان داشته باشند. شورای امنیت محتاج اعتبار، مشروعیت و نمایندگی بیشتر جهت انجام تمام آن چیزی است که ما از آن خواستاریم.

• یک خلاء نهادی عمده در برخورد با کشورهایایی که تحت فشار هستند و کشورهایایی که در پی تعارض پدید می‌آیند، وجود دارد. چنین کشورهایایی اغلب از کمبودهای موجود در زمینه رهنمود سیاسی و منابع رنج می‌برند.

• شورای امنیت از اکثر مزایای بالقوه کار با سازمان‌های منطقه‌ای فرعی بهره نبرده است.

• باید به منظور مورد توجه قرار دادن تهدیدات اقتصادی و اجتماعی نسبت به امنیت بین‌المللی، ترتیبات نهادی نوینی به‌وجود آید.

• کمیسیون حقوق بشر از کمبود مشروعیت رنج می‌برد که تردیدها در خصوص اعتبار کلی سازمان ملل متحد را دامن می‌زند.

• نیاز به دبیرخانه‌ای حرفه‌ای‌تر و با سازمان یافتگی بهتر که خیلی بیشتر قادر به انجام اقدامات هماهنگ

باشد، احساس می شود.

اصلاحاتی که ما پیشنهاد می کنیم، به خودی خود، سازمان ملل متحد را مؤثرتر نخواهد کرد. با فقدان حصول توافق کشورهای عضو درباره وفاق امنیتی که در همین گزارش مندرج است، ملل متحد با نقصان روبرو خواهد بود. مؤسسات آن، همچنان، تنها به میزانی که از سوی کشورهای عضو و رهبران آنها توان، منابع و دقت نظر بدان ها اختصاص داده می شود، اقتدار پیدا می کنند.

بخش ۱

به سوی یک وفاق امنیتی نوین

چکیده

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ قبل از هر چیز دیگر، "به منظور نجات نسل های آتی از بلای جنگ" تأسیس شد تا تضمین کند وحشت ناشی از جنگ های جهانی، دیگر هرگز تکرار نخواهند شد. پس از ۶۰ سال، همه ما به خوبی می دانیم که بزرگ ترین تهدیدات امنیتی که اکنون و در دهه های بعد با آن روبرو هستیم، خیلی فراتر از مبادرت کشورهای به جنگ های تجاوز کارانه است. تهدیدات امنیتی به فقر، بیماری های واگیردار و انحطاط محیط زیست، جنگ و خشونت میان کشورهای، گسترش و استفاده احتمالی از سلاح های هسته ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک، تروریسم و جنایت سازمان یافته فراملی توسعه پیدا می کند. این تهدیدات همان طور که ممکن است از کشورهای سر بزند عاملانی غیر از کشورهای نیز دارد به همان شکل که امنیت انسانی را به خطر می اندازند به امنیت کشورهای نیز خدشه وارد می آورند.

دل مشغولی پایه گذاران سازمان ملل متحد، معطوف به امنیت کشور بود. هنگامی که آنها از ایجاد یک سامانه جدید امنیت جمعی حرف می زدند، آن را به مفهوم نظامی سنتی معنا می کردند: سامانه ای که در آن، کشورهای به هم می پیوندند و تعهد می کنند که تجاوز علیه هر یک، به منزله تجاوز نسبت به همگان است و خود را موظف می سازند که در این صورت به طور جمعی از خود واکنش نشان دهند. همچنین آنها مدت ها قبل از آن که اندیشه امنیت انسانی رواج یابد به خوبی به تفکیک ناپذیری امنیت، توسعه اقتصادی و آزادی انسان پی برده بودند. طبق عبارات آغازین منشور، سازمان ملل متحد ایجاد شد تا "ایمان به حقوق بنیادین بشر را مورد اعلام مجدد قرار دهد و به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر کمک کند."

چالش اصلی قرن ۲۱، شکل دادن تفاهمی جدید و گسترده تر است که تمامی رشته هایی را که مفهوم امنیت اجتماعی را می سازند و تمام مسئولیت ها، تعهدات، استراتژی ها و مؤسساتی که در این ارتباطند را در هم تند تا اگر سامانه امنیت جمعی وجود دارد، مؤثر، کارآمد و منصفانه باشد.

اگر قرار است یک وفاق امنیتی جدید وجود داشته باشد، این وفاق باید از این درک آغاز شود که خط مقدم عاملین برخورد با تمام تهدیدات قدیمی و جدیدی را که با آن روبرو هستیم کماکان یکایک کشورهای مستقل تشکیل می دهند که نقش، مسئولیت ها و حقوق لازم الرعایه آن ها، به طور کامل در منشور ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. ولی در قرن بیست و یکم، بیش از هر زمان دیگری، هیچ کشوری نمی تواند کاملاً تنها بر پا بایستد. استراتژی های جمعی، نهادهای جمعی و مفهوم مسئولیت مشترک، تفکیک ناپذیرند.

امروزه، قضیه امنیت جمعی بر سه محور پایه ای متکی شده است. تهدیدات کنونی، هیچ یک از مرزهای ملی را به رسمیت نمی شناسند، به یکدیگر مرتبطند و باید در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی مورد خطاب قرار بگیرند. هیچ کشوری با هیچ ابزاری، هر چقدر که قدرتمند باشد، نمی تواند به صرف تلاش های خویش، خود را از تهدیدات امروزی مصون دارد و نمی توان چنین تلقی کرد که هر کشوری همواره قادر خواهد بود یا مصمم خواهد بود تا از عهده مسئولیت خود در قبال حمایت از مردم خود برآید و به همسایگانش صدمه نزند.

ما نباید دشواری حصول وفاقی جدید درباره مفهوم و مسئولیت های امنیت جمعی را دست کم بگیریم. خیلی ها یک یا چند تهدیدی را که ما تعیین کرده ایم، تهدیدی واقعی نسبت به صلح و امنیت بین المللی قلمداد نمی کنند. برخی بر این باورند که ایدز و ویروس آن یک بیماری وحشتناک است ولی یک تهدید امنیتی نیست. یا بر این عقیده اند که تروریسم، تهدیدی برای بعضی از کشورهای است نه همه کشورها. یا معتقدند که جنگ های داخلی در آفریقا یک تراژدی بشری است ولی مطمئناً معضلی برای امنیت بین المللی محسوب نمی شود یا گمان می کنند که فقر، مانعی بر سر راه توسعه است، نه امنیت.

تفاوت در قدرت، ثروت و جغرافیا مشخص می‌کند که ما چه چیزهایی را فاحش‌ترین تهدیدات نسبت به بقا و رفاه خود برمی‌شماریم، تفاوت‌ها در نقطه‌مورد تمرکز، ما را به عدم پذیرش آنچه سایرین به عنوان فاحش‌ترین موارد تهدید، نسبت به بقای خود احساس می‌کنند، هدایت می‌نماید. واکنش‌های غیر عادلانه به تهدیدات، نفاق و خیم را دامن می‌زند. مردم زیادی بر این باورند که امروزه آنچه امنیت جمعی را میسر می‌سازد، به سادگی، نظامی جهت حمایت از غنی و قوی است. امروزه چنین برداشت‌هایی، چالشی بنیادی در نهادینه‌سازی امنیت جمعی را به نمایش می‌گذارد. بی‌پرده گفته شد، بدون شناسایی متقابل تهدیدات، هیچ امنیت جمعی نمی‌تواند تحقق‌یافتنی باشد. خودیاری، کم خواهد شد، سوء ظن غالب خواهد یافت و همکاری بلند مدت در نفع مشترک، دست‌نیافتنی خواهد بود.

آنچه اکنون مورد نیاز است چیزی کمتر از اجماعی جدید میان پیمان‌هایی که نخ‌نما شده‌اند، میان ملل ثروتمند و فقیر و میان مردمی که به دلیل شکاف فزاینده فرهنگی در منجلا ب‌اعتمادی فرورفته‌اند، نیست. ماهیت این اجماع روشن است: همه ما مسئولیت را برای امنیت دیگری تقسیم می‌کنیم و آزمون این وفاق، عمل خواهد بود.

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ قبل از هر چیز دیگر، به منظور نجات نسل‌های آتی از بلای جنگ تأسیس شد تا تضمین کند وحشت ناشی از جنگ‌های جهانی، دیگر هرگز تکرار نخواهد شد. پس از ۶۰ سال، همه ما به خوبی می‌دانیم که بزرگ‌ترین تهدیدات امنیتی که اکنون و در دهه‌های بعد با آن روبرو هستیم، خیلی فراتر از مبادرت کشورها به جنگ‌های تجاوز کارانه است. تهدیدات امنیتی به فقر، بیماری‌های واگیردار و انحطاط محیط زیست، جنگ و خشونت میان کشورها، گسترش و استفاده‌ی احتمالی از تسلیحات هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک، تروریسم و جنایت سازمان یافته فراملی توسعه پیدا می‌کند. این تهدیدات همان‌طور که ممکن است از کشورها سر بزند عاملانی غیر از کشورها نیز دارد و همان‌طور که امنیت انسانی را به خطر می‌اندازند به امنیت کشورها نیز خدشه وارد می‌آورند. دل‌مشغولی پایه‌گذاران سازمان ملل متحد، معطوف به امنیت کشور بود. هنگامی که آنها از ایجاد یک سامانه‌ی جدید امنیت جمعی حرف می‌زدند، آن را به مفهوم نظامی سنتی معنا می‌کردند: سامانه‌ای که در آن کشورها به هم می‌پیوندند و تعهد می‌کنند که تجاوز علیه هر یک، به منزله‌ی تجاوز نسبت به همگان است و خود را موظف می‌سازند که در این صورت به طور جمعی از خود واکنش نشان دهند. همچنین آنها مدت‌ها قبل از آن که اندیشه امنیت انسانی رواج یابد به خوبی به تفکیک ناپذیری امنیت، توسعه اقتصادی و آزادی انسان پی برده بودند. طبق عبارات آغازین منشور، سازمان ملل متحد ایجاد شد تا "ایمان به حقوق بنیادین بشر را مورد اعلام مجدد قرار دهد" و "رشد اجتماعی و شرایط زندگی بهتر را با آزادی بیشتر ارتقا دهد."

چالش اصلی قرن ۲۱، شکل دادن تفاهمی جدید و گسترده‌تر است که تمامی رشته‌هایی را که مفهوم امنیت اجتماعی را می‌سازند و تمام مسئولیت‌ها، تعهدات، استراتژی‌ها و مؤسساتی که در این ارتباطند را در هم تند تا اگر سامانه امنیت جمعی وجود دارد، مؤثر، کارآمد و منصفانه باشد.

اگر قرار است یک وفاق امنیتی جدید وجود داشته باشد، این وفاق باید از این درک آغاز بشود که خط مقدم عاملین برخورد با تمام تهدیدات قدیمی و جدیدی که با آن روبرو هستیم را کماکان یکایک کشورهای مستقل تشکیل می‌دهند که نقش، مسئولیت‌ها و حقوق لازم‌الرعایه آن‌ها، به طور کامل در منشور ملل متحد برسمیت شناخته شده است. ولی در قرن بیست و یکم، بیش از هر زمان دیگری، هیچ کشوری نمی‌تواند کاملاً تنها بر پا بایستد. استراتژی‌های، نهاد‌های جمعی و مفهوم مسئولیت مشترک، تفکیک ناپذیرند.

امروزه، قضیه امنیت جمعی بر سه محور پایه‌ای متکی شده است. تهدیدات کنونی، هیچ یک از مرزهای ملی را به رسمیت نمی‌شناسند، به یکدیگر مرتبطند و باید در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد خطاب قرار گیرند. هیچ کشوری با هیچ ابزاری، هرچقدر که قدرتمند باشد، نمی‌تواند به صرف تلاش‌های خویش،

خود را از تهدیدات امروزی مصون دارد و نمی‌توان چنین تلقی کرد که هر کشوری همواره قادر خواهد بود یا مصمم خواهد بود تا از عهده مسئولیت خود در قبال حمایت از مردم خود برآید و به همسایگان صدمه نزند.

ما نباید دشواری حصول یک وفاق جدید درباره مفهوم و مسئولیت های امنیت جمعی را دست کم بگیریم. خیلی ها یک یا چند تهدیدی را که ما تعیین کرده ایم، یک تهدید واقعی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نمی‌کنند. برخی بر این باورند که بیماری ایدز و ویروس آن وحشتناک است ولی یک تهدید امنیتی نیست. یا بر این عقیده‌اند که تروریسم، تهدیدی برای بعضی از کشورهاست، نه همه کشورها. یا معتقدند که جنگ‌های داخلی در آفریقا یک تراژدی بشری است ولی مطمئناً معضلی برای امنیت بین‌المللی محسوب نمی‌شود. یا گمان می‌کنند که فقر، مانعی بر سر راه توسعه است، نه امنیت.

تفاوت‌ها در قدرت، ثروت و جغرافیا مشخص می‌کند که ما چه چیزهایی را فاحش‌ترین تهدیدات نسبت به بقا و رفاه خود برمی‌شماریم. تفاوت‌ها در نقطه مورد تمرکز، ما را به عدم پذیرش آنچه سایرین بعنوان فاحش‌ترین موارد تهدید نسبت به بقای خود احساس می‌کنند، هدایت می‌نماید. واکنش‌های غیرعادلانه به تهدیدات، نفاق و خیم را دامن می‌زند. مردم زیادی بر این باورند که امروزه آنچه امنیت جمعی را میسر می‌سازد، به سادگی، نظامی جهت حمایت از غنی و قوی است. امروزه چنین برداشت‌هایی، چالشی بنیادی را در نهادینه سازی امنیت جمعی به نمایش می‌گذارد. بی‌پرده گفته شد، بدون شناسایی متقابل تهدیدات، هیچ امنیت جمعی نمی‌تواند تحقق یابفتنی باشد. خودیاری، کم خواهد شد، سوء ظن غلبه خواهد یافت و همکاری بلند مدت در نفع مشترک، دست نیافتنی خواهد بود.

آنچه اکنون مورد نیاز است چیزی کمتر از اجماع جدید میان پیمان‌هایی که ضعیف شده‌اند، میان ملل ثروتمند و فقیر و میان مردمی که از روی عمیق کردن آشکار شکافی فرهنگی، گرفتار سوء ظن شده‌اند، نیست. اساس این اجماع روشن است: همه ما مسئولیت را برای امنیت دیگری تقسیم می‌کنیم و آزمون این وفاق، عمل خواهد بود.

۱- دنیاهای متفاوت: ۱۹۴۵ و ۲۰۰۵

۱- سازمان ملل متحد در یک فضای خوش بینانه که از خاتمه جنگ جهانی دوم و عزم پرهیز از تکرار مصائب آن و نمونه پیشین آن مایه می‌گرفت، بوجود آمده است. برای خیلی از کشورهایی که بیشترین آسیب را از دو جنگ جهانی دیده بودند، این تجربه موفق شده است. در طول ۶۰ سال، خیلی از بخش‌های جهان از صلح و سعادت غیرمتوازن بهره برده‌اند. حرکت‌ها و تنش‌هایی که منجر به جنگ جهانی دوم شد، متوقف گشت، جنگ میان قدرت‌های بزرگ مورد اجتناب قرار گرفت و صلحی با ثبات در اروپا ظاهر شد. ژاپن، آلمان و ایتالیا با موفقیت به خانواده ملت‌ها ملحق شدند و اکنون دومین، سومین و ششمین کشوری می‌باشند که بیشترین مشارکت مالی را در سازمان ملل متحد دارا هستند.

۲- در ۳۰ سال نخستین عمر سازمان ملل، ده‌ها کشور جدید از نظام‌های استعماری پدیدار شد که تا همین اواخر، نیمی از نوع بشر را به معدودی از پایتخت‌ها مرتبط می‌کرد. یاری کشورهای جدید برای بقا یک نقش اثر گذار سازمان ملل متحد در این دوران بود. استعمار زدایی به نوبه‌ی خود، سازمان ملل متحد را دگرگون کرد. سازمان ملل متحد در هنگام تأسیس در سال ۱۹۴۵ تعداد ۵۱ عضو داشت و امروزه دارای ۱۹۱ عضو است. مجمع عمومی از شکل یک مجمع متشکل از کشورهایی که تا حد زیادی به هم شباهت داشتند به مجمعی با اعضای کاملاً متفاوت تغییر یافته و دگرگون شده است. تا اواسط دهه ۱۹۶۰ کشورهای در حال توسعه در مجمع عمومی اکثریت را تشکیل می‌دادند و از این طریق، نقشی در سیاست بین‌المللی کسب کردند که غالباً در خارج از این نهاد انکار می‌شد.

۳- نیمه دوم قرن بیستم، فرصتی برای کوشش در جهت کارایی این کشورهای جدید و تحقق رفاه شهروندان آنها بود. آنها مرزهای استعماری مستبدانه و اقتصاد استعماری طراحی شده‌ای را جهت خدمت به نیازهای

استعمارگر به ارث بردند. استقلال، نقطه شروع یک مسابقه به منظور آموزش و توسعه کارشناسی حرفه‌ای، علمی و فنی جهت رقابت کردن با کشورهای و اقتصادی مدرن بود. همه اینها در دوره آرزوهای بزرگ درباره اینکه کشورها چه چیزهایی را می‌توانند و باید ارائه کنند در حالی که اغلب، الگوهای رشد اقتصادی بر کنترل شدید کشور تکیه داشت، اتفاق افتاد.

۴- در ۴۰ سال گذشته، امید به حیات در کشورهای در حال توسعه تا ۲۰ سال افزایش یافته و در چنین کشورهایی مثل بوتسوانا، برزیل، چین، جمهوری کره و ترکیه درآمد سرانه دو برابر شده است که این زمان، کمتر از یک سوم صد سالی است که در انگلستان یا ایالات متحده در این خصوص صرف شد. علیرغم چنین پیشرفتی، بخش‌های بزرگی از جهان همچنان گرفتار فقر تهدید کننده حیات باقی ماندند. در بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۹ حاشیه صحرای آفریقا هیچ افزایش کلی در درآمد سرانه را به خود ندید.

۵- تا قبل از دهه ۱۹۸۰ خیلی از این کشورهای جدید با بحران‌های شایستگی و مشروعیت کشور روبرو شدند که در برافروخته شدن آتش جنگ‌های داخلی به عنوان وضعیت غالب جنگی در نیمه ی دوم قرن بیستم منعکس شده است. (نمودار یک را ببینید).

۶- ما هر اندازه که وارد قرن بیست و یکم می‌شویم، این کوشش‌ها از اهداف کلی مورد نظر دور می‌شوند. بیش از یک میلیارد نفر از دسترسی به آب سالم محرومند، بیش از دو میلیارد نفر از بهداشت کافی بی‌بهره‌اند و بیش از سه میلیون نفر هر ساله از بیماری‌های مربوط به آب جان می‌بازند. ۱۴ میلیون انسان شامل ۶ میلیون کودک هر ساله از گرسنگی می‌میرند. در سال ۲۰۰۰ تعداد ۸۴۲ میلیون انسان دچار سوء تغذیه بوده‌اند که ۹۵ درصد آنها در کشورهای فقیر به سر می‌بردند.

۷- تقریباً ۳۰ میلیون نفر در حال حاضر در آفریقا مبتلا به ایدز و ویروس آن هستند. در کشورهایایی که بیشترین ابتلا وجود دارد، اقبال تراز اول شهری میان سال، بشدت مبتلا هستند که قابلیت کشور را کاهش داده و فعالیت اقتصادی مولدترین گروه انسانی یک کشور را نابود می‌کند. تعداد روز افزون زنان و دختران مبتلا، تولیدات غذایی و کشاورزی را تهدید می‌کند. اگر این روند دگرگون نشود بعضی از این کشورها تحت فشار فقر و ایدز فرو می‌ریزند.

۸- استعمارزدایی، تنها یکی از نیروهایی بود که سازمان ملل متحد را تشکیل داد. مؤسسين سازمان ملل متحد، گمان نمی‌کردند که ایالات متحده و اتحاد شوروی سابق به زودی یک رقابت جهانی را در خصوص گسترش و استقرار ده‌ها هزار تسلیحات هسته‌ای که قادرند کل جهان را بارها به ویرانی بکشند، در پیش می‌گیرند.

۹- کنترل قابلیت ویرانگری فن آوری هسته‌ای و مهار آن، کانون فعالیت سازمان ملل متحد قرار گرفت. از اولین قطعنامه‌هایی که در سال ۱۹۴۶ توسط مجمع عمومی تصویب شد، ناظر بر خلع سلاح "تسلیمات قابل تغییر به سلاح‌های کشتار جمعی" بود.

۱۰- جنگ سرد برای ۴۵ سال بعد، بیشتر سیاست جهانی را شکل داد. رقابت میان ایالات متحده و اتحاد شوروی سابق، شورای امنیت را از ایفای نقشی غالب در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بازداشت. تقریباً تمام تعارضات مسلحانه و تلاش‌ها جهت آزاد سازی تا فروپاشی تاریخ اتحاد شوروی سابق و خاتمه حکومت کمونیستی در اروپای شرقی از منظر رقابت شرق - غرب نگریسته می‌شد.

۱۱- در عین حال، بدون سازمان ملل متحد، جهان پس از ۱۹۴۵ به احتمال زیاد، مکان خونباری می‌شد، در نیمه دوم قرن بیستم، تعداد معدودی جنگ‌های میان کشورها در مقایسه با نیمه اول رخ داده است. ضمن اینکه در طول همین مدت، تعداد کشورها تقریباً چهار برابر شده است. ممکن است این انتظار وجود داشته باشد که افزایش آشکاری در شمار جنگ‌های میان کشورها دیده شود. هنوز چنین اتفاقی نیافتاده و سازمان ملل متحد در این نتیجه سهیم بوده است. سازمان ملل متحد، از تهدید جنگ بین کشورها به طرق گوناگون کاسته است. صلح به برکت خلاقیت حفظ صلح گسترش یافته، دیپلماسی توسط دبیرکل هدایت شده، اختلافات توسط دیوان بین‌المللی دادگستری چاره جویی شده است و یک قاعده محکم در برابر جنگ

تجاوزکارانه مورد رعایت قرار گرفته است.

۱۲- خاتمه شگرف اما صلح آمیز جنگ سرد، فرصتی برای رشد امنیت جمعی ایجاد کرد. سال‌های نخست پس از پایان جنگ سرد، به نظر رسید که به سوی نقشی نوین برای سازمان ملل متحد اشاره دارد. در سال ۱۹۹۰ شورای امنیت، توسل به زور را علیه عراق جهت آزادسازی کویت تجویز نمود. شورای امنیت به منظور تجویز مداخله در سومالی با اهداف بشر دوستانه، تفسیر موسعی از تهدیدات صلح و امنیت بین‌المللی ارائه داد. سازمان ملل متحد کمک کرد تا جنگ‌های طولانی‌گوناگون در آمریکای مرکزی و آفریقای جنوبی پایان پذیرند.

۱۳- این وضعیت زودگذر بود. سریعاً آشکار شد که سازمان ملل متحد، موانع جنگ سرد را جهت محدود کردن رضایت خاطر کشور عضو و بی تفاوتی قدرت بزرگ مبادله کرده بود. هرچند سازمان ملل متحد، مفهوم امنیت انسانی را مطرح ساخت ولی این سازمان به طور ناچیزی ثابت کرد که به منظور تأمین آن مجهز شده است. تعارضات منطقه‌ای مداوم نظیر درگیری‌هایی که اسرائیل / فلسطین و کشمیر با آن دست به گریبان هستند همچنان حل نشده باقی مانده است. کوتاهی‌ها در اقدام جهت رودرویی با پاکسازی قومی و نسل‌کشی [ژنوسید] در روندا و بوسنی از حمایت بین‌المللی کاست. خوش بینی، بدبینی دوباره‌ای درباره عزم کشورهای عضو به منظور حمایت از سازمان به بار آورد.

۱۴- حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویورک و واشنگتن دی سی تصویری از قابلیت تکوین امنیت جمعی مجدد را برای اعضای سازمان ملل متحد نقش بست. در ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۰۱ فرانسه پیش‌نویسی را عرضه کرد و شورای امنیت، قطعنامه ی (۲۰۰۱) ۱۳۶۸ را به اتفاق آرا تصویب کرد که حملات را محکوم می‌کرد و راه ایالات متحده را در قالب دفاع مشروع برای اقدام نظامی علیه رژیم طالبان باز کرد. در همان روز، مجمع عمومی، تروریسم و حملات تروریستی را محکوم نمود. در ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۱ شورای امنیت، قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ را تصویب نمود که تمام کشورهای عضو را به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد ملزم می‌ساخت تا در راستای مبارزه با تروریسم، اقدامات خاصی را در پیش گیرند. سه ماه بعد، سازمان ملل متحد موافقتنامه بن را ترتیب داد که طی آن، دولت موقتی جهت جایگزینی رژیم معزول طالبان ایجاد شد. سازمان ملل متحد به عنوان متولی فرآیند صلح در افغانستان، پشت دولت موقت ایستاد و در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید این کشور کمک نمود.

۱۵- این روح آرمان بین‌المللی، تنها چند ماه طول کشید و با لشکر کشی‌های ایالات متحده برای جنگ با عراق در سال ۲۰۰۳ از بین رفت.

۱۶- حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بر هلا ساخت که کشورها همچون نهادهای امنیت جمعی در حفظ صلح با وجود تحولاتی در ماهیت تهدیدات شکست خورده‌اند. انقلاب تکنولوژیک که به طور ریشه‌ای جهان ارتباطات، پردازش اطلاعات، بهداشت و حمل و نقل را تغییر داده، مرزها را محو کرده، مهاجرت را متحول نموده و به افراد کل جهان اجازه داده است تا اطلاعات را در سرعتی غیرقابل مقایسه با دهه پیش، رد و بدل کنند. چنین تغییراتی، مزایای زیادی را به همراه آورده است ولی در عین حال، آستان لطمات زیادی نیز هست. تعداد مردم کمتر و کمتری قادرند بدون حمایت هیچ کشوری، میزان صدمات بیشتر و بیشتری را تحمل کنند. جنایت سازمان یافته فرامرزی، یک تهدید جدید، پی حاکمیت قانون را درون مرزها و از یک مرز به مرز دیگر سست می‌کند. فن آوری‌هایی که به منظور بالا بردن سطح زندگی روزانه طراحی شده‌اند می‌توانند به ابزارهای تجاوز تبدیل شوند. هنوز برای درک کامل اثر این تحولات وقت داریم هرچند این تغییرات، پیام آور جو امنیتی اساساً متفاوتی هستند که در آن، فرصت‌های منحصر به فرد برای همکاری، همپای فرصتی بی سابقه در ویرانی است.

۲- مساله امنیت دسته جمعی جامع

الف) تهدیدات بدون مرز

۱۷- امروزه، بیش از هر زمان دیگر، تهدیدات با یکدیگر مرتبطند و تهدید نسبت به یکی، تهدید نسبت به همگان محسوب می شود. آسیب پذیری متقابل ضعیف و قوی، هیچ گاه واضح تر و تمام عیارتر از این نبوده است.

۱۸- یکپارچگی اقتصاد جهانی به این معناست که یک حمله تروریستی مهم در هر کجای جهان توسعه یافته، پیامدهای خانمان براندازی در رفاہ میلیون ها انسان در جهان در حال توسعه خواهد داشت. بانک جهانی تخمین می زند که حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به تنهایی، شمار مردمی را که در فقر به سر می برند تا ۱۰ میلیون نفر افزایش داده و شاید هزینه کلی اقتصاد جهانی از ۸۰ میلیارد دلار فراتر رفته است. این ارقام با یک واقعه ی تروریسم هسته ای خیلی بیشتر خواهد شد.

۱۹- به طور مشابه، امنیت مرفه ترین کشور می تواند در گرو توانایی فقیرترین کشور در برخورد با یک بیماری در حال ظهور باشد. چرا که زمان های پرواز بین المللی کوتاه تر از دوره های شکل گیری خیلی از بیماری های واگیردار هستند. هر یک از ۷۰۰ میلیون مسافر خطوط هوایی بین المللی هر ساله می توانند ندانسته یک حامل بیماری جهانی باشند. سندروم تنفسی خیلی شدید (سارس) به بیش از ۸۰۰۰ نفر در ۳۰ کشور طی ۳ ماه سرایت کرد و موجب مرگ تقریباً ۷۰۰ نفر شد. بیماری عالمگیر آنفولانزا در ۱۹۱۹ در طول دوره ای کمی بیش از یک سال، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر را کشت که این تعداد، خیلی بیشتر از کشته شدگان جنگ جهانی اول بود. امروزه ویروس مشابهی می تواند ده ها میلیون نفر را در یک زمان کوتاه از بین ببرد.

۲۰- امروزه هر تهدیدی نسبت به امنیت بین المللی، خطر تهدیدات دیگر را گسترش می دهد. تکثیر هسته های توسط کشورها، دسترسی به مواد و فناوری هسته ای مورد نیاز برای تروریست ها، جهت به دست آوردن سلاح هسته ای را افزایش می دهد. توانایی عاملین غیردولتی در قاچاق مواد و تکنولوژی هسته ای به یاری کنترل غیر مؤثر بر مرزهای کشور و حمل و نقل از طریق کشورهای ضعیف انجام می پذیرد.

۲۱- گروه های تروریستی بین المللی به بهانه پناهگاه، کشورهای ضعیف را قربانی اقدامات خود می کنند. عضوگیری آنها مدیون نارضایتی های پرورش یافته از فقر، تصرف بیگانه و فقدان حقوق بشر و دموکراسی، نابردباری های مذهبی و سایر تعصب ها و خشونت شهری - یک افسون مشترک تدارک یافته در مناطقی است که جنگ شهری و تعارضات منطقه ای میان بخش ها حاکم است. در سال های اخیر، تروریست ها از طریق دستیابی به برخی کالاهای گرانبها همچون مواد مخدر در کشورهایی که جنگ داخلی از هر سو آنها را احاطه کرده توانسته اند در تأمین مالی فعالیت های خود کوشا بوده و مبالغ هنگفتی پول را منتقل کنند.

۲۲- فقر، بیماری های مسری، تخریب محیط زیست و جنگ، هر یک، دیگری را طی یک چرخه مهلک تغذیه می کنند. فقر (همانطور که بر حسب سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه گیری می شود. قویاً با آغاز جنگ داخلی مرتبط است. (نمودار دو را ببینید).

بیماری هایی نظیر مالاریا و ایدز همچنان موجب مرگ شمار زیادی شده و فقر را تقویت می کنند بیماری و فقر به نوبت با تخریب محیط زیست مرتبطند. تغییر اقلیم، وقوع چنین بیماری های مسری مثل مالاریا و تب دانگ را وخیم تر می کند. تنش زیست محیطی از جمعیت های بزرگ و کمبودهای سرزمین و سایر منابع طبیعی می توانند در بروز خشونت شهری سهم داشته باشند.

۲۳- جنایت سازمان یافته فرامرزی، بسیاری از جدی ترین تهدیدات نسبت به صلح و امنیت بین المللی را تسهیل می کند. فساد، تجارت غیر مجاز و پول شویی در ناتوانی کشور، ممانعت از رشد اقتصادی و تضعیف دموکراسی نقش دارند. پس این فعالیت ها محیطی مستعد برای تعارض داخلی ایجاد می کند. دورنمای گروه های جنایتکار سازمان یافته که تأمین کننده تسلیحات هسته ای رادیولوژیک، شیمیایی یا بیولوژیک برای

تروریست‌ها هستند، بطور خاص نگران‌کننده است. افزایش تجارت مواد مخدر تا حدی دلیل افزایش سریع سرایت ایدز را به‌ویژه در اروپای شرقی و بخش‌هایی از آسیا توجیه می‌کند و فعالیت‌های تبهکارانه سازمان یافته، تلاش‌ها به‌منظور نهادینه‌سازی صلح را تحلیل برده و از طریق تجارت غیر مجاز ابزار درگیری و سلاح‌های کوچک، آتش خیلی از جنگ‌های داخلی را برمی‌افزود.

ب- محدودیت های خود حمایتی

۲۴- هیچ کشوری، هیچ موجودیتی هر چقدر که قدرتمند باشد، نمی‌تواند صرفاً با اتکا به تلاش‌های خویش، خود را نسبت به تهدیدات حال حاضر مصون سازد. هر کشوری نیازمند همکاری کشورهای دیگر است. تا خود را امن سازد. بنابراین، منافع هر کشوری اقتضا می‌کند، چرا که چنین کاری فرصت‌های دوجانبه همکاری جهت اقدام در برابر اولویت‌های تهدیدی یکدیگر را افزون خواهد کرد.

۲۵- بعنوان نمونه، تهدید تروریسم هسته‌ای را فرض می‌کنیم. کارشناسان تخمین می‌زنند تروریست‌ها برای یک شهر متوسط تنها به ۵۰ کیلوگرم اورانیوم بسیار غنی شده که در ۶ بسته شیر یک لیتری جای می‌گیرد، نیاز دارند که آن‌ها را از مرزها رد کرده و یک ابزار سرهم بندی شده هسته‌ای بسازند. کنترل‌های مرزها حمایت کافی را در قبال اینگونه تهدیدات تامین نخواهد کرد. غلبه بر تهدید تروریسم هسته‌ای مستلزم همکاری کشورهای ضعیف و قوی در پاکسازی ذخایر اورانیوم خیلی غنی شده، نظارت بهتر بر کشتی‌های باربری در بنادر و توافق بر قواعد جدیدی است که غنی‌سازی اورانیوم را به نظم درآورد. همکاری کشورها در توزیع اطلاعات برای توقف تروریسم، ضروری است.

۲۶- به همین ترتیب، به منظور توقف جنایت سازمان یافته، کشورها باید جهت مبارزه با پول شویی، قاچاق مواد مخدر و انسان و فساد با یکدیگر همکاری کنند. کوچک‌ترین سرخ‌ها می‌توانند در توفیق تلاش‌های بین‌المللی جهت مقابله با این مشکل، کارساز باشند. نمادهای غیر مؤثر امنیت جمعی، امنیت همه مناطق و کشورها را تضعیف می‌کند.

۲۷- مستحکم‌ترین دفاع در برابر کاربرد احتمالی تروریست از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک در کنترل مواد خطرناک، بازداشتن و دستگیری تروریست‌ها و توجه به تهدیدات خارجی که خطر اقدامات تروریستی را افزایش می‌دهد، جستجو می‌شود. جنگ داخلی، بیماری و فقر، احتمال فروپاشی کشور را افزایش داده و گسترش جنایت سازمان یافته را تسهیل می‌کند. بنابراین همچنین افزایش خطر تروریسم و تکثیر تسلیحات، در ارتباط با کشورهای ضعیف و توانایی ناچیز جمعی در اعمال قانونمداری است. پیشگیری از گسترش وسیع تروریسم، مستلزم اهتمامی عمیق در تقویت سیستم‌های امنیت جمعی، بهبود فقر، مبارزه با افراط‌گرایی، خاتمه نارضایتی‌هایی که از جنگ منشعب می‌شوند، ممانعت از گسترش بیماری‌های مسری و پیکار با جنایت سازمان یافته است.

۲۸- پس منافع تمام کشورها ایجاب می‌کند نظام نوین جامع امنیت جمعی را در پیش گیرند که تمام آنها را متعهد به همکاری در برابر تهدیدات گسترده می‌نماید.

ج - حاکمیت و مسئولیت

۲۹- با امضای منشور ملل متحد، کشورها نه تنها از مزایای حاکمیت بهره می‌برند بلکه همچنین مسئولیت‌های ناشی از حاکمیت را نیز به گردن می‌گیرند. هرگونه برداشتی که ممکن است در نظام وستفالی در ابتدا از مفهوم حاکمیت کشور غلبه یافته باشد، امروزه صریحاً تعهد یک کشور را به حمایت از رفاه مردم خود و ایفای تعهدات خود در قبال جامعه بین‌المللی گسترده‌تر، با خود همراه دارد. ولی در عین حال، تاریخ، خیلی روشن به همه ما این درس را می‌دهد که نمی‌توان فرض کرد که هر کشوری همواره قادر یا

مصصم خواهد بود که مسئولیت های خویش را در جهت حمایت از مردم خود ایفا کند و از زیان رسانیدن به همسایگانش اجتناب ورزد و در این اوضاع و احوال، اصول امنیت جمعی این معنی را می دهد که بخش هایی از این مسئولیت ها باید توسط جامعه ی بین المللی بر عهده گرفته شده تا با اقدام بموجب منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایجاد ظرفیت یا ارائه حمایت لازم به ترتیبی که این مورد محتمل است، کمک نماید.

۳۰- آنچه را که ما در صدد حمایت هستیم، بازتاب آن چیزی است که ما به آن ارزش می نهیم. منشور سازمان ملل متحد، بدنبال حمایت از تمام کشورهاست نه به این دلیل که کشورها فی نفسه خوب هستند بلکه از این بابت که کشورها در تحقق کرامت، عدالت، منزلت و ایمنی شهروندان خود ضرورت دارند. اینها ارزش هایی است که باید در قلب هر نظام امنیت جمعی برای قرن بیست و یکم واقع شده ولی غالباً کشورها در احترام و ارتقای این ارزشها ناکام مانده اند. امنیت جمعی که ما در جستجوی آن هستیم تا امروز ما را بسازد، مسئولیتی مشترک برای تمام کشورها و نهادهای بین المللی و موجودیت هایی که به انجام مطلق آن هدایت می شوند را می طلبد.

د - عناصر یک نظام امنیت جمعی قابل قبول

۳۱- برای اینکه یک نظام امنیت جمعی، قابل اعتماد و پایدار به حساب آید باید مؤثر، کارآمد و عادلانه باشد. در تمام این موارد، این نظام چندجانبه به ترتیبی که ما اکنون آن را می شناسیم در واکنش به تهدیدات امنیتی عمده ای که جهان در دهه های اخیر با آن رودرو بوده است، چنین نشان داده که اجرا شدنی است. ولی باید برای اجرای بهتر در تمام شیوه هایی که ما در این گزارش بیان می کنیم، تقویت شود.

۱- مؤثر بودن

۳۲- نهادهای امنیت جمعی، خواه با کاهش تقاضای تسلیحات هسته ای و خواه با میانجیگری درگیری میان کشورها یا پایان دادن به جنگ های داخلی، سهمی اساسی در حفظ صلح و امنیت بین المللی داشته اند، هر چند که اغلب، نقش این نهادهای امنیت جمعی چه از سوی آنها که خواستار فعالیت بیشتر اینگونه نهادها هستند و چه آنها که خواهان نقش کمتر این نهادها هستند، کم اهمیت جلوه داده شده است.

۳۳- نهادهای امنیت جمعی بندرت در انزوا، اثر گذارند. معمولاً نهادهای چندجانبه، دوشادوش بازیگران ملی، منطقه ای و گاهی جامعه مدنی اقدام می کنند و هنگامی که این تلاشها با اهداف مشترک متحد می شوند، بیشترین اثرگذاری را دارند. این امر به همان اندازه که در مورد میانجی گری صادق است درباره بازسازی بعد از تعارض، استراتژی های کاهش فقر و تدابیر عدم تکثیر تسلیحات نیز موضوعیت دارد.

۳۴- کشورها هنوز در خط مقدم مقابله کنندگان با تهدیدات امروزی قرار دارند. همه اقدامات بین المللی موفقیت آمیز در مبارزه با فقر، بیکار با بیماری های و آگیردار، توقف جنایت فرامرزی، بازسازی بعد از جنگ داخلی، کاهش، تروریسم و بازداشتن از گسترش مواد خطرناک، مستلزم کشورهای توانمند و مسئول، بعنوان یارانی در کنار یکدیگر است. متعاقب این امر است که تلاش بیشتر باید در افزایش توانایی کشورها در جهت اعمال مسئولیت حاکمیتی شان صورت پذیرد. به منظور ایفای تمام این مسئولیت ها کشورها باید در مقام کمک به توانمند سازی دیگران واقع شده و این مقوله را نیز در زمره مسئولیت های خود قرار دهند.

۳۵- اقدام جمعی، اغلب شکست می خورد و گاهی ناکامی این اقدامات خیلی شدید است. غالباً عدم رعایت، رسیدگی و کنترل نامنظم و اجرای ضعیف، مانع از کارکرد ابزارهای جمعی می شوند. فقط هشدار سریع در هنگامی که منجر به اقدام فوری برای پیشگیری شود، مؤثر است. کنترل و رسیدگی هنگامی که مکمل اجرا باشند نه جایگزین آن، به بهترین نحو ممکن عمل می کنند.

۳۶- نهادهای امنیت جمعی بویژه در مواجهه با مشکل سوء استفاده های فاحش و وسیع حقوق بشر و

نسل‌کشی کم پیش رفته‌اند. این یک چالش هنجاری برای سازمان ملل متحد است: مفهوم کشور و مسئولیت بین‌المللی در حمایت از غیرنظامی از آثار جنگ و سوء استفاده از حقوق بشر، بدرستی بر تنش میان ادعاهای رقابت آمیز آسیب‌پذیری حاکمیت و حق مداخله پیشی گرفته است. این امر یک چالش اجرایی نیز است: چالش توقف یک دولت از کشتار افراد غیر نظامی خود، مستلزم قابلیت صف آرای نظامی قابل توجهی است.

۲- کارآمدی

۳۷- برخی ابزارهای امنیت جمعی کارآمد شده‌اند. مانند نهادینه شدن معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و توفیق بلندمدت قابل توجه در پیشگیری از تکثیر گسترده تسلیحات هسته‌ای آژانس انرژی اتمی با بودجه عادی خود که کمتر از ۲۷۵ میلیون دلار است بعنوان نهادی فوق‌العاده در مذاکره است. همچنین تلاش‌های میانجی‌گری دبیرکل، هرچند که بطور فاحشی بدون هیچ منبعی است در کاهش تنش‌های بین‌المللی مؤثر بوده است.

۳۸- ولی ابزارهای امنیت جمعی‌تر غیرکارآمد شده‌اند. عملیات پس از جنگ، بعنوان مثال، غالباً با هماهنگی بی‌شمار و تداخل دوجانبه و برنامه‌های سازمان ملل متحد با رقابت میان آژانس‌ها مانع از بهترین استفاده از منابع کمیاب دو جانبه می‌شود.

۳۹- بزرگ‌ترین عامل غیرکارآمدی در نهادهای امنیت جمعی ما، عدم اهتمام در جدی گرفتن پیشگیری از خشونت مهلك است. کوتاهی در صرف کردن زمان و منابع پیشگیری از ظهور و تشدید درگیری‌ها بزودی منجر به فاجعه‌ای وسیع‌تر و مهلك‌تر می‌شود که اراده آن در مدت زمان طولانی‌تر هزینه برتر است.

۳- عدالت

۴۰- اعتبار هر نظام امنیت جمعی به اینکه آن نظام تا چه اندازه امنیت را برای تمام اعضای خود، بدون توجه به ماهیت منتفعین، موقعیت آنها، منابع یا ارتباط آنها با قدرت‌های بزرگ تأمین می‌کند، بستگی دارد.

۴۱- اغلب، سازمان ملل متحد و کشورهای عضو آن در واکنش به تهدیدات امنیت بین‌المللی تبعیض قائل شده‌اند. برخلاف شتاب سازمان ملل متحد در واکنش به حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، اقدامات این سازمان هنگامی که با واقعه‌ای خیلی مهلك تر، از آوریل تا اواسط ژولای ۱۹۹۴ مواجه شده و رواندا هر روز معادل سه برابر حمله ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ را در طول ۱۰۰ روز تجربه کرد، در کشوری که تمام جمعیت آن یک‌سوی و ششم جمعیت ایالات متحده بود قابل ذکر است. در طول دو هفته ژنوسید، شورای امنیت، اغلب سربازان حافظ صلح خود را از این کشور بیرون کشید. تقریباً یک ماه برای مقامات رسمی سازمان ملل متحد طول کشید که آن را یک نسل‌کشی بخوانند و حتی برای برخی اعضای شورای امنیت بیشتر طول کشید. هنگامی که سرانجام یک هیئت اعزامی جدید برای رواندا مجوز گرفت، یعنی پس از ۶ هفته نسل‌کشی، کشورهای معدودی سربازانی را تدارک دیدند. این هیئت به مجرد این که ژنوسید خاتمه یافت. صف‌آرایی شد.

۴۲- همچنین در حین تبادل هیئت عالی در خصوص تهدیدها، چالش‌ها و تغییر، ما مجدداً با سرعت بی‌روح و سردی که نهادهای ما در قبال موارد گسترده نقض حقوق بشر در دارفور عکس‌العمل نشان داده‌اند برخورد کرده‌ایم.

۴۳- وقتی که نهادهای امنیت جمعی به طرز غیر مؤثر و ناعادلانه ای واکنش نشان دادند، آنها حقیقت خیلی عمیق‌تری را از اینکه موارد تهدید چیست برملا می‌سازند. نهادهای امنیت جمعی ما نباید صرفاً ادعا کنند که تهدید یکی، واقعا تهدید همه است بلکه باید بر اساس آن عمل کنند.

بخش ۲

۳- فقر، بیماری‌های مسری و تخریب محیط زیست

امنیت جمعی و چالش پیشگیری

هر واقعه یا فرآیند مرگ گسترده یا کاهش فرصت حیات که منجر به تضعیف کشورها به عنوان واحد مبنایی نظام بین‌المللی گردد، تهدید علیه امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. بنابر این چنین تعریف می‌گردد که شش ردیف برای تهدیداتی که دنیا باید در حال حاضر و دهه‌های بعد مورد توجه قرار دهد، وجود دارند: تهدیدات اقتصادی و اجتماعی، شامل فقر، بیماری‌های مسری و تخریب محیط زیست.

• تعارض میان کشورها

• تعارضات داخلی، شامل جنگ‌های داخلی، نسل‌کشی [ژنوسید] و سایر فجایع در مقیاس وسیع

• تسلیحات هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک

• تروریسم

• جنایات سازمان یافته فراملی.

سازمان ملل متحد در ۶۰ سال نخست عمر خود، نقشی سرنوشت ساز در کاهش یا تخفیف این تهدیدات نسبت به امنیت بین‌المللی داشته است. هرچند که نقاط ضعف عمده ای وجود داشته اما سند موفقیت‌ها و مشارکت‌ها نیز مورد توجه کافی قرار نگرفته است. این امر، این امید را می‌دهد که سازمان ملل متحد می‌تواند خود را جهت مقابله با چالش‌های جدیدی قرن بیست و یکم تطبیق دهد.

چالش اولیه سازمان ملل متحد و اعضای آن، تضمین این مسأله است که تمام تهدیداتی که در گروه‌های یاد شده فهرست شده‌اند، آنهایی که بعید هستند، قریب الوقوع نشوند و تهدیداتی که قریب الوقوع هستند در عمل، مخرب نشوند. این امر، مستلزم ایجاد چهارچوب کاری برای اقدام پیشگیرانه ای است که به تمام این تهدیدات از هر راهی که اغلب بخش‌های مختلف جهان را متأثر می‌سازند، پرداخته شود.

اغلب آنها، رهبری در سطوح داخلی و بین‌المللی را جهت اقدام فوری، قاطعانه و دسته جمعی علیه تمام این تهدیدات از ایدز گرفته تا تروریسم هسته‌ای، پیش از آنکه اثر ویرانگر خود را بر جای گذارند، ضروری خواهد ساخت.

در تشریح اینکه چگونه با چالش پیشگیری مواجه کنیم، با توسعه آغاز می‌کنیم چرا که مبنای اجتناب ناپذیر نظام امنیت جمعی است که جداً پیشگیرنده است. توسعه، عملکرد چندگانه ای دارد. این عامل در مبارزه با فقر، بیماری مسری و تخریب محیط زیست که میلیون‌ها نفر را می‌کشد و امنیت انسانی را تهدید می‌کند، نقش دارد.

توسعه، عاملی حیاتی در کمک به کشورها در پیشگیری یا لغو تحلیل ظرفیت کشور است که مقابله با تقریباً هر نوع تهدید مهم است و توسعه، بخشی از یک استراتژی بلند مدت جهت پیشگیری از جنگ داخلی و توجه به محیط زیست همچون تروریسم و رشد جنایت سازمان یافته است.

الف - تهدیدهای پیش روی ما

۴۴- از سال ۱۹۹۰ در حالی که درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه، بطور میانگین، هر ساله سه درصد افزایش یافته است، در برخی مناطق، شمار مردمی که در فقر بسر می‌برند تا بیش از ۱۰۰ میلیون نفر افزایش پیدا کرده است. حداقل در ۵۴ کشور، متوسط درآمد سرانه در طول همین دوره زمانی، کاهش یافته است. هر ساله، حداقل ۱ میلیون کودک بر اثر ابتلا به بیماری‌های قابل پیشگیری می‌میرند و بیش از نیم میلیون زن، در طول دوران بارداری یا هنگام زایمان جان می‌بازند. فقر روبه تزايد با افزایش نابرابری در سطح جهان و نابرابری درآمدها در خیلی از کشورهای فقیر، همراه شده است. برای مثال در بخش‌هایی

از آمریکای لاتین، درآمد ۵ درصد ثروتمندترین طبقه جامعه ۳۰۰ برابر درآمد ۵ درصد فقیرترین اقشار جامعه است. در سراسر دنیا زنان و جوانان بگونه نامتوازنی در فقر زندگی می‌کنند.

۴۵- هنگامی که فقر به نابرابری‌های نژادی و منطقه‌ای اضافه می‌شود، مصائبی که به خشونت داخلی دامن می‌زنند، پیچیده‌تر می‌شوند. چه بسا این خشونت به جنگ نرسد، اما ترکیبی از جمعیت جوان خروشان، فقر، توسعه شهری و بیکاری در خیلی از شهرهای جهان در حال توسعه، منجر به رشد خشونت گروهی شده است. چنان که یکی از زنان حاضر در جلسه هیات مشورتی سازمان‌های جامعه مدنی در آفریقا پرسیده بود: «چگونه اجازه داده‌ایم که بزرگترین سرمایه ما یعنی جوانان، به تهدیدی علیه امنیتمان بدل شوند؟»

۴۶- قاره ای که سخت‌ترین آسیب را از فقر متحمل شده، آفریقا است. از سال ۱۹۹۰ تاکنون در جنوب صحرای آفریقا میانگین امید به زندگی از ۵۰ سال به ۴۶ سال کاهش پیدا کرده است. در حالی که در جهان توسعه یافته از میان هر صد کودک کمتر از یک کودک، تا قبل از ۵ سالگی می‌میرد، این رقم در اغلب کشورهای جنوب صحرای آفریقا عبارت است از یک کودک از هر ده کودک و در ۱۴ کشور این رقم، معادل یک کودک از هر پنج کودک است. در جنوب صحرای آفریقا از سال ۱۹۹۰ شمار افرادی که با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند افزایش یافته است. این در حالی است که در دهه ۱۹۹۰ سوء تغذیه در سرتاسر دنیا کاهش یافت ولی در آفریقا افزایش یافت.

۴۷- جهان طی سه دهه گذشته، شاهد ظهور بیماری‌های مسری جدید، پیدایش مجدد بیماری‌های قدیمی و شیوع مقاومت در برابر تعداد روبه رشد داروهای اصلی آنتی بیوتیک بوده است. فلج اطفال که ریشه کن ساختن آن، یکی از دستاوردهای بزرگ قرن بیستم بود، اخیراً دوباره ما را تهدید می‌کند. این روند، مبین ضعفی اساسی در ظرفیت محلی و جهانی بهداشت عمومی است.

۴۸- واکنش بین‌المللی به ویروس ایدز بگونه شگفت‌انگیزی کند، آرام و منابع اختصاص یافته به آن به طور شرم‌آوری ناچیز است. اولین ابتکار عمل بین‌المللی در خصوص ویروس بیماری ایدز به نام برنامه ی جهانی ایدز، شش سال، پیش از اینکه اولین موارد ویروس ایدز شناسایی شدند و بدنبال آن، میلیون‌ها انسان را در تمام دنیا مبتلا ساخته بود یعنی در سال ۱۹۸۷ آغاز شد. ۹ سال بعد، هنگامی که ۲۵ میلیون نفر به این بیماری مبتلا شده بودند، برنامه مشترک ملل متحد در مورد ویروس بیماری ایدز (UNAIDS) به منظور هماهنگ ساختن آژانس‌های سازمان ملل متحد، جهت فعالیت درباره ویروس ایدز ایجاد شد. تا سال ۲۰۰۰ که شورای امنیت برای اولین بار از ویروس بیماری ایدز به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی سخن به میان آورد، تعداد قربانیان بیماری ایدز در آفریقا در هر سال از مجموع تعداد کشته شدگان تمام جنگ‌های داخلی در گرفته در دهه ۱۹۹۰ فراتر رفته بود. تا سال ۲۰۰۳ که صندوق جهانی برای مبارزه با ایدز، سل و مالاریا ایجاد شد، بیش از ۱۱ میلیون کودک در آفریقا در اثر ویروس بیماری ایدز یتیم شده بودند.

۴۹- اینکه قاره آفریقا به‌دلیل با بیماری عالمگیر ایدز بیشترین آسیب را متحمل شده است، این سؤال ناراحت‌کننده را پیش می‌آورد که اگر این بیماری، امید به زندگی را در کشورهای غیرآفریقایی تا ۳۰ سال کاهش می‌داد، آیا همچنان، واکنش بین‌المللی به همین‌کندی بود؟

۵۰- پیشرفت در مبارزه با سایر بیماری‌های مسری مهلک، گمراه‌کننده است و حرکت جهانی به سوی کنترل سل، پیشروی‌های قابل توجهی را شامل تعهد سیاسی، سرمایه‌گذاری، شکل‌گیری راهبرد، دسترسی به دارو و تحقیقات دارویی، نشان داده است. هنوز بیش از ۸/۵ میلیون مورد جدید سل گزارش شده و هر ساله بیش از دو میلیون نفر در اثر سل جان می‌بازند. سازمان جهانی بهداشت تخمین می‌زند که اگر روند کنونی از هم‌اکنون تا سال ۲۰۲۰ ادامه یابد، حدود یک میلیارد نفر، مبتلا خواهند بود، ۱۵۰ میلیون نفر، ناقل این بیماری خواهند بود و ۳۶ میلیون نفر خواهند مرد. کوشش‌های بیشتری برای استطاعت مالی و قابلیت دسترسی به داروها نه فقط در مورد سل هنوز شدیداً مورد نیاز است.

۵۱- تجربه بین‌المللی اخیر در مبارزه با سارس نشان می‌دهد که چگونه شیوع بیماری مسری می‌تواند با

فعالیت مؤثر نهادهای جهانی در همکاری نزدیک با نهادهای ملی توانمند محدود گردد. واکنش سریع سازمان جهانی بهداشت و آژانس‌های ملی، گسترش بیماری را محدود نموده و از گسترش جدی‌تر آن که می‌توانست هزاران نفوس را در اکثر قاره‌ها تهدید کند، جلوگیری نمود. هیچ کشوری بطور انفرادی نمی‌تواند به این میزان از محدود کردن بیماری دست یابد.

۵۲- جریان‌های کنونی دلالت بر وخیم شدن مستدام و احتمالی ناامنی در خیلی از کشورها بویژه در کشورهای جنوب صحرای آفریقا دارد. رشد جمعیت در جهان در حال توسعه و مصرف سرانه روزافزون در جهان صنعتی به تقاضای بیشتر منابع کمیاب منتج شده است. از دست دادن علفزارها، کمبود آب، ماهیگیری بی رویه، جنگل‌زدایی و تغییر اکوسیستم‌ها، چالش‌های بیم‌آوری را به توسعه پایدار تحمیل می‌کند. جمعیت دنیا انتظار می‌رود از $6/3$ میلیارد به $8/9$ میلیارد در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد و همه این رشد جمعیت، تقریباً در کشورهایی که برای جذب آن از توان کمی برخوردارند اتفاق می‌افتد. تغذیه جمعیت با چنین رشد سریع، تنها زمانی میسر خواهد بود که محصولات کشاورزی بگونه قابل توجهی افزایش یافته و پایدار باقی بمانند.

۵۳- تخریب زیست محیطی، توان تخریبی بلایای طبیعی را افزایش داده و در مواردی رخداد آن را تسریع کرده است. افزایش چشمگیر در عمده بلایا که در طول ۵۰ سال گذشته مشاهده شده، شواهد نگران کننده‌ای را از این روند به نمایش می‌گذارد. بیش از ۳ میلیارد نفر در دهه پیش در اثر رخداد این بلایا آسیب دیده و در همان مقطع زمانی، عوارض اقتصادی آن از چهار دهه گذشته فراتر رفته است. اگر تغییر اقلیمی موجب سیل‌های مخرب‌تر، امواج گرما، خشکسالی و طوفان می‌گردد، این آهنگ می‌تواند تسریع شود.

۵۴- بندرت، نگرانی‌های زیست محیطی در راهبردهای امنیتی، توسعه‌ای یا بشردوستانه لحاظ شده‌اند. همچنین مفاهیم و انسجامی جهانی در خصوص تلاش‌های مربوط به حمایت از محیط زیست وجود ندارد. اغلب تلاش‌ها در ایجاد ساختارهای حکومتی به‌منظور از میان برداشتن مشکلات تخریب محیط زیست جهانی، به‌صورت مؤثر، تغییر اقلیمی، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی را مورد خطاب قرار نداده‌اند. معاهدات چندجانبه منطقه‌ای یا جهانی درخصوص محیط زیست بر اثر عدم اجرای مؤثر از سوی کشورهای عضو تضعیف شده‌اند.

۵۵- نهادهای بین‌المللی و کشورها خود را برای مقابله با معضلات توسعه به طریقی مشترک و ادغام یافته، سازماندهی نکرده‌اند و به جای آن، همچنان به علاج فقر، بیماری‌های مسری و تخریب محیط زیست، هر یک بعنوان تهدیدی مجرد پرداخته‌اند. رهیافت‌های بخشی و جزئی نهادهای بین‌المللی، بازتابی از ملاحظات بخشی و جزئی دولت‌هاست؛ برای مثال، وزارتخانه‌های توسعه‌ای، صرفاً با برنامه‌های توسعه‌ای، وزارتخانه‌های کشاورزی فقط با برنامه‌های غذا و وزارتخانه‌های مالی تمایل دارند که تنها با نهادهای مالی بین‌المللی، وزارتخانه‌های محیط زیست، تنها با آژانس‌های زیست محیطی کار کنند. بدرستی، کشورهای کمک‌کننده دوجانبه، خواهان هماهنگی بهتر سازمان ملل متحدند ولی اشتیاق کمی برای تلاش‌های مشابه در مورد کمک‌های خود نشان می‌دهند.

۵۶- ساختارهای حکومتی اقتصادی و اجتماعی موجود در جهان برای مواجهه با چالش‌های پیش رو کفایت نمی‌کنند. برای رفع چالش‌های توسعه پایدار، کشورها باید در بخش‌ها و موضوعات مختلفی شامل کمک خارجی، فن‌آوری، تجارت، ثبات مالی و سیاست توسعه به مذاکره بنشینند. مذاکره در این قالب‌ها دشوار بوده و نیازمند توجه عالی و هدایت از سوی کشورهای است که واجد بیشترین آثار اقتصادی هستند. در حال حاضر، در سطوح بالا عرصه‌ای برای رهبران کشورهای بزرگ صنعتی و اقتصادهای در حال توسعه وجود ندارد که فرصت منظمی را برای گفت‌وگو صریح، روشنفکرانه و مشکل‌گشا فراهم آورد.

۵۷- مزیت نسبی سازمان ملل متحد در مواجهه با تهدیدات اقتصادی و اجتماعی، ظرفیت گردهم‌آوری بی‌بدیل آن است که اجازه می‌دهد این سازمان، اهداف توسعه‌ای مشترک را تکوین داده و جامعه بین‌المللی را به سمت یک اجماع، جهت‌نیل به این اهداف پیش‌برد. در سال‌های اخیر، نشست جهانی در خصوص

توسعه پایدار که در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی برگزار شد و کنفرانس بین‌المللی سرمایه‌گذاری برای توسعه که در مونتري مکزیک برپا شد به یک تفاهم جهانی و برنامه‌های بلند پروازانه‌ای با هدف محو فقر، تأمین امنیت غذایی، رشد اقتصاد کشورها و حمایت از محیط زیست به ترتیبی که نسل‌های آتی از آن منتفع شوند، منتج شده است. اعلامیه هزاره ملل متحد، متضمن مجموعه‌ای از اهداف و ضوابط مورد توافق بلندپروازانه اما عملی است که بعدها در اهداف توسعه هزاره، تحکیم شد و مواردی را از نصف کردن فقر مفرط و حمایت از محیط زیست تا دست یافتن به برابری جنسیتی بیشتر و متوقف کردن و معکوس نمودن روند گسترش بیماری ایدز تا سال ۲۰۱۵ دربر می‌گیرد.

۵۸- در سال ۲۰۰۲ رهبران جهان در مونتري توافق کردند که هم کمک‌دهندگان و هم کمک‌گیرندگان، تعهداتی را در نیل به توسعه برعهده گیرند. مسئولیت اولیه توسعه اقتصادی و اجتماعی بر دوش ملت‌ها قرار می‌گیرد که باید محیط مساعدی را برای رشد بخش خصوصی نیرومند و کمک مؤثر از طریق پیگیری سیاست‌های اقتصادی دقیق، احداث نهادهای مؤثر و مسئول و سرمایه‌گذاری در بخش‌های دولتی و اجتماعی که فواید آن به تمامی مردم می‌رسد، فراهم سازند. در مقابل پیشرفت‌های اساسی در خط مشی‌ها و نهادهای کشورهای در حال توسعه، خیرین موافقت کردند که در کوشش‌های خود در جهت کاهش فقر از جمله از طریق کاهش موانع تجاری، افزایش کمک توسعه‌ای و تأمین تسهیلاتی در پرداخت بدهی‌ها برای کشورهای فقیری که از قروض بالایی برخوردارند، تجدید نظر کنند.

ب - مواجهه با چالش پیشگیری

۱- منابع و اقدام بیشتر

۵۹- با تصویب اهداف توسعه هزاره در سال ۲۰۰۰، جامعه بین‌المللی، خود را به کاهش اساسی فقر تا سال ۲۰۱۵ متعهد کرده است. ارزیابی‌هایی که از سوی برنامه هزاره انجام شده نشان می‌دهد در حالی‌که پاره‌ای از مناطق جهان در مسیر به نیم رسانیدن تعداد افرادی که با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند هستند، سایر مناطق رو به قهقرا رفته‌اند. در زمینه کاهش مرگ و میر کودکان و افزایش ثبت‌نام آموزش ابتدایی، جهان، همچنان به عقب‌ماندگی خود در جهت ایفای تعهداتش ادامه می‌دهد. جنبه‌های جنسیتی اهداف توسعه هزاره به میزان اندکی مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه کشورهای فقیر و ثروتمند، متعهد به مقابله با تهدیدات اقتصادی و اجتماعی شده‌اند ولی این تعهدات بلحاظ کمبود منابع و اقدام تحقق‌یافتنی نبوده و در این خصوص، تعهدات بلند مدت نیز کفایت نمی‌کند. همه کشورها باید مجدداً خود را نسبت به اهداف محو فقر، نیل به رشد اقتصادی پایدار و ارتقای توسعه پایدار ملزم بدانند.

۶۰- اعتقاد ما چنین است که اهداف توسعه هزاره باید در کانون راهبردهای ملی و بین‌المللی ریشه‌کنی فقر گنجانده شوند. کاهش قابل توجه منابع، بازبینی اهداف توسعه هزاره را ضروری می‌سازد و تعهدات در خصوص سیاست‌های درست و حکومت شایسته باید در همه سطوح، تمام و کمال ایفا شوند. کمک‌های توسعه‌ای رسمی برای کشورهای در حال توسعه، جنبه حیاتی داشته و حمایت از کشورها براساس استراتژی کاهش فقر بر مبنای اهداف توسعه هزاره باید پایه‌ریزی گردد. خیلی از کشورهای کمک‌کننده که در حال حاضر کمتر از ۰/۷ درصد از درآمد ناخالص ملی خود را به کشورهای مشارکت‌کننده در برنامه کمک توسعه‌ای رسمی (ODA) اختصاص داده‌اند باید برای دستیابی به آن، برنامه زمان‌بندی شده‌ای را تهیه کنند.

۶۱- پس از سال‌ها بحث در مورد نگرش‌های نوآورانه بهبود جنبه‌های مالی توسعه همچون تسهیلات مالی توسعه همچون تسهیلات مالی بین‌المللی، کشورهای کمک‌دهنده گفت‌وگوهای خود را به این امر که چه فعالیتی باید انجام شود تا به این هدف برسند را تغییر دادند. ما از این مسئله استقبال می‌کنیم و کشورهای کمک‌کننده را به سرعت بخشیدن به حرکت خود در خصوص اتخاذ تصمیم در این موضوع تشویق می‌کنیم.

۶۲- رهبران کشورها در مونتري و ژوهانسبورگ با هم به این حقیقت رسیدند که با ادامه نابرابری در نظام

جهانی تجارت، پایه‌های ریشه‌کنی فقر سست خواهد شد. هفتاد درصد مردم فقیر دنیا در مناطق روستایی بسر می‌برند و درآمد خود را از کشاورزی کسب می‌کنند. آنها هزینه‌های سنگینی را می‌پردازند که متعاقب تحمیل موانع تجاری بر واردات کشاورزی و اعطای یارانه به صادرات کشاورزی انجام می‌گیرد. در سال ۲۰۰۱ اعلامیه دوحه سازمان جهانی تجارت، کشورهای امضاکننده را صریحاً در گنجاندن نیازها و منافع کشورهای در حال توسعه در بطن دور جدید مذاکرات تجاری متعهد ساخت. **اعضای سازمان جهانی تجارت باید تلاش کنند تا دور توسعه دوحه را تا اواخر سال ۲۰۰۶ به نتیجه برسانند.**

۶۳- اصلاحات و بهینه‌سازی حکومت در زمینه فرصت‌های تجاری، بخودی خود موجبات فقرزدایی تمام و کمالی را در بسیاری از کشورها، با کمترین سطح توسعه یافتگی که خیلی از آنها در جنوب صحرای آفریقا قرار دارند، فراهم نخواهد ساخت. در این کشورها تلاش‌های توسعه ای بدلیل فقر زیرساخت‌ها، بهره‌وری پایین کشاورزی شیوع بیماری و میزان بدهی خارجی کم تأثیر بوده‌اند. کشورهای توسعه یافته نیز باید بیشتر چالش‌های کشورهای فقیر، همچون استمرار بدهی‌ها را مورد نظر قرار دهند. باید در راستای اهداف توسعه هزاره، سطح بدهی‌های مستمر را تعدیل کنند. **دولت‌های وام‌دهنده و نهادهای مالی بین‌المللی باید کشورهای خیلی مقروض را مشمول کاهش بیشتر بدهی‌ها، طولانی‌تر کردن زمان بازپرداخت و دسترسی بیشتر به بازارهای جهانی قرار دهند.**

۶۴- علیرغم ابتکارهای عمده بین‌المللی، شیوع بیماری ایدز هنوز ادامه دارد. در اغلب کشورهای آسیب‌دیده در جنوب صحرای آفریقا آثار این بیماری بحرانی‌تر می‌شود. در آسیا، شمار افراد مبتلا به این ویروس از مرز هفت میلیون نفر تجاوز می‌کند و به سرعت در حال افزایش است. **گرچه منابع تخصیصی بین‌المللی برای مقابله با ویروس ایدز افزایش یافته و از مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ به ۲/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسیده است ولی با این وجود، بیش از ۱۰ میلیارد دلار سالانه برای مقابله با شیوع این بیماری لازم است.**

۶۵- تجربیات برخی کشورها بدرستی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری و کوشش‌های نهادینه شده می‌تواند توفیقات قابل ملاحظه‌ای را در پیکار با ویروس ایدز نائل آورد. با وجود آنکه برخی کشورها از اذعان به وخامت تهدید و ناکامی در مواجهه با این معضل اجتناب می‌کنند، کشورها تجربه کرده‌اند که اوضاع رو به وخامت و کوشش‌های بین‌المللی جهت مقابله با این موضوع به مانع برمی‌خورند. **رهبران کشورهای آسیب‌دیده لازم است که منابع را بسیج کنند و متعهد به سرمایه‌گذاری و درگیر ساختن جامعه مدنی و بخش خصوصی در تلاش‌های کنترل بیماری شوند.**

۲- ابتکار عمل نوین

۶۶- علیرغم آگاهی همگانی درباره هزینه‌های انسانی ویروس ایدز - میزان عفونت‌ها، مرگ و میرها و کودکانی که بی‌سرپرست شده‌اند، - ما از آثار بلندمدت شیوع این بیماری بر روی کشورهایی که بیشترین صدمه را از این بیماری دیده‌اند بی‌اطلاع هستیم. در حالی که ویروس ایدز ظرفیت کشورها و اقتصاد در آفریقا را زودتر از آنکه ترمیم شود، تخریب می‌کند، ما نمی‌توانیم آثار ویرانگر از دست دادن مقامات رسمی دولت، افراد واجد مهارت‌های بهداشتی، مربیان، خدمات‌رسانان، پرستاران، پلیس، سربازان و حافظان صلح را ارزیابی کنیم. در فقدان تحقیقی مناسب در این مسایل، ما نمی‌توانیم برای پیشبرد یک استراتژی جهت مقابله‌ی بلند مدت با آثار ویروس ایدز بر ثبات حکومت و کشور راهی را آغاز کنیم.

۶۷- شورای امنیت ضمن همکاری نزدیک با برنامه ملل متحد در خصوص ایدز (UNAIDS) باید در صدد برگزاری دومین اجلاس ویژه در خصوص ویروس ایدز به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، به منظور شناسایی آثار آتی ویروس ایدز بر کشورها و جوامع و افزایش پژوهش در مساله شناسایی مراحل بحرانی به سوی یک استراتژی بلند مدت در نابودی این تهدید برآید.

۶۸- مبارزه با ویروس ایدز، سل و مالاریا به کمک کشورهای توانمند و مسئول در کنار نظام‌های اجرایی

بهداشت عمومی بستگی دارد. نبود تسهیلات بهداشتی، عامل اولیه گسترش مالاریا است. خلأهای سرمایه‌گذاری، مانع از اصلاحات بخش بهداشتی خیلی از کشورهای بسیار آلوده از جمله جنوب آسیا و منطقه صحرا در آفریقا می‌شود. درمان‌های غیر مداوم و مقطعی که ناشی از سرمایه‌گذاری ناکافی است، اجازه داده که نسل‌های جدیدی از بیماری سل پیدا شود که درمان آنها بسیار مشکل است. حتی زمانی که برنامه تأمین سرمایه برای مقابله با ویروس ایدز وجود دارد، عدم کفایت یا نبود تسهیلات بهداشتی در فقیرترین مناطق کشورهای جنوب صحرا در آفریقا مانع از اجرای مؤثر و پایدار برنامه‌ها می‌شود. کمک‌کنندگان بین‌المللی با مشارکت مقامات ملی سازمان‌های جامعه مدنی عملی باید یک ابتکار عمل عمده جدیدی را در سطح جهان به منظور بازسازی نظام‌های ملی و محلی بهداشت عمومی در جهان در حال توسعه در پیش گیرند.

۶۹- این‌گونه تلاش‌ها باید هم‌زمان با ارتقاء قابلیت‌های جهانی در نظارت بر بیماری‌ها صورت گیرد. این حرکت، یک اقدام سه جانبه و وسیله‌ای برای مبارزه با بیماری‌های مسری نوظهور، دفاع در برابر تهدید تروریسم بیولوژیک و پایه ریزی کشورهای مؤثر و پاسخگوست. **اعضای مجمع عمومی جهانی بهداشت باید منابع بیشتری را برای شبکه جهانی واکنش و هشدار شیوع بیماری در سازمان جهانی بهداشت به منظور افزایش قابلیت مقابله با شیوع احتمالی بیماری‌ها تأمین کنند.**

۷۰- در تهدیدات شدیدی که از سوی یک بیماری مسری در حال ظهور یا رهایی عمده‌ی یک عامل عفونی مشاهده می‌شود، نیاز به همکاری میان سازمان جهانی بهداشت و شورای امنیت در اتخاذ تدابیر قرنطینه‌ای وجود دارد. (بخش پنجم را در پایین ببینید).

۷۱- به منظور مقابله با معضلات تغییر اقلیم، اقتصادهای نوین، نیازمند کاهش وابستگی خود به هیدروکربن‌ها بوده و باید تلاش ویژه‌ای را در تهیه راهبردهای توسعه‌ای سازگار با اقلیم انجام دهند. دولت‌های عضو باید توجه ویژه‌ای به توسعه منابع انرژی کم کربن شامل گاز طبیعی، انرژی تجدیدپذیر و انرژی هسته‌ای اختصاص داده و باید تأکید ویژه‌ای بر توسعه فناوری گازهای کم گلخانه‌ای قائل شوند. پروتکل کیوتو در چارچوب کنوانسیون چارچوب کاری ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی، توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر را که باید بتدریج، وابستگی بی‌رویه به سوخت‌های فسیلی را اصلاح کند، تشویق کرده است. برای تشویق بیشتر در این باره، **کشورها باید انگیزه‌هایی را در توسعه بیشتر منابع تجدیدپذیر ایجاد کرده و حذف یارانه‌های زیان‌بار به حال محیط زیست را به‌ویژه در مورد استفاده و توسعه سوخت فسیلی آغاز کنند.**

۷۲- لازم الاجرا شدن پروتکل کیوتو بعد از تصویب فدراسیون روسیه، یک گام مثبت روبه جلو محسوب می‌شود، هرچند که پروتکل کیوتو بخودی خود، به منظور حل مسأله محدودسازی انتشار گاز گلخانه‌ای کفایت نمی‌کند. این پروتکل توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر را که باید بتدریج، وابستگی بی‌حد و مرز به سوخت‌های فسیلی را اصلاح کند، تشویق کرده است. با این حال، مشکلات باقی است. برخی کشورهای توسعه یافته صنعتی، بدلیل مسایلی خارج از حوزه سیاست اقلیمی مثل کاهش سریع تولیدات صنعتی، مفاد پروتکل کیوتو را دنبال می‌کنند. ایالات متحده که حدود یک‌چهارم انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط آن است، از تصویب این پروتکل سر باز می‌زند. در همین حال، کشورهای در حال توسعه که در حال حاضر، حدود نیمی از گازهای گلخانه‌ای را منتشر می‌کنند (ولی تنها یک‌دهم سرانه انتشار گازهای گلخانه‌ای را دارند) با پذیرش هرگونه الزامی مخالفند و چنین تصور می‌کنند که مانعی بر سر راه رشد اقتصادی است. کشورهای صنعتی، احتمالاً بیشتر در مقابل پذیرش هزینه آور کاهش‌ها بدون افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه از خود مقاومت نشان می‌دهند. مهم‌تر از همه اینکه، پروتکل کیوتو متضمن هیچ تعهدی تا قبل از سال ۲۰۱۲ نیست. ما از کشورهای عضو خواستاریم تا فاصله میان عملکرد خود و تعهدات خود را به موجب پروتکل کیوتو مورد توجه قرار داده و بیشتر به مسأله گرم شدن جهان اهمیت دهند و مذاکرات جدیدی را در ایجاد راهبردی جدید و بلند مدت در کاهش گرم شدن جهان، و رای دوره زمانی مقرر در

پروتکل شروع کنند.

۷۳- مؤسسات مالی بین‌المللی و سازمان ملل متحد باید کمک‌های بیشتری را به آن دسته از کشورهایایی که شدیداً در مقابل بلایای طبیعی آسیب پذیرند، اختصاص دهند. چرا که بدون تردید این وضعیت در بی‌ثباتی این کشورها نقش خواهد داشت، به همان ترتیبی که در سال ۲۰۰۴ در هائیتی شاهد این امر بودیم. سازمان جهانی هواشناسی تخمین زده که سرمایه‌گذاری جهت کاهش آسیب‌پذیری، به‌گونه‌ای جدی از شمار قربانیان بلایای طبیعی می‌کاهد. برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP)، برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و بانک جهانی باید تلاش‌های خود را بر شیوه‌های منسجم‌تری متمرکز نموده و با مشارکت دولت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی خارجی، به منظور پیشبرد ارزیابی‌های آسیب‌پذیری و فعالیت با دولت‌هایی که بیشترین آسیب را دیده‌اند در تقویت توان‌سازی خود اقدام کنند.

۴- مناقشات داخلی و خارجی

الف- تهدید ناشی از مناقشه میان کشورها

۷۴- اگرچه جهان، ظرف ۶۰ سال گذشته، جنگ‌های معدودی را میان کشورها به چشم خود دیده ولی تهدید ناشی از جنگ میان کشورها از بین نرفته است. منازعات منطقه‌ای حل نشده در جنوب آسیا، شمال و شرق آسیا و خاورمیانه همچنان صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. این منازعات ممکن است ۴۰ سال تلاش در جلوگیری از تکثیر تسلیحات هسته‌ای و بیش از ۷۵ سال تلاش در رفع مصائب تسلیحات بیولوژیک و شیمیایی را نقش بر آب کند. رقابت بین کشورها در برخی مناطق به جنگ‌های داخلی دامن زده و خاتمه دادن به آنها را دشوار ساخته است. این قبیل رقابت‌ها به دلیل گسترش روز افزون تسلیحات متعارف، موجب انحراف منابع کمیابی می‌شود که می‌توانند در کاهش فقر، ارتقای بهداشت و بهبود آموزش مورد استفاده واقع شوند.

۷۵- جنگ و بی‌ثباتی مداوم در عراق و فلسطین، افراط‌گرایی را در بخش‌هایی از جهان مسلمین و غرب تشدید کرده است. این مسئله، پیچیده و چندبعدی است و در هر دسته‌بندی ساده‌ای جای نمی‌گیرد. معذراً، کسی نمی‌تواند توانایی گروه‌های افراطی را در ترویج احساس عداوت میان جهان غرب و مسلمانان نادیده گیرد. خطراتی که اگر به حال خود رها شوند، تبعات گسترده‌تری خواهند یافت.

۷۶- در گذشته، سازمان ملل متحد با مساعی جمیله دبیرکل یا دیپلماسی خاموش به منظور خنثی کردن بحران‌ها و ایجاد فرصت گفتگوی آزادانه و سنجش قصد طرفین درگیر در تخفیف تهدید مناقشات میان کشورها نقش داشت. همه دبیران کل، علیرغم ظرفیت ناچیز موجود در سازمان جهت حمایت از آن، این نقش را ایفا کرده‌اند.

۷۷- با پایان پذیرفتن جنگ سرد، شورای امنیت بطور روزافزون، تهدیدات بین‌المللی را فعالانه مورد توجه قرار داد. میانگین تعداد قطعنامه‌هایی که شورای امنیت هر ساله صادر می‌کرد از ۱۵ قطعنامه به ۶۰ افزایش یافت و از ماهی یک قطعنامه به هفته‌ای یک قطعنامه رسید. قبل از سال ۱۹۸۹ شورا دوبار به اعمال تحریم مبادرت کرد ولی از آن زمان تا کنون شورای امنیت ۱۴ بار تحریم‌هایی را اعمال کرده که طیف‌های وسیعی از اهداف مذکور را شامل مقابله با تجاوز، حفظ دولت‌های دموکراتیک، حمایت از حقوق بشر، خاتمه جنگ‌ها، مبارزه با تروریسم و حمایت از موافقتنامه‌های صلح دربرمی‌گیرد.

۷۸- بسیاری از این تحریم‌ها حداقل تا اندازه‌ای مؤثر بوده‌اند. در مواردی، این تحریم‌ها منجر به مذاکراتی شده که به تفاهم ختم شده است. در برخی دیگر، تحریم‌ها محتوی فشار نظامی به منظور تضعیف و در انزوا قرار دادن گروه‌های شورشی و کشورهایایی است که قطعنامه‌های شورای امنیت را بگونه فاحشی نقض می‌کرده‌اند.

۷۹- تحریم‌ها هنگامی که به‌طور مؤثری هدفمند نبوده و هنگامی که شورای امنیت در اجرای آنها قصور ورزیده، شکست خورده‌اند. منافع راهبردی قدرت‌های بزرگ، عامل اسامی در اجرای صیغه قطعنامه‌ها

به‌شمار می‌آید. فقدان شفافیت در هدف تحریم‌ها - تحریم‌های ناکارا - با نگرانی از عواقب بشردوستانه آنها همراه شده است. حمایت ناقص از کمیته‌های تحریم‌های مربوطه و ظرفیت غیرکافی کشور در اجرای تحریم نیز از این دست است.

۸۰- شورای امنیت در نتیجه افزایش نگرانی از عواقب بشردوستانه تحریم‌های جامع، بعد از تحریم عراق، یوگسلاوی سابق و هائیتی از تحمیل تحریم‌ها دست کشید و منحصرأ به مجازات‌های مالی، دیپلماتیک، تسلیحاتی، هوانوردی، مسافرتی و کالاهای تجارتي روی آورد با این هدف که محاربین و سیاستگذاران، مستقیماً بیشترین مسئولیت را در قبال سیاست‌های شرم‌آور و نکوهیده دارا هستند.

۸۱- الزماً اگر فعالیت بیشتری انجام گیرد، نتیجه بیشتری به‌دست نمی‌آید. شورای امنیت نه تمام موقعیت‌هایی را که توجه شورا را توجیه می‌کرده مورد نظر قرار داده و نه همه قطعنامه‌ها از اقدامات اجرایی مؤثر بهره‌مند شده‌اند. مع‌الوصف، وجود دو گرایش از دهه ۱۹۹۰ دلالت بر تأثیرگذاری روبه رشد قاعده‌مندی مناقشات بین‌المللی دارد. اول، اینکه شورای امنیت تمایل بیشتر و فعالیت بیشتر در استفاده از اختیارات خود به‌موجب فصل هفتم منشور ملل متحد دارد و توازن میان توسل یکجانبه به زور و توسل به زور جمعی مجاز بگونه‌ای متعادل شده‌اند. شاید امروزه توسل به زور جمعی مجاز، یک قاعده نباشد ولی مدت مدیدی نیست که بصورت یک استثنای اصل منع توسل به زور درآمده است. دلیل دوم و شاید روشن‌ترین نشانه رشد اهمیت نقش سازمان ملل در قاعده‌مند ساختن مناقشات بین‌المللی، انتظاراتی است که اخیراً به‌وجود آمده مبنی بر اینکه شورای امنیت باید حکمیت توسل به زور را برعهده گیرد.

۸۲- بسیاری از مردم چنین تصور می‌کنند این امر طبیعی بود که آمریکا باید در صدد کسب حمایت شورای امنیت برای آغاز جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳ برمی‌آمد. هرچند که ابرقدرت‌ها بندرت برای اقدامات خود، بدنبال پذیرش شورای امنیت بوده‌اند. اینکه همه کشورها باید مجوز شورا را برای توسل به زور اخذ کنند، اصل تثبیت شده‌ای نیست ولی اگر چنین بود ایمان ما به آن بیشتر تقویت می‌شد. تجزیه و تحلیل‌های ما مخالف این است مبنی بر اینکه آنچه در معرض خطر است، هنجار نسبتاً نوظهوری است که گرانقدر بوده اما هنوز قوام ندارد.

۸۳- قضیه عراق، اختلاف نظرات فراوانی را بیار آورد. برخی بر این باور بودند که شورای امنیت بی‌اثر شده چراکه نمی‌توانست عراق را به رعایت قطعنامه‌هایش وادارد. دیگران ادعا می‌کردند که شورای امنیت حائز هیچ جایگاهی نیست چرا که شورا نتوانست ایالات متحده و سایر متحدین آن را از شعله‌ور نمودن آتش جنگ باز دارد. هنوز تعدادی مطرح می‌کنند که امتناع شورای امنیت از تسلیم شدن در برابر فشار آمریکا در جهت مشروع ساختن جنگ، دلیلی بر موضوعیت و گریزناپذیری از آن است: هرچند که شورای امنیت، مانع جنگ نشد، اما معیار اصولی و روشنی را جهت ارزیابی تصمیم آغاز جنگ ایجاد کرد. هجمه وزرای خارجه در شورای امنیت در هنگام انجام مباحث و گسترش وسیع افکار عمومی، نشان می‌دهد که تصمیم ایالات متحده در طرح مسأله توسل به زور، نه تنها موجب شد که موضوعیت شورای امنیت مورد تاکید مجدد قرار گیرد بلکه محوریت منشور ملل متحد نیز مجدداً مورد تأیید قرار گرفت.

ب - تهدید ناشی از مناقشة داخلی

۸۴- از زمان خاتمه جنگ سرد، ایجاد صلح، حفظ صلح و نهادینه سازی صلح در جنگ‌های داخلی، چهره عملیاتی سازمان ملل متحد در صلح و امنیت بین‌المللی شده است.

۸۵- رشد سریع فعالیت ملل متحد در جنگ‌های داخلی، یک روی سکه و روی دیگر آن، کاهش سریع رخداد این جنگ‌هاست (نمودار سوم را ببینید). از سال ۱۹۹۲ جنگ‌های داخلی، بطور مستمر کاهش یافته و تا

سال ۲۰۰۳ حدود ۴۰ درصد کم شده و به ۳۰ جنگ داخلی رسیده است. در ۱۵ سال گذشته نسبت به دو قرن پیش، اغلب جنگ‌های داخلی با مذاکره پایان پذیرفته است. تا حد زیادی این امر، ناشی از آن است که سازمان ملل، هدایت، فرصت‌های مذاکره، هماهنگی راهبردی و منابع مورد نیاز اجرا را تأمین کرده است. صدها هزار زندگی نجات یافته و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش پیدا کرده است.

۸۶- اگرچه این پیروزی بی سابقه با نقایص عمده ای همراه شده است. میانجی‌گری تنها توانست ۲۵ درصد جنگ‌های داخلی را حل و فصل کند و تنها برخی از آنها منابع لازم سیاسی و مادی جهت اجرای موفق را جذب کرده و در نتیجه، برخی از تلاش‌های اجرایی، گاه با تبعات فاجعه باری شکست خورد. اگر دو قرارداد صلح، توافقنامه بیکس ۱۹۹۱ آنگولا و ۱۹۹۳ آروشای رواندا بطور موفقی به اجرا درمی‌آمد، مرگ‌های ناشی از جنگ در دهه ۱۹۹۰ تا چندین میلیون نفر کاهش می‌یافت. اگر شورای امنیت در سال‌های نخستین دهه ۱۹۹۰ در تحکیم صلح، بگونه ای جدی مبادرت می‌کرد، زندگی‌های بیشتری نجات می‌یافت. شاید طالبان هرگز بر سر قدرت نمی‌آمد و القاعده از مهم‌ترین حامی خود محروم می‌ماند.

۸۷- بزرگ‌ترین کوتاهی سازمان ملل در خشونت داخلی در پیکار با پاکسازی قومی و نسل‌کشی بوده است. در رواندا، مقامات دبیرخانه از اعلام هشدار بموقع برنامه‌های افراطیون به منظور کشتار اعضای قبیله توتسی و هوتوها ناکام ماندند. هنگامی که نسل‌کشی شروع شد، نیروهای نظامی کشورهای شرکت کننده، حافظین صلح را فراخواندند و شورای امنیت در برابر فشار آمریکا کاری از پیش نبرد و در ابراز واکنش شکست خورد. در بوسنی و هرزگوین، عملیات حفظ صلح ملل متحد و حمایت از کمک‌های بشر دوستانه، یک رکن اقدامات سیاسی و نظامی در توقف پاکسازی قومی و ژنوسید گردید. در کوزوو، فلج شدن شورای امنیت باعث شد که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، سازمان ملل را دور بزند. تنها در یک نمونه در دهه ۱۹۹۰ در تیمور شرقی شورای امنیت توسط دبیرکل مجبور شد که با همکاری دولت‌های ملی و بازیگران منطقه‌ای، فشار متمرکزی را در مقابله با کشتار وسیع اعمال کند.

۸۸- تلفات زیاد در چنین جنگ‌هایی و ظهور خشونت‌های گسترده، جامعه بین‌المللی را ملزم ساخت تا در پیشگیری از جنگ‌ها هوشیارانه عمل کند. وقتی که پیشگیری، شکست می‌خورد، نیاز مبرمی در توقف کشتار و پیشگیری از هر گونه بازگشت دوباره به جنگ وجود دارد.

ج - مواجهه با چالش پیشگیری

۱- هنجارها و چارچوب‌های تقنینی بهتر بین‌المللی

۸۹- نقش سازمان ملل متحد در پیشگیری از جنگ‌ها با بذل توجه بیشتر در نظام‌ها و هنجارهای بین‌المللی رو به توسعه، به منظور حاکم کردن برخی از منابع و عوامل شتاب دهنده مناقشه قابل تقویت است. طیف وسیعی از قوانین، هنجارها، توافق‌نامه‌ها و ترتیبات در اینجا موضوعیت پیدا می‌کنند که شامل نظام‌های حقوقی و سازوکارهای فیصله اختلافات، کنترل تسلیحات و نظام‌های خلع سلاح و گفتگو و ترتیبات همکاری می‌شود. مصادیقی در ذیل بیان شده است.

۹۰- در حوزه سازوکارهای حقوقی، چند تحول مهم جدید از تدوین اساسنامه رم که مؤسس دیوان بین‌المللی کیفری است به‌وجود آمده است. در موارد فزاینده مناقشه «شاخص‌های اولیه توسط شورای امنیت که دقیقاً ناظر بر مناقشه» مورد بحث است و تمایل به استفاده از اختیارات خود، طبق اساسنامه رم ممکن است طرفین را از ارتکاب جنایات علیه بشریت و نقض قوانین جنگی بازدارد. شورای امنیت باید برای استفاده از اختیارات خود به موجب اساسنامه رم و ارجاع مسایل به دیوان بین‌المللی کیفری آماده باشد.

۹۱- در حوزه منابع طبیعی، سازوکارهای حقوقی بیشتری لازم است و جنگ‌های مربوط به این منابع، اغلب مانعی در راه صلح تلقی می‌شوند. جنگ‌های رخ داده در سیرالئون، آنگولا و کنگو هشدارآمیز بوده و شورای امنیت به همراه سازمان‌های مدنی به اعمال مجازات‌ها و تحریم‌ها علیه افراد و شرکت‌های درگیر در تجارت غیرقانونی روی آوردند و کشورها به تلاش ویژه‌ای برای محدود نمودن الماس‌های مناقشه مبادرت ورزیدند. شواهد موجود در سیرالئون و آنگولا حکایت از آن دار دکه این قبیل تلاش‌ها موجب شد تا

جنگ‌های مذکور پایان پذیرد. چالش جدید برای سازمان ملل متحد بویژه حمایت از کشورهای ضعیف و یاری آنها در غلبه بر مشکلات ناشی از جنگ است تا با مدیریت منابع طبیعی خویش از بروز جنگ‌های آتی خودداری کنند.

۹۲- سازمان ملل متحد باید به‌منظور توسعه هنجارهای حاکم بر مدیریت منابع طبیعی در کشورهای که از مناقشه و یا خطر مناقشه‌رهایی یافته‌اند، با مقامات ملی، نهادهای مالی بین‌المللی، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی کار کند.

۹۳- همچنین باید در توسعه قواعد، دقت نظری وجود داشته باشد. برای مثال این دقت نظر از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل در استفاده از منابع فرامرزی همچون آب، نفت و گاز مطلوب است.

۹۴- سازمان ملل متحد باید در صدد فعالیت نزدیک با سازمان‌های منطقه‌ای که در ایجاد چارچوب‌های پیشگیری، نقش رهبری را بر عهده دارند، برآید. سازمان ملل می‌تواند از توزیع اطلاعات و تجزیه و تحلیل‌های نظام‌های هشدار به موقع منطقه‌ای منتفع شود ولی مهم‌تر از آن اینکه سازمان‌های منطقه‌ای نسبت به سازمان ملل متحد در تدوین مقرراتی که می‌تواند تلاش‌های پیشگیرانه را راهبری کند پیش افتاده‌اند. برای مثال، سازمان کشورهای آمریکایی و اتحادیه آفریقا بر نیاز به حمایت از دولت‌های منتخب در برابر کودتاها توافق دارند. سازمان امنیت و همکاری اروپا هنجارهای عملیاتی را در خصوص حقوق اقلیت‌ها توسعه داده است. **سازمان ملل متحد باید بر اساس تجربه سازمان‌های منطقه‌ای در توسعه چارچوب‌های حقوق اقلیت‌ها و حمایت از دولت‌هایی که طی یک فرآیند دموکراتیک انتخاب شده‌اند در قبال سرنگونی برخلاف قانون اساسی پایهریزی شود.**

۹۵- در حوزه کنترل تسلیحات و نظام‌های خلع‌سلاح، نیاز است که اقدامات بیشتری انجام گیرد. نه صرفاً در سیاق تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی (بخش پنجم را در زیر ببینید) بلکه در ارتباط با تکثیر سلاح‌های کوچک و جنگ افزارهای سبک نیز این نیاز وجود دارد. در دهه ۱۹۹۰ تسلیحات کوچک، جنگ‌افزارهای سبک و مین‌های زمینی، سلاح‌های اولیه در اغلب جنگ‌های داخلی بودند. در حالی که اقدام هماهنگ سازمان‌های جامعه مدنی و دولت‌های عضو به ممنوعیت مین‌های زمینی انجامید اما تلاش‌ها برای محدود کردن دسترسی گسترده به جنگ افزارهای سبک و سلاح‌های کوچک به نتایج قابل ملاحظه‌ای نرسید.

۹۶- در سال واپسین دهه ۱۹۹۰ رهیافتی جامع درباره مشکل سلاح‌های کوچک پیدا شد مبنی بر اینکه اقدامی بین‌المللی در محدود کردن تولید و توزیع سلاح‌ها ایجاد شود. برای این رهیافت، ابزارهای کلیدی جهانی آن، برنامه اقدام سازمان ملل متحد در پیشگیری، مبارزه و امحا قاچاق سلاح‌های کوچک و جنگ‌افزارهای سبک در تمامی ابعاد آن است که عبارت است از مجموعه‌ای از توصیه‌هایی که هدف پیشگیری و امحا قاچاق تولیدات، انتقال و چرخه سلاح‌های کوچک و جنگ‌افزارهای سبک را دنبال می‌کند. برنامه اقدام، ابتکار استفاده از نهادهای منطقه‌ای نظیر دبیرخانه ناپروبی را در خود جای داده که علی‌الظاهر، بر اجرای پروتکل ناپروبی در پیشگیری، کنترل و کاهش سلاح‌های کوچک و جنگ‌افزارهای سبک در منطقه "دریاچه بزرگ" و شاخ آفریقا به‌منظور گزارش‌دهی، نظارت و تحقیق در خصوص درجه رعایت کشورها، ناظر است. البته این امر را باید یک آغاز تلقی کرد تا اینکه نطقه پایانی کوشش‌های سازمان ملل متحد محسوب شود. **دولت‌های عضو باید مذاکرات مربوط به تدوین توافقنامه‌های حقوقی الزام آور در خصوص نشانه‌گذاری، ردگیری، دلالتی و انتقال سلاح‌های کوچک و جنگ افزارهای سبک را تسریع کرده و آن را به نتیجه برسانند.**

۹۷- همچنین سازمان ملل متحد می‌تواند با افزایش شفافیت در میزان ذخایر و منابع سلاح‌های متعارف کشورها مانع از شعله‌ور شدن جنگ شود. نهاد ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۹۱ استقرار یافت با ارائه اعلامیه‌های سالانه کشورهای عضو در خصوص فروش، خرید و ذخایر موجود تسلیحات متعارف خود و البته همچنین به همراه ژست گرفتن‌ها، خط مشی‌ها و اندیشه‌های دفاعی،

شفافیت نظامی را ارتقا می دهد. با اینحال، اقدام به ثبت، با گزارش‌دهی ناقص، تأخیری و غیر صحیح روبروست. تمام دولت‌های عضو باید گزارش کامل صحیحی را در خصوص تمام موارد ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد ارائه داده و شورای امنیت و مجمع عمومی باید از دبیرکل بخواهند که هر ساله موارد گزارش دهی ناقص را اعلام دارد.

۲- اطلاعات و تجزیه و تحلیل‌های بهتر

۹۸- پیشگیری، نیازمند هشدار به موقع و تجزیه و تحلیل‌هایی است که بر اهداف و تحقیقات بی طرفانه پایه ریزی شده باشد. هرچند که سازمان ملل متحد از امکانات هشدار و تجزیه و تحلیل‌های اولیه در میان آژانس‌ها و بخش‌های مختلف برخوردار است ولی دبیرکل نتوانسته با تأسیس واحدی با منابع مناسب، خود در ادغام این داده‌های آژانس‌ها به صورت گزارش‌های هشدار اولیه و گزینه‌های راهبردی جهت تصمیم‌گیری، کاری از پیش ببرد. بهترین چاره، در ایجاد ظرفیت مورد تفاهمی در توسعه گزینه‌های راهبردی، تقویت دفتر دبیرکل از طریق ایجاد یک معاونت دبیرکل در صلح و امنیت است. (بخش نوزدهم را در زیر ببینید).

۹۹- اگرچه تعدادی از آژانس‌های میدانی در سازوکارهای هشدار به موقع شرکت داشته‌اند، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سال‌های اخیر، نقشی به سزا در ارائه گزارش‌های به هنگام ایفا کرده‌اند، ولی دسترسی دبیرکل به تجزیه و تحلیل‌های محلی مناقشه بسیار محدود بوده است. تعامل بیشتر بخش‌های سیاسی، حفظ صلح و بشردوستانه ملل متحد با منابع خارجی اطلاعات هشدار به موقع و همچنین دانش محلی مناقشه می‌تواند توان مدیریتی سازمان ملل را افزایش دهد. ظرف چند سال اخیر، مؤسسات تحقیقاتی (در دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌های بین‌المللی) به جمع‌آوری اطلاعات ضروری و ارائه تجزیه و تحلیل‌هایی درباره ریشه‌های عوامل تسریع‌کننده انواع مناقشات مبادرت کرده‌اند. بخش سیاستگذاری ملل متحد باید بصورت فعال‌تری به همراه منابع دانش محلی و منابع خارجی پژوهش در این امر درگیر شوند.

۳- دیپلماسی پیشگیرانه و میانجی‌گری

۱۰۰- تلاش‌های سازمان ملل متحد در پیشگیری از خشونت داخلی با موفقیت کمتری در مقایسه با تلاش‌های این سازمان در پیشگیری از جنگ‌های میان‌کشورها بوده و کشورها غالباً راغب نیستند که امور داخلی آنها جنبه بین‌المللی پیدا کند. ولی تلاش‌های بیشتری باید در این حوزه انجام گیرد بویژه از طریق انتخاب مأموران ماهر، مجرب و دارای دانش منطقه‌ای، میانجی‌گران و نمایندگان ویژه که می‌توانند در پیشگیری از بروز درگیری‌ها همانگونه که در حل و فصل مناقشات عمل می‌کنند نقش مهمی داشته باشند.

۱۰۱- در این قبیل انتصاب‌ها، دبیرکل باید شایستگی را در اولویت قرار دهد تا از این طریق دانش تخصصی داخلی و خارجی بیشتری فراهم شود. این امر می‌تواند در ایجاد تسهیلات جدید برای آموزش و توجیه نمایندگان جدید یا بالقوه و سایر میانجی‌گران سازمان ملل مفید واقع شود و ما آن را توصیه می‌کنیم.

۱۰۲- میانجی‌گران و مذاکره‌کنندگان به حمایت کافی نیاز دارند. اگر چه در ۱۰ سال گذشته تقاضا برای میانجی‌گری سازمان ملل متحد بشدت افزایش یافته اما منابع اختصاص یافته در این زمینه در حداقل باقی مانده است. کمی منابع موجود، نزد بخش امور سیاسی دبیرخانه سازمان ملل متحد توسط همان دول عضو که خود، خواهان سازمان ملل متحدی نیرومند هستند، مایه شگفتی است. بخش امور سیاسی باید منابع بیشتری را دریافت کرده و به منظور تأمین حمایت میانجی‌گری مداوم‌تر و حرفه‌ای‌تر تجدید ساختار شود.

۱۰۳- در حالی که جزئیات این تجدید ساختار باید به دبیرکل محول شود ولی نیاز سازمان ملل در این موارد باید بحساب آید:

الف - ظرفیت حمایتی میانجی‌گری برخوردار از دانش میدانی، مرکب از گروه کوچکی از متخصصین و افراد دارای تجربه مستقیم که در اختیار کلیه میانجی‌گران سازمان ملل قرار گیرند.

- ب - صلاحیت در مسائل موضوعی که در حین مذاکرات صلح مطرح می‌شود نظیر توالی مراحل اجرایی، طراحی ترتیبات نظارتی، توالی ترتیبات انتقالی و طراحی سازوکارهای آشتی ملی.
- ج - تعامل بیشتر با میانجیگران ملی، سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی درگیر در حل و فصل مناقشات.
- د - مشاوره و درگیر کردن بیشتر عاملین مهم جامعه مدنی، به‌ویژه زنان در فرآیندهای صلح که اغلب در هنگام مذاکرات نادیده گرفته می‌شوند.

۴- اعزام پیشگیرانه

- ۱۰۴- در موارد تنش فزاینده، اعزام بموقع حافظین صلح می‌تواند به طرفین درگیر که در جستجوی راهحلی مسالمت‌آمیز در خصوص یک مناقشه و بازداشتن متجاوزین احتمالی است، اطمینان خاطر دهد. شایان توجه است که تنها نمونه روشن اعزام پیشگیرانه تا کنون در مقدونیه، جمهوری یوگسلاوی سابق بود که متعاقب تقاضای مقامات ملی انجام گرفت و آشکارا یک موفقیت بود. ما رهبران ملی و طرف‌های مناقشه را تشویق می‌کنیم که از گزینه اعزام پیشگیرانه، استفاده سازنده‌ای بعمل آورند.
- ۱۰۵- همچنین شورای امنیت باید توجه داشته باشد در کشورهایی که از مناقشه سر برآورده‌اند، اعزام تعداد معدودی از حافظین صلح برای آموزش نیروهای مسلح ملی، می‌تواند کارکرد پیشگیرانه مهمی را در برداشته باشد.
- ۱۰۶- ارتباط خوب بین میانجی‌گران و برنامه ریزان حفظ صلح هم می‌تواند به شنا سایی فرصت‌های اعزام‌های پیشگیرانه کمک کند. اکنون زمان آن فرار سیده است تا رویه‌ی برنامه ریزان حفظ صلح که هرازگاهی در فرآیندهای میانجی‌گری دخالت می‌کنند، قاعده مند شود.

۵- سلاح‌های هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک

الف - تهدیدهای پیش روی ما

۱- تسلیحات هسته‌ای

- ۱۰۷- هر گونه استفاده از تسلیحات هسته‌ای چه به صورت اتفاقی یا با طرح و برنامه در مقیاس وسیعی همراه با خطر فاجعه انسانی و تخریب اقتصادی است. متوقف نگه‌داشتن تکثیر این سلاح‌ها و استفاده احتمالی از آنها توسط هر کشور یا هر بازیگر غیر دولتی باید اولویتی مبرم برای امنیت جمعی باقی بماند.
- ۱۰۸- تهدید ناشی از تکثیر هسته‌ای - اشاعه تسلیحات هسته‌ای میان کشورها - به دو شیوه عملی است. اولین و فوری‌ترین نگرانی از این قرار است که کشورها یی تحت پوشش عضویت کنونی خود در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بصورت مخفیانه و غیرقانونی، برنامه‌های تسلیحاتی گسترده‌ای را توسعه دهند یا اینکه در چارچوب لفظ عمل کنند اما احتمالاً روح پیمان را در نظر نگیرند. این کشورها تمام مواد و تخصص مورد نیاز برای برنامه‌های تسلیحاتی را با گزینه خروج از پیمان در هنگامی که آماده پیشروی در مسلح شدن باشند، به‌دست خواهند آورد.
- ۱۰۹- نگرانی دوم که بلند مدت است درباره فرسایش و از هم پاشیدگی احتمالی کل نظام پیمان است. در حال حاضر، تقریباً ۶۰ کشور در حال اداره کردن یا احداث توان هسته‌ای یا راکتورهای تحقیقاتی هستند و حداقل ۴۰ کشور دارای زیر بناهای صنعتی و علمی می‌باشند که آنها را قادر می‌سازد، در صورت تمایل، سلاح‌های هسته‌ای در طول زمان اندکی که موانع هنجاری نظام معاهده اعمال نشود، بسازند.
- ۱۱۰- اکنون هر دو نگرانی کاملاً با واقعیت منطبق هستند: پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای دیگر مثل سابق، مانعی مؤثر به حساب نمی‌آید. در سال ۱۹۶۳ وقتی که تنها چهار کشور، زرادخانه هسته‌ای داشتند، دولت ایالات متحده پیش‌بینی کرد که در دهه‌ی آینده بین ۱۵ تا ۲۵ کشور دیده می‌شوند که از تسلیحات هسته‌ای برخوردارند. دیگران پیش‌بینی می‌کردند که این تعداد تا ۵۰ کشور هم می‌رسد. اکنون در سال

۲۰۰۴ تنها هشت کشور شناسایی می‌شوند که دارای زرادخانه هسته‌ای هستند. نظام قدرتمند عدم تکثیر که در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و خود معاهده تجسم یافته، بطور اساسی در کند کردن سرعت تکثیر پیش‌بینی شده کمک می‌کند. این نظام به سه شیوه اساسی در این امر سهیم بود: ممنوعیت هنجاری مالکیت، کاربرد و گسترش چنین سلاح‌هایی را تقویت کرد، تضمین نمود که دولت‌ها می‌توانند از منافع فن آوری هسته‌ای بهره‌مند شوند اما با نظارت و به دولت‌ها درباره ظرفیت‌های همسایگان و رقبای بالقوه اطمینان خاطر بخشید و مانع از مسابقات تسلیحاتی غیر ضروری شد.

۱۱۱- ولی رژیم منع گسترش هسته‌ای اکنون در معرض خطر است و این امر بدلیل عدم پایبندی کامل به تعهدات موجود، خروج یا تهدید به خروج از پیمان برای فرار از تعهدات آن، جو امنیتی بین‌المللی متغیر و انتشار فناوری است. ما در حال رسیدن به نقطه‌ای هستیم که نابودی نظام عدم تکثیر می‌تواند برگشت‌ناپذیر شده و به موجی از گسترش تکثیر هسته‌ای منتهی شود.

۱۱۲- بدون توجه به اینکه آیا کشورهای بیشتری سلاح‌های هسته‌ای بدست می‌آورند یا خیر، با وجود ذخایر بزرگ مواد هسته‌ای و رادیولوژیک خطرات عظیمی وجود دارد. امروزه، ۱۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده بالا در رآکتورهای تحقیقاتی ۲۷ کشور وجود دارد. میزان کل ذخایر اورانیوم غنی شده بالا خیلی بیشتر است و خیلی از سایت‌های ذخیره اورانیوم غنی شده بالا در جهان به اندازه کافی امن نیستند. دولت‌ها بگونه‌ای علنی ۲۰ مورد انحراف مواد هسته‌ای را تأیید کرده‌اند و بیش از ۲۰۰ مورد دربرگیرنده حمل و نقل غیرقانونی مواد هسته‌ای در طول دهه گذشته به ثبت رسیده است. دانشمندان مکرراً نسبت به سهولت مونتاز و سیله ساده هسته‌ای سلاح‌گونه توسط تروریست‌ها که به سادگی مقداری از اورانیوم غنی شده بالا را مورد هدف قرار می‌دهد، هشدار می‌دهند. کارشناسان می‌گویند که اگر یک وسیله ساده هسته‌ای در یک شهر بزرگ منفجر گردد تعداد قربانیان از ده‌ها هزار تا بیش از یک میلیون نفر متغیر است. شوک وارده به تجارت بین‌الملل، اشتغال و مسافرت، حداقل معادل یک میلیارد دلار خواهد شد. چنین حمله‌ای می‌تواند آثار بیشتر و دامنه‌دارتری بر امنیت بین‌المللی، حکومت دموکراتیک و حقوق مدنی داشته باشد.

۲- تسلیحات رادیولوژیک

۱۱۳- تهدید دیگری با سلاح‌های رادیولوژیک مطرح شده که بیشتر، سلاح‌های اختلال جمعی هستند تا انهدام جمعی. سلاح‌های رادیولوژیک می‌توانند از پلوتونیم یا اورانیوم غنی شده بالا استفاده کنند ولی به سادگی می‌توانند مبتنی بر مواد رادیواکتیو باشند، موادی که میلیون‌ها منبع مورد استفاده از آنها در تأسیسات دارویی و صنعتی سراسر دنیا وجود دارد. اثر تخریبی فوری یک بمب رادیولوژیک یا کثیف به بزرگی یک انفجار متعارف است، حتی اگر آثار شناسایی چنین بمب‌هایی محدود باشد. اثرات زیانبار ناشی از اختلال و خسارت اقتصادی با هشدار عمومی و لزوم تخلیه و آلودگی زدایی مناطق تأثیر پذیرفته، برانگیخته می‌شود. در دسترس بودن مواد رادیولوژیک و الزامات نه‌چندان پیچیده برای چنین انفجاری، احتمال کاربرد اینگونه سلاح‌ها را افزایش می‌دهد. این موضوع، مشوق آموزش مردم درباره عواقب محدود سلاح‌های رادیولوژیکی است تا نگرانی و تردیدی که بدنبال رخداد چنین حمله‌ای روی می‌دهد، کاهش یابد.

۳- سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک

۱۱۴- مواد شیمیایی و بیولوژیک هم تهدیدی روبه‌رشد را نشان می‌دهند: آنها با سلاح‌های هسته‌ای در احتمال وحشتناک بکار رفتن در یک حمله برای وارد آوردن تلفات جمعی مشترکند. عامل‌های شیمیایی همه‌جا پخش بوده و نسبتاً جهت کسب و تسلیحاتی شدن آسان هستند. در حدود ۶۰۰۰ تأسیسات شیمیایی در سراسر دنیا وجود دارند که نشان‌دهنده اهداف احتمالی و فرصت‌هایی برای دستیابی به این مواد است. کشورهای دارنده سلاح‌های شیمیایی در انهدام سلاح‌های شیمیایی که توسط کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی

زمانبندی شده با تاخیر عمل نموده‌اند: از ۷۰ هزار متریک، تن عامل‌های تسلیحاتی عنوان شده، سازمان منع تسلیحات شیمیایی، تنها ۹۶۰۰ متریک تن را مورد بازرسی قرار داده و اگر همچنان همین روند ادامه پیدا کند، هدف کنوانسیون در انهدام کامل عامل‌های تسلیحات شیمیایی، حتی تا تاریخ مقرر مورد توافق یعنی سال ۲۰۱۲، راه به جایی نخواهد برد.

۱۱۵- در حالی که رشد سریع و پیشرفت‌های علمی در بخش بیوتکنولوژی، دورنمای پیشگیری و درمان خیلی از بیماری‌ها را روشن می‌کند، این پیشروی‌ها همین‌طور، فرصت‌هایی را برای توسعه بیماری‌های جدید مهلک افزایش می‌دهد. پیشرفت‌های اساسی در تکنولوژی ترکیب دوباره DNA و تلفیق مستقیم ژنتیک، بیم از طراحان ویروس‌ها را افزایش می‌دهد که ممکن است توسعه یافته و بیماری‌های ریشه کن شده دوباره ایجاد شوند و در برابر واکسن‌ها، آنتی‌بیوتیک‌ها و سایر درمان‌های موجود از خود مقاومت نشان دهند. تعداد غیرقابل‌شمارشی فرمانتور، تأسیسات بهداشتی و پژوهشی مجهز برای تولید عامل‌های بیولوژیک وجود دارد. در این میان، سم بیولوژیک ریسین در چندین کارگاه تروریستی کشف شده است. برخلاف آنتراکس که با آنتی‌بیوتیک قابل‌درمان است، ریسین هیچ‌پاد زهری ندارد و در مقادری کمتر از اندازه نوک یک سوزن برای انسان کشنده است. استفاده از مواد مشابه برای شیوع عمدی بیماری‌های عفونی می‌تواند به اندازه یک انفجار هسته‌ای یا بیشتر از آن مرگبار باشد. با بدترین پیش‌فرض‌ها، یک حمله با استفاده از تنها یک گرم ویروس مسلح شده آبله می‌تواند بین صد هزار تا یک میلیون مرگ و میر به راه اندازد.

۱۱۶- اینکه حمله‌ای با خسارات بالا رخ نداده، دلیلی برای آرامش خیال نیست بلکه ندایی برای پیشگیری مبرم است.

ب- مواجهه با چالش پیشگیری

۱۱۷- اقدامی چند لایه لازم است. لایه نخست یعنی راهبردی مؤثر برای پیشگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک باید ابزار جهانی کاهش تقاضا برای آنها را شکل دهد. لایه دوم باید محتوی ابزار جهانی ناظر بر جنبه عرضه آنها باشد که برای محدود کردن ظرفیت کشورها و بازیگران غیردولتی برای کسب سلاح‌ها و مواد و تخصص لازم برای ساخت آنها است. لایه سوم باید شامل اقدامات اجرایی شورای امنیت طبق اطلاعات و تحلیل‌های موثق باشد. چهارمین لایه باید متشکل از دفاع از بهداشت عمومی و غیرنظامیان در سطح ملی و بین‌المللی باشد.

۱- راهبردهای بهتر برای کاهش تقاضا

۱۱۸- خلع سلاح کور توسط کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و فشار دیپلماتیک نظام عدم گسترش، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای را در محدود ساختن تکثیر، تضعیف می‌کند. علیرغم تعهد شورای امنیت (قطعنامه ۹۸۴ مورخ ۱۹۹۵)، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای بگونه روزافزونی، عزمی راسخ در تضمین عدم استفاده (تضمین‌های امنیتی منفی) نداشته و خواهان حفظ حق تلافی با سلاح‌های هسته‌ای علیه حملات شیمیایی و بیولوژیک هستند.

۱۱۹- با وجود پایان پذیرفتن جنگ سرد، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای تنها سطح مختلفی در ایفای تعهدات خلع سلاح خود اکتفا کرده‌اند. در حالی که ایالات متحده و فدراسیون روسیه، حدود نیمی از سلاح‌های هسته‌ای خود را برچیده‌اند و متعهد به کاهش وسیع کلاهک‌های استراتژیک بوده و اکثر تسلیحات غیر استراتژیک خود را حذف کرده‌اند، با این وجود، پیشرفت‌های انجام گرفته، تحت الشعاع تحولات اخیر قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۰ کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای در ۱۳ گام عملی برای خلع سلاح هسته‌ای مشارکت داشتند که تمامی این موارد توسط آنها در سال ۲۰۰۴ طی اجلاس کمیته مقدماتی کنفرانس بازنگری معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۵ مورد انکار واقع شد.

۱۲۰- کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای باید گام‌های چندی را در آغاز دوباره خلع سلاح بردارند:
الف - این کشورها باید به تعهدات خود بموجب ماده ۶ پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای جهت حرکت به سوی خلع سلاح و آمادگی در اتخاذ تدابیر مشخص در ایفای آن تعهدات، پایبند بمانند،
ب - آنها باید تعهدات قبلی خود را مبنی بر عدم توسل به سلاح‌های هسته‌ای در برابر کشورهای که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند مورد تاکید مجدد قرار دهند، ارزشی که از سلاح‌های هسته‌ای استنباط می‌شود را بیشتر کاهش داده و همکاری بین‌المللی برای توقف گسترش اینگونه سلاح‌ها را تحکیم بخشند و چنین تعهداتی را در موافقتنامه‌های ناتمام فعلی و آتی مربوط به مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای رسمیت بخشند.

۱۲۱- ایالات متحده و فدراسیون روسیه، دیگر کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای و کشورهای که عضو معاهده‌ی عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نیستند باید متعهد به اتخاذ تدابیر عملی در کاهش خطر جنگ هسته‌ای اتفاقی شوند از جمله هر جا که مناسب باشد، در یک برنامه پویا برای غیرفعال کردن سلاح‌های استراتژیک هسته‌ای خود مشارکت کنند.

۱۲۲- بعلاوه، ما بر این باوریم که ارزشمند خواهد بود اگر شورای امنیت به‌گونه‌ای صریح، متعهد به اقدام دسته‌جمعی در واکنش به یک حمله هسته‌ای یا تهدید چنین حمله‌ای درخصوص یک کشور فاقد سلاح هسته‌ای شود.

۱۲۳- با توجه به چالش نظام عدم تکثیر هسته‌ای که توسط کشورهای که عضو پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیستند احساس می‌شود و با برسمیت شناختن اثر آن چالش بر ناامنی منطقه‌ای، ما توصیه می‌کنیم مذاکرات برای حل مناقشات منطقه‌ای شامل تدابیر اعتمادسازی و گام‌های رو به خلع سلاح انجام گیرند.

۱۲۴- کشورهای که عضو پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نیستند باید متعهد به عدم تکثیر و خلع سلاح شوند، به‌گونه‌ای که نشانگر تعهد آنها با تصویب معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای و حمایت از مذاکرات معاهده توقف مواد شکافت پذیر که هر دو برای کشورهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای یکسان می‌باشد. ما توصیه می‌کنیم که تلاش‌های صلح در خاورمیانه و جنوب آسیا، گفتگوهای خلع سلاح هسته‌ای را که می‌تواند منتهی به ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در این مناطق، مشابه آنچه در منطقه آمریکایی لاتین و کارائیب، جنوب اقیانوس آرام و جنوب شرق آسیا وجود دارد، شود.

۱۲۵- برای سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی، هم تعهد و هم فرصت تاریخی حذف کامل تمام ذخایر سلاح‌های شیمیایی اعلام شده وجود دارد: تمام کشورهای دارای سلاح‌های شیمیایی باید انهدام زمان بندی شده تمام ذخایر سلاح‌های شیمیایی موجود توسط اهداف مورد توافق تا سال ۲۰۱۲ را تسریع کنند.

۱۲۶- کنوانسیون راستی آزمایی سلاح‌های شیمیایی هم باید بیشتر تقویت شده و باید بن بست طولانی مدت در مورد سازوکارهای راستی آزمایی کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک که اعتماد به کل نظام را تضعیف کرده است، پایان پذیرد. کشورهای عضو کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک باید بدون تأخیر با دعوت از حضور فعال صنایع بیوتکنولوژی به مذاکرات تدوین پروتکل قابل اعتماد راستی‌آزمایی بازگردند. کشورهای عضو کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک و کنوانسیون تسلیحات شیمیایی باید فشار دیپلماتیک دوجانبه را در جهانی شدن عضویت افزایش دهند.

۲- راهبردهای بهتر برای کاهش عرضه

۱۲۷- ما می‌پذیریم که انرژی هسته‌ای از دیدگاه بسیاری، یک منبع مهم نیرو برای استفاده‌های غیرنظامی است و حتی می‌تواند در سیاق یک تلاش سراسری در کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و انتشار گازهای گلخانه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار شود. هم‌زمان، تنش فزاینده میان اهداف دستیابی به یک نظام مؤثرتر عدم اشاعه و حق همه امضا کنندگان پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در توسعه صنایع

هسته‌ای غیرنظامی نیازمند آن است که مورد توجه و مهار قرار گیرد.

۱۲۸- ماده چهار پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، حق کشورهای عضو را در توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای با اهداف صلح آمیز تضمین می‌کند. این حق باید حفظ شود. این پیمان هم معین می‌کند که این حق باید سازگار با مواد یک و دو مورد استفاده قرار گیرد. این تعهد همچنین باید مورد احترام قرار گیرد. در سال‌های اخیر، روشن شده است که خطرات تکثیر ناشی از غنی‌سازی اورانیوم و باز فرآوری سوخت مصرف شده هسته‌ای زیاد بوده و روبه فزون است. بویژه این دو فرآیند، مسیری را ایجاد می‌کنند که امضا کنندگان معاهده از طریق آن می‌توانند بطور مخفیانه و غیر مجاز، فعالیت‌هایی را که سازگار با معاهده نیست دنبال کنند (و در مواردی کرده‌اند) و بگونه ای طراحی شده‌اند که به آنها امکان کسب توانایی سلاح هسته‌ای را می‌دهد.

۱۲۹- دو راه چاره لازم است. اول، قواعد بازرسی و راستی آزمایی که از اواسط دهه ۱۹۹۰ بر آژانس حاکم بوده‌اند، بطور فزاینده ای ناکافی بودن خود را ثابت کرده‌اند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قواعد بازرسی سخت تری را در الگوی پروتکل الحاقی برقرار نموده است اما تاکنون تنها یک سوم از دولت‌های عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای این پروتکل را امضا کرده‌اند. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید الگوی پروتکل الحاقی را بعنوان معیار کنونی پادمان‌های آژانس شناسایی کرده و شورای امنیت باید برای اقدام در موارد نگرانی جدی در خصوص عدم پایبندی به معاهده منع گسترش و قواعد پادمان‌ها آماده باشد.

۱۳۰- دوم، اصرار داریم که مذاکرات بدون تأخیر برگزار و در اسرع وقت، نیل به ترتیباتی بر اساس مقررات موجود در مواد ۳ و ۹ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که آژانس را برای اقدام بعنوان تضمین کننده عرضه مواد شکافت‌پذیر برای استفاده‌های هسته‌ای غیر نظامی قادر می‌سازد، به پیش برده شود. چنین ترتیباتی نیازمند جای دادن آژانس در جایگاهی است که از طریق عرضه کنندگانی که مجاز می‌سازد، تقاضا برای عرضه سوخت هسته‌ای از اورانیوم با غنای پایین و برای باز فرآوری سوخت مصرف شده با نرخ بازار را تامین کند و عرضه بی‌وقفه این خدمات را تا زمانی که پادمان و یا رویه‌های بازرسی در تسهیلات مورد بحث نقض نشده‌اند، تضمین نماید.

۱۳۱- تا وقتی که مذاکرات در خصوص ترتیبات ادامه دارد دولت‌ها باید بدون صرف‌نظر کردن از حق خود به موجب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای ساخت اینچنین تأسیسات، به‌گونه‌ای داوطلبانه یک مهلت قانونی را با محدودی زمانی در خصوص ساخت تأسیسات بیشتر برای هر گونه غنی‌سازی یا باز فرآوری برقرار نمایند، با این تعهد که مهلت اعلام شده با تضمین عرضه مواد شکافت‌پذیر به‌وسیله عرضه‌کنندگان موجود با نرخ‌های بازار همراه گردد.

۱۳۲- تجربه اخیر فعالیت‌های شبکه عبدالقدیر خان، ضرورت و ارزش تدابیر اتخاذی در ممنوعیت قاچاق و تجارت پنهانی قطعات مورد نیاز برنامه‌های هسته‌ای را روشن ساخته است. این مشکل اکنون بر مبنای داوطلبانه توسط ابتکار عمل امنیت تکثیر مورد توجه قرار گرفته است. ما اعتقاد داریم که همه کشورها باید در پیوستن به این ابتکار عمل داوطلبانه مورد تشویق قرار گیرند.

۱۳۳- به منظور اجرای مقررات حقوقی بین‌المللی در قبال قاچاق مواد و تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی مذاکرات جاری در سازمان دریا نوردی بین‌المللی جهت اصلاح کنوانسیون ۱۹۸۸ جلوگیری از اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی باید طی یک چارچوب زمانی تکمیل شود. شورای امنیت ممکن است نیاز شود که برای در نظر گرفتن اقدام اجباری آماده شود، البته اگر پیشرفت در مذاکرات کنوانسیون رضایت بخش نباشد.

۱۳۴- در حالی که پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، حق خروج از معاهده را مقرر می‌کند، کشورها باید ملزم شوند که از این حق استفاده نکنند. کشورهایی که خارج می‌شوند باید در مورد موارد نقض تعهدات خود در هنگام عضویت در معاهده پاسخگو باشند. اعلامیه خروج یک کشور از پیمان منع گسترش

تسلیحات هسته‌ای باید راستی آزمایی فوری میزان پایبندی آن کشور را در قبال معاهده بدنبال داشته و در صورت لزوم، توسط شورای امنیت مورد اجبار قرار گیرد. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید مقرر کند که در صورت هرگونه تخلف، تمامی کمک‌هایی که توسط آژانس ارائه گردیده از کشور خاطی بازپس گرفته شود.

۱۳۵- یک اقدام کوتاه مدت فوری برای دفاع در برابر استفاده‌ی احتمالی تروریستی از سلاح‌های هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک لازم است. اولویت عالی باید به مستحکم کردن، امنیت بخشیدن و در صورت امکان، امحای مواد بالقوه خطرناک و اجرای مؤثر کنترل صادرات معطوف شود. به این منظور، ما از ابتکار عمل کاهش جهانی تهدید استقبال می‌کنیم. که: الف - کاهش ذخایر اورانیوم با غنای بالا را در سطح دنیا، ب - تبدیل رآکتورهای تحقیقاتی اورانیوم با غنای بالا به رآکتورهای مقاوم در برابر اشاعه و ج - تضعیف اورانیوم با غنای بالای موجود را تسهیل می‌کند. مدت زمان پیشنهاد شده برای اجرای ابتکار عمل کاهش جهانی تهدید باید از ۱۰ سال به ۵ سال تقلیل یابد.

۱۳۶- شورای امنیت با اقدام بموجب قطعنامه ی ۱۵۴۰ خود مورخ ۲۰۰۴ می‌تواند به دولت‌ها الگوی قانونگذاری برای امنیت، رویارویی، کيفری کردن و کنترل صادرات را پیشنهاد داده و تا سال ۲۰۰۶ معیارهای حداقل اجرای کشورهای عضو سازمان ملل متحد را توسعه دهد. برای نیل به این هدف، کمیته اجرایی قطعنامه ۱۵۴۰ شورا باید یک هسته دایمی میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و گروه عرضه کنندگان هسته‌ای را تأسیس کند.

۱۳۷- کشورهای کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک باید در مورد یک پروتکل جدید امنیت بیوتکنولوژی جهت طبقه‌بندی عامل‌های بیولوژیک خطرناک و ایجاد قواعد بین‌المللی الزام‌آور در صادرات این قبیل عامل‌ها مذاکره کنند. در چارچوب یک برنامه زمانی معین، کشورهای عضو این کنوانسیون باید از شرکت در تجارت بیوتکنولوژی با کشورهای غیر عضو این کنوانسیون خودداری نمایند.

۱۳۸- کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید بودجه را برای برنامه‌هایی که به استقرار و امن کردن منابع رادیو اکتیو کمک می‌کند و برنامه‌هایی که کشورها را در وضع قوانین مطلوب داخلی یاری می‌دهد، افزایش دهند. بعلاوه، کنفرانس خلع سلاح باید بدون تاخیر بیشتر به سوی مذاکره بر معاهده توقف تولید مواد شکافت پذیر قابل راستی آزمایی روند تا طبق یک برنامه تنظیم‌شده، تولید اورانیوم با غنای بالا برای استفاده تسلیحاتی و غیرتسلیحاتی را پایان دهد.

۳- قابلیت اجرایی بهتر

۱۳۹- امروزه شورای امنیت، تیرهای معدودی در تیرکش خود، غیر از تحریم‌ها و نیروی نظامی برای اجرای موافقتنامه‌های عدم تکثیر دارد. به اضافه اینکه ارجاع مورد خاصی به شورای امنیت که منجر به هیچ اقدامی نشود بدتر از آن است که هیچ ارجاعی نشود. توانایی شورای امنیت جهت تولید اطلاعات معتبر درباره موارد احتمالی تکثیر باید تقویت شود.

۱۴۰- به این منظور، ارتباطات میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و شورای امنیت هم باید تقویت گردد. مدیران کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان منع سلاح‌های شیمیایی باید توسط شورای امنیت دعوت شوند تا دو بار در سال در خصوص وضعیت پادمان‌ها و فرآیندهای راستی آزمایی و همچنین درباره هر نگرانی جدی که دارند و ممکن است کمتر از حد یک نقض واقعی پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی باشد به شورا گزارش دهد.

۱۴۱- همچنین شورای امنیت باید برای بکارگیری ظرفیت‌های بازرسی از موارد مشکوک به نقض هسته‌ای و شیمیایی آماده شود و قابلیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان منع سلاح‌های شیمیایی را طراحی کند. تا وقتی که مذاکرات چند جانبه به ایجاد سازوکار راستی آزمایی کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک بیانجامد، شورای امنیت باید خود را از فهرست بازرسان سلاح‌های بیولوژیک که باید مستقل

بوده و طبق ضوابط پرسنلی سازمان ملل متحد کار کنند بهره مند سازد. فهرست بازرسان باید جهت توصیه به شورای امنیت و همکاری با مقامات سازمان جهانی بهداشت در صورت بروز یک بیماری مشکوک به شرحی که در ذیل بحث شده است در دسترس قرار گیرد.

۴ - دفاع بهتر از بهداشت عمومی

۱۴۲- پیشرفت های علمی در بیوتکنولوژی و فراوانی تسهیلات توانمند تولید عامل های بیولوژیک، درونماهای امحای سلاح های بیولوژیک را محدود کرده و تلاش های راستی آزمایی را با مشکل مواجه می کند. ولی خیلی از عامل های بیولوژیک (اگر چه نه همه آنها) برخلاف سلاح های هسته ای با واکنش های مؤثر (شامل تشخیص های سریع، قرنطینه کردن و درمان) قابل مقابله هستند. بنابراین جوامع آمادگی یافته می توانند از بوجود آمدن شرایط بدتر حملات بیولوژیک جلوگیری کنند. ۱۴۳- با اینکه در حال حاضر، کمک بین المللی برای نظارت، شناسایی و مقابله با بیماری های مسری ناچیز است، هماهنگی میان برنامه ریزی و صرف هزینه در خصوص ایمنی با سیاست های مربوط به مراقبت های بهداشتی و بودجه های مربوطه ضعیف است و در این خصوص، تفاهم ناچیزی وجود دارد که آینده غیرقابل اجتناب و نوین بیولوژیک، دفاع بیولوژیک را بعنوان کارآمدترین گزینه در برابر چنین حمله ای طلب می کند.

۱۴۴- با توجه به تهدید احتمالی امنیتی بین المللی که با انتشار بین المللی یک عامل بیولوژیک مسری یا شیوع طبیعی و گسترده یک بیماری عفونی مطرح شده از طریق دبیرکل، نیاز است که مدیر کل سازمان جهانی بهداشت، شورای امنیت را در حین شیوع هر مورد مشکوک یا گسترده بیماری مسری مطلع سازد. در چنین حالتی، شورای امنیت باید برای حمایت از فعالیت بازرسان سازمان جهانی بهداشت آماده بوده و متخصصینی را برای گزارش دهی مستقیم به شورا بکارگیرد و اگر مقررات بهداشت بین المللی موجود، دسترسی کامل به بازرسان سازمان جهانی بهداشت و واکنش هماهنگ را فراهم نمی آورد، شورای امنیت باید در اجباری ساختن بیشتر رعایت از مقررات آماده باشد. در موردی که یک کشور در قرنطینه کردن تعداد زیادی از ناقلین بالقوه است، شورای امنیت باید در حمایت از اقدام بین المللی در یاری به ایجاد کمربند حفاظتی آماده باشد. شورای امنیت باید با مدیر کل سازمان جهانی بهداشت جهت ایجاد رویه های لازم برای کار با یکدیگر در مورد شیوع بیماری مسری مشکوک یا گسترده مشورت کند.

۶- تروریسم

الف - تهدیدهای پیش روی ما

۱۴۵- تروریسم، ارزش هایی را که در قلب منشور ملل متحد قرار دارند مورد حمله قرار می دهد: احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، قوانین ناظر بر جنگ که غیرنظامیان را مورد حمایت قرار می دهد، تساهل میان مردم و ملل و فیصله مسالمت آمیز مناقشه. تروریسم در وضعیت ناامیدی، تحقیر، فقر و نارضایتی سیاسی، افراطی گری و سوء استفاده از حقوق بشر رشد می کند. همچنین تروریسم در شرایط مناقشه منطقه ای و اشغال خارجی رشد کرده و از ظرفیت ضعیف کشور در صیانت از قانون و نظم بهره می برد.

۱۴۶- دو متغیر جدید، تهدید تروریستی را فوریت بیشتری می دهد. القاعده، اولین نمونه یک شبکه مسلح غیردولتی با گستره جهانی و توان پیچیده است و احتمالاً آخرین نمونه هم نیست. حمله علیه بیش از ۱۰ کشور در چهار قاره در پنج سال گذشته، نشان دهنده آن است که القاعده و گروه های وابسته، تهدیدی جهانی را نسبت به سازمان ملل و عضویت در سازمان ملل متحد نشان می دهند. القاعده در بیانیه های عمومی، سازمان ملل متحد را بعنوان مانعی عمده نسبت به اهداف خود اعلام کرده و آن را یکی از دشمنانش معرفی می کند. دوم، تهدید تروریست ها - از هر نوع، با هر انگیزه ای - درصدد براه انداختن تلفات وسیع است که خطرات غیر قابل پیش بینی ایجاد می کند. توصیه های ما که در فوق آمده در خصوص کنترل عرضه مواد

هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک و ایجاد سیستم های کارآمد بهداشت عمومی در سطح جهانی، محور اصلی راهبرد پیشگیری از این تهدید محسوب می شود.

ب - مواجهه با چالش پیشگیری

۱- راهبردی جامع

۱۴۷- در جریان مباحث منطقه‌ای هیأت، نگرانی‌هایی از سوی دولت‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی ابراز شده مبنی بر اینکه "جنگ کنونی علیه تروریسم" در مواردی، ارزش‌هایی را نشانه رفته که هدف تروریست‌هاست: حقوق بشر و حاکمیت قانون. اغلب آنهایی که چنین نگرانی‌هایی را بیان می‌کردند، تردید و سؤالی در جدیت تهدید تروریستی نداشتند و اذعان می‌کردند که حق حیات، بنیادی‌ترین حقوق انسانی است. هرچند آنها جداً بیمناک بودند که توجه تام به روش‌های نظامی، پلیسی و اطلاعاتی، تلاش‌هایی زیربنایی را در ارتقای حکومت شایسته و حقوق بشر به خطر انداخته و بخش‌های بزرگی از جمعیت دنیا را به حاشیه رانده و بدین وسیله احتمال اقدام دسته جمعی علیه تروریسم را تضعیف می‌کند. در ارتباط با کشورهای که در مناطقی قرار دارند که مهد تروریست است، نیاز حیاتی، فقط توجه به ظرفیت آنها نیست بلکه عزم در پیکار با ترور نیز باید مورد توجه قرار گیرد. برای تعمیق این اراده در مورد دولت‌هایی که بدنبال جلب حمایت هستند تا اینکه با اذهان عمومی مردمشان مخالفت کنند - رویکردی جامع‌نگرتر لازم است.

۱۴۸- سر نخ تمام این نگرانی‌ها، ضرورت توسعه یک راهبرد جهانی پیکار با تروریسم است که عوامل ریشه‌ای را مورد خطاب قرار داده و دولت‌های مسئول، حاکمیت قانون و حقوق بنیادی بشر را تقویت کند. آنچه ضروری است راهبردی جامع است که وسیع‌تر از تدابیر قهر آمیز باشد. سازمان ملل متحد باید با محوریت دبیرکل، چنین راهبرد جامعی را که شامل موارد زیر است ارتقا دهد:

الف - پیشگیری - فعالیت برای حذف ریشه‌ها یا عوامل تسهیل کننده تروریسم شامل ارتقای حقوق اجتماعی و سیاسی، حاکمیت قانون و اصلاحات مردمسالارانه، فعالیت جهت خاتمه اشغال و توجه نارضایتی‌های عمده سیاسی، مبارزه با جنایت سازمان یافته، کاهش فقر و بیکاری و توقف فروپاشی کشور. تمام راهبردهایی که در بالا ذکر شده برای پیشگیری از سایر تهدیدها بطور ثانویه در تلاش جهت کنار زدن برخی از دلایل با عوامل تسهیل کننده تروریسم مثر ثمر است.

ب - تلاش جهت مقابله با افراطی‌گری و عدم تساهل از جمله با آموزش و گسترش گفت‌وگو عمومی. ابتکار عمل اخیر برنامه عمران ملل متحد یعنی گزارش توسعه انسانی کشورهای عرب به تسریع گفت‌وگو گسترده در خاورمیانه در خصوص نیاز به توانمند سازی جنسیتی، آزادی سیاسی، حاکمیت قانون و آزادی های مدنی کمک کرده است.

ج - توسعه ابزارهای بهتر برای همکاری جهانی مقابله با تروریسم در چارچوب حقوقی رعایت آزادی‌های مدنی و حقوق بشر در زمینه‌های تقویت و اجرای قانون از جمله مشارکت در اطلاعات موجود در زمینه‌هایی که ممکن است، خودداری و توقیف در صورت لزوم و اعمال کنترل‌های مالی.

د- ظرفیت‌سازی کشور در پیشگیری از عضوگیری و عملیات تروریستی.

ه - کنترل مواد خطرناک و دفاع بهداشت عمومی.

۲- ابزارهای بهتر مقابله با تروریسم

۱۴۹- کنوانسیون های متعدد ضد تروریسم سازمان ملل متحد، پایه های هنجاری مهمی را بنا گذاشته است. ولی بسیاری از کشورها خارج از قلمرو این کنوانسیون ها بوده و کشورهایی که این کنوانسیون‌ها را تصویب کرده‌اند، تدابیر اجرایی داخلی را به منظور اجرای مفاد این کنوانسیون‌ها تصویب نکرده‌اند. همچنین تلاش‌های مواجهه با معضل تامین مالی تروریسم، ناکافی است. در حالی که در سه ماهه پس از

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مبلغ ۱۱۲ میلیون دلار از وجوه متعلق به حساب هایی که گمان می رفت مربوط به تروریست هاست مسدود شد، طی ۲ سال بعد، تنها ۲۴ میلیون دلار مسدود شده است. وجوه توقیف شده، نشاندهنده تنها بخش کوچکی از مجموع وجوهی است که در اختیار سازمان های تروریستی قرار دارد. در حالی که در خیلی از کشورها قوانین پول شویی و ظرفیت فنی غیرکافی است، روش های گریز تروریست ها بشدت توسعه یافته و خیلی از وجوه تروریست ها، منشاء قانونی داشته و اعمال قانون در مورد آنها سخت است.

۱۵۰- آن دسته از دولت هایی که تاکنون چنین نکرده اند باید بصورت فعالانه ای، امضا و تصویب تمام کنوانسیون های ۱۲ گانه ضد تروریستی را مورد توجه قرار دهند و باید هشت توصیه نامه ویژه مربوط به تأمین مالی تروریست را که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی صادر شده و برگرفته از توصیه های گروه ویژه مقابله با پول شویی است تصویب کنند و نیز در جهت تدابیر پیشنهادی آن در زمینه بهترین شیوه های عملی جلوگیری و مبارزه با پول شویی اقدام کنند.

۱۵۱- شورای امنیت، نقش مهمی در پر کردن خلاء های راهبرد مبارزه با تروریسم بازی کرده است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ شورای امنیت تلاش کرده تا حمایت دولتی از تروریسم را تضعیف کرده و مقاومت دولتی در برابر تروریسم را تقویت کند. از سال ۱۹۹۲ به این طرف، شورای امنیت مجازات هایی را علیه افراد و کشورهایی که تروریسم را حمایت کرده اند، اعمال کرده است. از جمله در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ اسامه بن لادن و القاعده و طالبان لازم بذکر است. واکنش اولیه شورای امنیت در قبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محکم و کوبنده بود. قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت مورخ ۲۰۰۱ تعهدات الزامی یکپارچه ای را برای مبارزه با تروریست ها بر همه کشورها تحمیل کرد و کمیته ی ضد تروریستی را برای نظارت بر رعایت و تسهیل مقررات کمک فنی به کشورها ایجاد نمود.

۱۵۲- با اینحال، شورای امنیت باید با احتیاط پیش رود. تداوم این شیوه که گروه ها یا افرادی به فهرست تروریستی تهیه شده توسط شورای امنیت و عدم امکان تجدید نظر یا واخواهی برای آنها که در فهرست قرار داده شده اند، ممکن است مسائل جدی مسئولیت پذیری و هنجارها و معاهدات ناظر بر حقوق بنیادین بشری را نقض کرده باشد. کمیته تحریم های القاعده و طالبان باید فرآیندی را برای تجدید نظر در ادعاهای افراد و مؤسساتی که مدعی هستند به اشتباه در این فهرست قرار گرفته اند ایجاد کند.

۱۵۳- تحریم های تحمیل شده توسط شورای امنیت و اقدامات کمیته تروریسم شورای امنیت، نقش بسزایی در پایان دادن به حمایت از برخی دولت ها از تروریسم و همراه شدن کشورها در مبارزه با تروریسم داشته است. با این وجود، تحریم های شورای امنیت علیه القاعده و طالبان، به طور کامل توسط دولت های عضو، حمایت و اجرا نشده و تنها بر بخش کوچکی از ساختار عملیاتی شناخته شده القاعده تأثیر گذارده است و این در حالی است که تعدادی از کشورها فاصله زیادی تا اجرای کامل دستورات کمیته ضد تروریسم دارند. ما بر این باوریم که اقدامات بیشتری برای دستیابی به اجرای کامل این رهنمودها مورد نیاز است.

۳- کمک به کشورها در مقابله با تروریسم

۱۵۴- از آنجا که کمک تسهیلاتی سازمان ملل متحد به حمایت فنی محدود است، کشور هایی که در جستجوی حمایت عملیاتی برای فعالیت های مقابله با تروریسم هستند، هیچ راه حلی ندارند مگر اینکه به کمک های دوجانبه روی آورند. ظرفیت سازمان ملل متحد برای تسهیل این کمک ها در مواردی موانع سیاسی داخلی را از میان برداشته و این امر را می توان از طریق تأمین اقدامات اداره اجرایی ضد تروریسم بعنوان واسطه ای برای کمک دوجانبه کشورها به یکدیگر در زمینه های نظامی، پلیسی و کمک های کنترل مرزها جهت توسعه قابلیت های داخلی مبارزه با تروریسم، محقق نمود. شورای امنیت پس از مشورت با کشورهای آسیب دیده می تواند اختیارات اداره اجرایی ضد تروریسم را به منظور انجام این وظایف گسترش

دهد.

۱۵۵- عدم رعایت مقررات بین‌المللی مبارزه با تروریسم می‌تواند موضوع عدم کفایت اراده سیاسی باشد اما این امر، غالباً بدلیل فقدان ظرفیت است. دولت‌های عضو سازمان ملل و ارکان تخصصی باید تلاش‌های خود را جهت آماده ساختن دولت‌ها به دسترسی برای ابزارهای مؤثر حقوقی، اجرایی و پلیسی جهت پیشگیری از تروریسم افزایش دهند. برای کمک به این فرآیند، سازمان ملل متحد باید یک صندوق ظرفیت سازی به‌عنوان زیرمجموعه اداره اجرایی ضد تروریسم تأسیس کند.

۱۵۶- اگر با کشورهای موافقه شویم که با وجود داشتن ظرفیت، مکرراً از ایفای تعهدات خود، سرباز زنند، برای تضمین اجرای تعهدات، ممکن است به یکسری تدابیر اضافی نیاز پیدا شود و شورای امنیت باید برنامه مشخصی از مجازات‌های از قبل تعیین شده را در خصوص کشورهای نقض‌کننده تعهدات ترتیب دهد.

۴- تعریف تروریسم

۱۵۷- توان سازمان ملل متحد در توسعه راهبردی جامع با ناتوانی دولت‌های عضو در تفاهم بر سر یک کنوانسیون ضد تروریستی مانع تعریفی از تروریسم شده است. این امر، سازمان ملل متحد را از اعمال اقتدار معنوی خود و ارسال پیامی قاطع مبنی بر اینکه تروریسم به هیچ وجه، شیوه مقبولی حتی برای موجه ترین انگیزه‌ها نیست، باز داشته است.

۱۵۸- از سال ۱۹۴۵ مجموعه ای از هنجارها و قوانین محکم‌تر شامل منشور ملل متحد، کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه رم برای دیوان بین‌المللی کیفری، تصمیمات کشورهای را در توسل به زور نظم بخشیده و کشورها را نسبت به رفتار خود در جنگ در رعایت قواعدی ملزم ساخته است. برای مثال در شرط تفکیک جنگجویان از غیرنظامیان، توسل به زور بصورت متناسب و رعایت اصول بشردوستانه اساسی. نقض این تعهدات همچنان باید با محکومیت سراسری مواجه شده و جنایات جنگی باید مورد تعقیب قرار گیرند.

۱۵۹- هنجارهای حاکم بر توسل به زور توسط بازیگران غیر دولتی همسان هنجارهای حاکم بر توسل به زور توسط کشورها پیش نرفته است. این بیشتر، یک مسأله سیاسی است تا اینکه مسأله‌ای حقوقی باشد. از نظر حقوقی، در واقع، تمام اشکال تروریسم توسط یکی از کنوانسیون‌های ۱۲ گانه بین‌المللی ضد تروریسم، حقوق بین‌الملل عرفی، کنوانسیون‌های ژنو یا اساسنامه ی رم ممنوع است. دانشمندان حقوقی، این را می‌دانند ولی تفاوت روشنی میان این فهرست پراکنده کنوانسیون‌ها و مقررات ناشناخته معاهدات دیگر و چارچوب‌های هنجاری اجباری که توسط همگان درک شود و تمام مباحث تروریسم را در برگیرد، وجود دارد. سازمان ملل متحد باید در مورد توسل به زور از سوی بازیگران غیردولتی به همان درجه از قوام هنجاری دست یابد که در مورد توسل به زور توسط دولت‌ها رسیده است. فقدان تفاهم بر سر یک تعریف روشن و شناخته شده، جایگاه هنجاری و اخلاقی را در قبال تروریسم تضعیف می‌کند و چهره سازمان ملل متحد را خدشه دار کرده است. دست یابی به یک کنوانسیون جامع تروریسم که تعریف روشنی را در برگیرد، یک ضرورت سیاسی است.

۱۶۰- معمولاً تکاپو جهت تعریفی مورد توافق با دو مسأله روبروست. مسأله اول، این استدلال است که هر تعریفی باید ناظر بر استفاده کشورها از نیروهای مسلح علیه غیرنظامیان باشد. ما اعتقاد داریم که چارچوب حقوقی و هنجاری علیه موارد نقض کشور، خیلی قوی‌تر از موارد نقض بازیگران غیردولتی است و این اعتراض‌چندان قابل قبول نیست. اعتراض دوم این است که مردم تحت اشغال خارجی، حق مقاومت دارند و تعریفی از تروریسم نباید این حق را مخدوش کند. حق مقاومت از سوی عده ای با مخالفت روبرو شده است. ولی این نکته اصلی نیست: نکته اساسی این است که هیچ عذری در حقیقت اشغال وجود ندارد که هدف قرار دادن و کشتار غیرنظامیان را توجیه کند.

۱۶۱- هیچیک از این اشکالات، به اندازه کافی وزین نیست که با بحث ضرورت تکمیل چارچوب هنجاری

روشن و محکم سازمان ملل در خصوص توسل دولت به زور، با یک چارچوب حقوقی مشابه و دارای همان درجه از قوام در مورد استفاده بازیگران غیردولتی از زور در تضاد باشد. حملاتی که بخصوص، غیرنظامیان بی گناه و غیر جنگجویان را هدف قرار می دهد باید به روشنی و توسط همگان محکوم باشد. ۱۶۲- ما از مصوبه اخیر شورای امنیت در قطعنامه ی ۱۵۶۶ مورخ ۲۰۰۴ که تدابیر چندی را در تقویت نقش سازمان ملل متحد در پیکار با تروریسم در برمی گیرد، استقبال می کنیم.

۱۶۳- معهذاً، ما بر این باوریم که ارزش خاصی در دستیابی به تعریف مورد اجماع در مجمع عمومی وجود دارد، با این فرض که این نهاد از مشروعیت منحصر بفردی از لحاظ هنجاری برخوردار است و اینکه مجمع عمومی باید به سرعت مذاکراتش را در خصوص یک کنوانسیون جامع تروریسم تکمیل کند.

۱۶۴- تعریف تروریسم باید از مولفه های زیر تشکیل شده باشد:

الف - برسمیت شناختن این موضوع در مقدمه که توسل به زور هر کشور علیه غیرنظامیان توسط کنوانسیون های ژنو و دیگر اسناد به اندازه کافی، یک جنایت جنگی توسط اشخاص مربوطه یا یک جنایت علیه بشریت را تشکیل می دهد.

ب - اظهار مجدد اینکه اقدامات مقرر در ۱۲ کنوانسیون ضد تروریسم، اقدامات تروریستی قلمداد شده و اعلام اینکه آنها جنایتی به موجب حقوق بین الملل محسوب می شوند و بیان دیگر بار این موضوع که تروریسم در هنگام درگیری مسلحانه توسط کنوانسیون ها و پروتکل های ژنو منع شده است.

ج - ارجاع به تعاریف مندرج در کنوانسیون بین المللی ۱۹۹۹ در جلوگیری از تأمین مالی تروریسم و قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت مورخ ۲۰۰۴.

د - توصیف تروریسم بعنوان هر عملی، علاوه بر اعمالی که تاکنون توسط کنوانسیون های موجود در خصوص جنبه های تروریسم، کنوانسیون های ژنو و قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت مورخ ۲۰۰۴ که با قصد کشتن یا ایراد صدمه جسمانی به غیر نظامیان یا غیر جنگجویان انجام گیرد، در شرایطی که هدف از انجام چنین اقدامی با توجه به ماهیت یا زمینه وقوع آن، ارباب یک جمعیت یا وادار کردن یک دولت یا یک سازمان بین المللی در فعل یا خودداری از انجام هر فعلی است.

۷- جنایت سازمان یافته فراملی

الف - تهدیدهای پیش روی ما

۱۶۵- جنایت سازمان یافته فراملی، تهدیدی نسبت به کشورها و جوامع است که امنیت انسانی و تعهدات بنیادی کشورها را در استقرار قانون و نظم مخدوش می کند. مبارزه با جنایت سازمان یافته، هدف مضاعفی را در تخفیف این تهدید مستقیم نسبت به کشور و امنیت انسانی محقق می سازد و همچنین گامی ضروری در تلاش به منظور پیشگیری و حل مناقشات داخلی، مبارزه با گسترش تسلیحات و پیشگیری از تروریسم تشکیل می دهد.

۱۶۶- یکی از فعالیت های عمده گروه های مجرم سازمان یافته قاچاق مواد مخدر - تبعات امنیتی عمده ای دارد. تخمین زده می شود که سازمان های مجرم، سالیانه از قاچاق مواد مخدر، مبلغی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار بدست می آورند که این، تنها مهم ترین منبع درآمد آنهاست. در برخی مناطق، عواید ناشی از چنین فعالیت هایی با تولید ناخالص ملی کشورها برابری می کند که این امر، اقتدار دولت، توسعه اقتصاد و حاکمیت قانون را مورد تهدید قرار داده است. قاچاق مواد مخدر موجب افزایش استفاده از هرئین با تزریق شده که در بخش هایی از دنیا هشدار برای شیوع ویروس ایدز است. شواهد فزاینده ای از ارتباط بین تأمین مالی و عواید ناشی از تریاک وجود دارد که در بین گروه های تروریستی افغانستان بیش از هر جای دیگر مشهود است.

۱۶۷- کشورها و سازمان‌های بین‌المللی هم به کندی نسبت به تهدید جنایت سازمان یافته و فساد و اکنش نشان داده‌اند. اظهارات درباره جدی بودن این تهدید، بندرت با عمل همراه بوده است. سه مانع اساسی در برابر تدابیر بین‌المللی مؤثرتر برای مقابله با این تهدید عبارتند از: همکاری ناکافی میان کشورها، هماهنگی ضعف میان آژانس‌های بین‌المللی و تبعیت ناکافی خیلی از کشورها از مقررات.

۱۶۸- کارایی در مقابله با مصادیق خاصی از جنایت سازمان یافته، درجات متفاوتی دارد. تلاش‌های مبارزه با فساد از فقدان تعهد و درک از انواع، سطح‌ها، موقعیت و هزینه فساد رنج می‌برند. در تلاش مربوط به مقابله با عرضه مواد مخدر، اغلب، کامیابی در برخی کشورها به علت کوتاهی دیگر کشورها بی‌اثر می‌شود. ابتکار عمل‌های ملی برای کاهش تقاضا در جهان صنعتی نیز غیر مؤثر بوده و مجموع تعداد مصرف کنندگان تریاک و هروئین، نسبتاً در طول دهه گذشته ثابت باقی مانده است.

۱۶۹- واکنش‌ها در برابر جنایت سازمان یافته در حین و پس از مناقشه غیر منسجم و پراکنده بوده است. در مقطع بعد از جنگ، محاربین قبلی در صدد بهره‌برداری از ارتباطات مجرمانه و قابلیت‌های توسعه یافته که در حین جنگ حاصل شده، برمی‌آیند و بنابراین، تلاش‌های بین‌المللی برای نهادینه‌سازی صلح را تضعیف می‌کند. فساد ریشه‌ای، توسل به خشونت در حمایت از فعالیت‌های مجرمانه و گره‌های بسته میان باندهای جنایتکار و مقامات سیاسی، مانع از استقرار حاکمیت قانون و نهادهای دولتی مؤثر می‌شود. تلاش بین‌المللی در مبارزه با قاچاق تسلیحات، ناکافی بوده و نظام‌های ضمانت اجرایی به‌صورت نامناسی اجرا شده‌اند.

۱۷۰- جنایت سازمان یافته بصورت روزافزونی از طریق شبکه‌های غیرقانونی انجام می‌گیرد تا اینکه در قالب سلسله مراتب رسمی انجام شود. این شکل از سازمان‌دهی، برای تبهکاران، تنوع، انعطاف پذیری، استتار و تداوم را به ارمغان می‌آورد. ارتباطات میان شبکه‌های گوناگون، وجهه اصلی جنایت سازمان یافته در سطح دنیا و در طول دهه ۱۹۹۰ شده و منجر به شکل‌گیری شبکه‌هایی از شبکه‌ها شده است. ظرفیت این شبکه‌ها، نقطه مقابل فرآیند تبادل اطلاعات و همکاری ضعیف دولت‌ها در تحقیقات و پیگردهای جنایی است.

ب - مواجهه با چالش پیشگیری

۱۷۱- مبارزه با جنایت سازمان یافته، چارچوب‌های مقرراتی بین‌المللی بهتری را طلب می‌کند و به تلاش‌هایی در ظرفیت سازی کشورها در حوزه حاکمیت قانون تسری پیدا می‌کند. تلاش‌های مسنجمی علیه قاچاق انسان هم لازم است.

۱- چارچوب‌های مقرراتی بین‌المللی بهتر

۱۷۲- کنوانسیون‌های بین‌المللی اخیر متعددی، امکان همکاری سریع‌تر و تنگاتنگ‌تر دولت‌ها را فراهم کرده است. اما این کنوانسیون‌ها هنوز از عدم پذیرش جهانی و اجرای ناقص دولت‌ها رنج می‌برند. لازم است سازوکارهایی پیرامون نظارت بر اجرای تعهدات دولت‌های عضو و نیز شناسایی و رفع نواقص قانونی و نهادی ایجاد شود. اقدام جمعی علیه مجرمان سازمان یافته به تقویت و تحکیم چارچوب قراردادی بین‌المللی بستگی دارد. بیش از نصف اعضای سازمان ملل متحد هنوز کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته ملل متحد مورخ ۲۰۰۰ و سه پروتکل آن و کنوانسیون ضد فساد ملل متحد ۲۰۰۳ را امضا ننموده یا تصویب نکرده‌اند یا هنوز منابع کافی مقررات نظارتی کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مزبور پیش‌بینی نشده است. دولت‌های عضو که این کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها را امضا نکرده، تصویب ننموده یا منابع آنها را تخصیص نداده‌اند باید چنین کرده و از اقدامات دفتر مقابله با مواد مخدر و جرایم ملل متحد در این زمینه حمایت نمایند.

۱۷۳- گروه‌های تبهکار سازمان یافته، آزادانه از مرزها عبور می‌کنند که همکاری حقوقی می‌تواند مانع از این امر شود. دولت‌های عضو باید مقام مسئولی را برای تسهیل تبادل شواهد میان مراجع قضایی ملی،

معاضدت حقوقی متقابل مراجع دادستانی و اجرای درخواست های استرداد ایجاد کنند.

۱۷۴- مجرمین برخلاف تروریست‌ها انگیزه‌های مالی دارند. بهترین راهبرد واحد برای تضعیف جنایت سازمان یافته، حذف توان آن در پول شویی است. جنایت سازمان یافته فرامرزی در سال، حدود ۵۰۰ میلیارد دلار عایدی دارد که طبق برخی برآوردها تا سه برابر این مقدار هم می‌رسد. در سال ۲۰۰۰ بین ۵۰۰ میلیارد و ۱/۵ تریلیون دلار پول شویی شده است. علیرغم حجم بالای این مبالغ و نقش آنها در افزایش جنایت سازمان یافته، بسیاری از کشورها در خصوص پول شویی، هیچگونه قاعده‌ای وضع نکرده‌اند. اعمال فراگیر اصل رازداری بانکی و توسعه سریع بهشت های مالی، مانعی جدی در مواجهه با این معضل است. **یک کنوانسیون جامع بین‌المللی درخصوص پول‌شویی که این موضوعات را مورد توجه قرار دهد لازم است تا در مجمع عمومی مورد مذاکره و تصویب قرار گیرد.**

۱۷۵- زشت‌ترین چهره جنایت سازمان یافته، قاچاق انسان است و همه دول عضو باید اقدامات قاطعی در پیکار با آن اتخاذ کنند. **دول عضو باید پروتکل پیشگیری، جلوگیری و مجازات قاچاق اشخاص را بویژه در مورد زنان و کودکان امضا و تصویب کرده و اعضای پروتکل باید تمام تعهدات ضروری برای اجرای مؤثر آن را بکار بندند.**

۱۷۶- سازمان ملل متحد باید همکاری فنی میان کشورها و نهادهای اجرایی حقوق بین‌الملل را به منظور تامین حمایت از قربانیان قاچاق در کشورهای مبدأ، ترانزیت و مقصد بیشتر ارتقا دهد. بویژه، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار باید بصورت جسورانه ای حقوق بشر زنان و کودکان را ارتقا داده و راهبردهای مشخصی را در یاری آنها جهت انجام برنامه‌های خود گنجانده و آنها را در برابر قربانیان قاچاق انسان شدن، مورد حمایت قرار دهند.

۲- ظرفیت سازی بهتر در کشورها

۱۷۷- عدم اجرای مقررات بین‌المللی در مواردی، ناشی از قابلیت محدود دولت‌هاست. به منظور مواجهه با این مشکل، سازمان‌های بین‌المللی و مخصوصا دفتر مقابله با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد، کمک های فنی و برنامه‌های آموزشی با هدف ایجاد نهادهای قضایی و انتظامی مؤثر طراحی کرده است. اگرچه این فعالیت‌ها با منابع ناکافی روبروست. **سازمان ملل متحد باید سازوکاری قوی برای ظرفیت سازی کمک به حاکمیت قانون ایجاد نماید.** سازمان‌های منطقه‌ای و نهادهای مالی چندجانبه باید بصورت فعالانه ای به این تلاش‌ها پیوند خورند.

۸- نقش تحریم‌ها

۱۷۸- در برخورد پیشگیرانه با تهدیدات صلح و امنیت بین‌المللی، تحریم‌ها ابزاری حیاتی اما غیر کافی است. هنگامی که کشورها، افراد و شورشیان، هنجاری بین‌المللی را نقض می‌کنند و در جایی که ناتوانی در پاسخ به موقع، این هنجارها را تضعیف کرده و باعث جسارت بیشتر متجاوزان گردد و یا این ناتوانی به نوعی رضایت تعبیر شود، تحریم‌ها حد واسطی لازم بین جنگ و حرف هستند.

۱۷۹- تحریم‌های هدفمند (مالی، مسافرتی، هوایی یا محموله‌های تسلیحاتی) برای اعمال فشار به رهبران و نخبگان با حداقل تبعات بشردوستانه مفید بوده و راه چاره ای کم هزینه تر در مقایسه با سایر گزینه‌هاست و می‌تواند متناسب با شرایط ویژه طراحی شود. با منزوی کردن ناقضین قوانین و مقررات بین‌المللی، حتی ملایم ترین تحریم‌ها (شامل کاروان‌های ورزشی) هم می‌تواند نقش مهمی در تحقق اهداف نمادین دارا باشد. تهدید به اعمال تحریم می‌تواند شیوه قدرتمندی برای بازدارندگی و پیگیری باشد.

۱۸۰- **شورای امنیت باید تضمین کند که تحریم‌ها بصورت مؤثر اجرا و رعایت می‌شوند:**

الف - هنگامی که شورای امنیت، نظام تحریم‌ها را شامل محموله‌های تسلیحاتی اعمال می‌کند باید سازوکارهای نظارتی منظمی را ایجاد نموده و برای این سازوکارها صلاحیت و قابلیت لازم جهت انجام تحقیقات عالی و عمیق تامین کند. ردیف‌های بودجه‌ای لازم برای اجرای این سازوکارها باید تعریف شود.

ب - از کمیته‌های کیفی تحریم شورای امنیت باید خواسته شود تا به منظور توسعه رهنمودها و رویه‌های مناسب گزارش‌دهی اقدام کرده و از این بابت، کشورها را در اجرای تحریم‌ها و پیشبرد رویه‌های حفظ فهرست دقیق اشخاص و نهادهای تحت تحریم هدفمند کمک کنند.

ج - دبیرکل باید مقام ارشدی را همراه با تخصیص منابع کافی منتصب کند تا دبیرکل را قادر سازد تحلیل‌هایی به شورای امنیت در خصوص بهترین راه برای هدفمند کردن تحریم‌ها و کمک به هماهنگی اجرای آنها ارائه نماید. این مقام، همچنین به تلاش‌های مربوط به تبعیت کمک خواهد کرد، نیازهای کمک فنی را شناسایی نموده و این کمک‌ها را هماهنگ خواهد نمود و توصیه‌هایی را درباره تغییرات لازم برای تقویت کارایی تحریم‌ها ارائه خواهد داد.

د - کمک‌کنندگان باید منابع بیشتری را در تقویت ظرفیت حقوقی، اداری و پلیسی کنترل مرزها توسط دولت‌های عضو به منظور اجرای تحریم‌ها اختصاص دهند. این تدابیر ظرفیت‌سازی باید تلاش‌های مربوط به ارتقای منع عبور و مرور هوایی در مناطق جنگی را ارتقا دهد.

ه - شورای امنیت باید در موارد عدم رعایت تحریم‌ها به شکل مداوم، تحریم‌های ثانویه‌ای را علیه تحریم‌شکنان اعمال کند.

و - دبیرکل در مشورت با شورای امنیت باید تضمین کند که یک سازوکار حسابرسی برای نظارت بر اجرای تحریم‌ها ایجاد شود.

۱۸۱- کمیته‌های تحریم‌ها باید رویه‌های مربوط به مستثنی نمودن امور بشردوستانه را ارتقا داده و بصورت مرتب نسبت به بررسی آثار بشردوستانه تحریم‌ها ارزیابی داشته باشند. شورای امنیت باید در کاهش عواقب بشردوستانه تحریم‌ها همچنان کوشا باشد.

۱۸۲- در مواردی که تحریم‌ها فهرستی از افراد و گروه‌ها را دربرمی‌گیرد، کمیته‌های تحریم باید رویه‌هایی را جهت تجدید نظر در مورد آنهایی که مدعی هستند به اشتباه در این فهرست قرار گرفته یا همچنان حفظ شده‌اند، ایجاد کند.

بخش ۳

فصل سوم

امنیت جمعی و توسل به زور

۹- توسل به زور: قواعد و رهنمودها

۱۸۳- تدوین کنندگان منشور سازمان ملل متحد پذیرفته بودند که برای پیشگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و جلوگیری از اقدامات تجاوزکارانه یا سایر موارد نقض صلح، توسل به زور ضروری است. از منظر حقوقی، اعمال درست نیروی نظامی، بخشی از نظام امنیت جمعی است، حال چه در یک نگاه سنتی و چه از منظر گسترده‌تر که ما آن را ترجیح می‌دهیم تعریف شود. اما در حال حاضر تعداد کمی از موضوعات سیاستگذاری مشکل‌آفرین‌تر و مخاطره‌آمیزتر از اصول و قوانین مربوط به بکارگیری سیاست‌های مذکور نسبت به تک‌تک افراد است.

۱۸۴- حفظ صلح و امنیت جهانی بصورت مهمی به فهم مشترک جهانی و پذیرش عموم در خصوص اینکه در چه زمانی توسل به زور هم مشروع و هم قانونی است، بستگی دارد. توجه به یکی از این عناصر و غفلت از دیگری موجب تضعیف نظم حقوق بین‌الملل شده و بدین وسیله هم دولت و هم ملت را در معرض خطر جدی تری قرار خواهد داد.

الف - مسأله قانونی بودن

۱۸۵- منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲ صریحاً دول عضو را از توسل به زور یا تهدید به استفاده از آن علیه هر یک از دول عضو دیگر منع می‌کند و تنها دو استثنا را اجازه می‌دهد: دفاع مشروع به موجب ماده ۵۱ و تدابیر نظامی اجازه داده شده توسط شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور (و باتسری به سازمان‌های منطقه‌ای بر اساس فصل هشتم منشور) در واکنش به «هر تهدیدی نسبت به صلح، نقض صلح یا تجاوز». ۱۸۶- در ۴۴ سال نخست عمر سازمان ملل متحد، دولت‌های عضو اغلب این قواعد را نقض کرده و در عمل، صدها بار از نیروی نظامی استفاده کرده‌اند و شورای امنیت همانند نهاد فلج شده بندرت توانسته است با تصویب تعداد انگشت‌شماری از قطعنامه‌ها بموجب فصل هفتم و ماده ۵۱ منشور، اقدامات معتبری را برای پوشش دادن به اعمال فوق بتصویب رساند. با اینحال از زمان پایان جنگ سرد، تمایل به ایجاد نظام بین‌المللی که بر آن قانون حاکمیت داشته باشد، رشد کرده است. اما تمایل کمی از سوی افکار بین‌المللی برای پذیرش این ایده که بهترین راه حفظ امنیت، توازن قدرت و یا برپا ماندن یک ابرقدرت است، وجود دارد.

۱۸۷- ولی در تلاش به منظور اجرای ادبیات آشکار منشور، بویژه در عمل، سه مسأله مطرح می‌شود: اولاً وقتی کشور، ادعای حق حمله پیشگیرانه در دفاع از خود دارد آن هم در پاسخ تهدیدی که قریب‌الوقوع نیست. ثانیاً، هنگامی که یک کشور به نظر می‌رسد که تهدید خارجی را عملاً یا بالقوه علیه دیگر کشورها یا مردم خارج از مرزهای خود بکار می‌بندد، اما اعضای شورای امنیت بر سر نحوه برخورد با آن تهدید متفق‌القول نیستند. ثالثاً، جایی که تهدید اساساً داخلی بوده و علیه مردم همان کشور است.

۱- ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و دفاع مشروع

۱۸۸- طرز بیان این ماده، دستوری و آمره است: «مادامی که شورای امنیت، اقداماتی را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به انجام رسانده باشد و در صورتی که حمله مسلحانه‌ای نیز علیه هر یک از کشورهای عضو سازمان ملل متحد انجام گردد، هیچ‌یک از بخش‌های منشور، ناقض حق ذاتی افراد در دفاع از خود بصورت انفرادی یا دفاع از خود بصورت جمعی نخواهد بود». البته بر اساس حقوق بین‌الملل تثبیت شده، کشوری که مورد تهدید قرار گرفته می‌تواند در صورتی که تهدید به حمله، قریب‌الوقوع باشد به اقدام نظامی

متوسل گردد و هیچ عامل دیگری نمی‌تواند مانع اقدام آنها شده و این اقدام نیز متناسب است. مشکل هنگامی پیدا می‌شود که تهدید مورد نظر، قریب الوقوع نبوده اما همچنان ادعا شود که واقعی است: برای مثال، دستیابی به توانایی ساخت سلاح‌های هسته‌ای آن هم با نیت خصمانه.

۱۸۹- آیا در چنین شرایطی کشوری می‌تواند بدون رجوع به شورای امنیت مدعی حق اقدام به‌عنوان دفاع مشروع قابل پیش‌بینی، نه فقط پیش‌دستانه (علیه تهدیدی قریب‌الوقوع یا تقریبی) بلکه پیشگیرانه (علیه تهدیدی بعید یا غیرتقریبی) باشد؟ آنها که پاسخ مثبت می‌دهند، استدلال می‌کنند که آسیب احتمالی ناشی از برخی تهدیدها (مثل تروریست‌های مسلح به سلاح هسته‌ای) آنقدر شدید است که کسی نمی‌تواند منتظر بماند تا این خطر دور از ذهن به خطر قریب‌الوقوع بدل شود و از سوی دیگر اگر اقدام علیه چنین تهدیداتی زودتر انجام پذیرد (نظیر ممانعت از مبادلات هسته‌ای یا نشت مواد رادیو اکتیو از رآکتورهای تخریب شده) در اینصورت آسیب کمتری پدید خواهد آمد.

۱۹۰- پاسخ کوتاه، این است که اگر استدلال‌های خوبی برای اقدام نظامی پیشگیرانه وجود که با شواهد مناسبی حمایت می‌شود، این استدلال‌ها باید به شورای امنیت عرضه شود، نهادی که می‌تواند چنین اقدامی را تجویز کند. اگر شورای امنیت چنین تصمیمی را اتخاذ نکند، زمان برای پیگیری سایر راهبردها از جمله اقناع، مذاکره، بازدارندگی و مهار دوباره اقدام نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۹۱- پاسخ در جواب کسانی که در برابر مطلب بالا ناشکیبا هستند باید چنین باشد که در جهانی که سرشار از تصور تهدیدات بالقوه است، مخاطره نسبت به نظم جهانی از ناحیه اقدام پیشگیرانه یکجانبه در مقایسه با اقدام چند جانبه و هنجار عدم مداخله که نظم جهانی همچنان بر آن استوار است، خیلی شدیدتر از آن است که بتوان آن را مورد قبول قرار داد. اعطای مجوز به یکی برای اقدام به معنی اجازه دادن به همه برای اقدام مشابه است.

۱۹۲- ما مشوق بازنویسی یا تفسیر مجدد ماده ۵۱ نیستیم.

۲- فصل هفتم منشور ملل متحد و تهدیدهای خارجی

۱۹۳- در موردی که کشوری، تهدیدی را نسبت به سایر کشورها، مردم خارج از مرزهایش یا نظم بین‌المللی بطور کلی نشان می‌دهد، ادبیات فصل هشتم ذاتاً به اندازه کافی وسیع هست و به اندازه کافی به‌طور موسع تفسیر شده است تا زمانی که احساس شود برای حفظ یا احیای صلح و امنیت بین‌المللی ضرورت دارد، هر عمل قهرآمیزی از جمله عملیات نظامی را اجازه دهد. این موردی است که تهدید در حال رویداد باشد چه آینده نزدیک یا آینده دور، چه اقدامات خود کشورها را دربرگیرد یا اقدامات بازیگران غیردولتی را یا اینکه به شکل فعل یا ترک فعل، یک فعل واقعی یا فعل بالقوه، خشونت یا چالشی را در مقابل اقتدار شورا اتخاذ کند.

۱۹۴- ما تأکید داریم که نگرانی‌هایی که درباره قانونی بودن استفاده پیشگیرانه از نیروی نظامی در قالب دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ بیان کردیم، این ملاحظات در مورد اقدام جمعی تجویز شده بموجب فصل هفتم منشور موضوعیت ندارد. در جهان قرن بیست و یکم، جامعه بین‌المللی باید نگران وقایع ناراحت‌کننده‌ای باشد که از تروریست‌ها، تسلیحات انهدام جمعی و دول غیر پاسخگو و خیلی چیزهای دیگر که در کنار آن تشکیل شده ناشی می‌شود و می‌تواند نه تنها بطور واکنشی بلکه بگونه‌ای بازدارنده و قبل از بروز تهدید پنهان، استفاده از قوه قهریه را توجیه کند. مساله این نیست که آیا چنین اقدامی قابل اتخاذ است یا نه: شورای امنیت بعنوان صدای امنیت جمعی جامعه بین‌المللی، این عمل را می‌تواند در هر زمانی که تلقی کند تهدیدی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی وجود دارد، انجام دهد. شورا بخوبی نیاز دارد تا برای فعال بودن در این موارد آماده شود و تصمیمات قاطع‌تری نسبت به گذشته بگیرد.

۱۹۵- جدای از مساله قانونی بودن، مسایلی چون احتیاط یا مشروعیت درباره اینکه آیا چنین اقدام پیشگیرانه‌ای باید اجرا شود یا نه وجود دارد: نکته حساس در میان این مطالب، این است که آیا شواهد

موثقی از واقعی بودن تهدید مورد نظر وجود دارد یا خیر (با به حساب آوردن قصد و ظرفیت ویژه) و اینکه آیا واکنش نظامی، تنها چاره معقول در این شرایط است. ما این مسایل را در ذیل بیشتر مد نظر قرار می‌دهیم.

۱۹۶- ممکن است برخی دولت‌ها احساس کنند که نسبت به شهروندان خود متعهدند و قابلیت انجام هر کاری را دارند که فکر می‌کنند ضرورت دارد، بدون اینکه موانع فرآیند جمعی شورای امنیت را در پیش رو داشته باشند. اما این رویکرد در دوران جنگ سرد که ملل متحد آشکارا بعنوان یک نظام امنیت جمعی عمل نمی‌کرد. قابل درک بود. اما در دوره کنونی، جهان تغییر کرده و انتظارات جهانی در خصوص پایبندی حقوقی خیلی فراتر رفته است.

۱۹۷- یکی از دلایلی که کشورها ممکن است بدنبال دور زدن شورای امنیت باشند، بی اعتمادی در کیفیت و هدفمندی فرآیند تصمیم‌گیری آن است. تصمیمات شورا اغلب کمتر سازگار، کمتر ترغیب‌کننده و کمتر پاسخگو نسبت به همان دولت و نیازهای ضروری بشریت بوده است. ولی راه حل، کاهش توانایی و ارتباط شورای امنیت با موضوع نیست: راه حل، اصلاح از درون است، اصلاحاتی شامل راه‌هایی که در گزارش حاضر بدان خواهیم پرداخت.

۱۹۸- شورای امنیت بموجب فصل هفتم منشور ملل متحد کاملاً این اختیار را دارد که همه انواع تهدیدات امنیتی را که دولت‌ها با آنها مواجه هستند مورد نظر قرار دهد. وظیفه، یافتن جایگزین‌هایی بعنوان منبع اقتدار برای شورای امنیت نیست بلکه قصد، بهبود کار شورای امنیت نسبت به وضعیت کنونی آن است.

۳- فصل هفتم منشور ملل متحد، تهدیدات داخلی و مسئولیت حمایت

۱۹۹- منشور ملل متحد در هنگام نجات جان افراد درون کشورها در شرایط مصیبتی بزرگ به اندازه‌ای که باید واضح باشد، نیست. منشور "ایمان به حقوق بنیادین بشر را مورد تأیید مجدد قرار می‌دهد" ولی کار زیادی برای حمایت از این حقوق انجام نمی‌دهد و بند ۷ ماده ۲ دخالت "در اموری که به صلاحیت دولت‌ها مربوط می‌شود" را منع می‌کند. در نتیجه یک بحث قدیمی در جامعه بین‌المللی در این زمینه وجود دارد، میان کسانی که بر حق مداخله در مصیبت‌های ناشی از عوامل انسانی اصرار دارند و کسانی که استدلال می‌کنند شورای امنیت با توجه به فصل هفتم منشور در راستای حفظ و احیای امنیت بین‌المللی از اقدام قهری در مقابل حاکمیت دولت‌ها برای هر چیزی که در درون مرزهای آنها اتفاق می‌افتد، ممنوع است.

۲۰۰- به موجب کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت ژنوسید (کنوانسیون ژنوسید) کشورها توافق کردند که ژنوسید را چه در زمان صلح و چه در هنگام جنگ ارتکاب یابد، جنایتی طبق حقوق بین‌الملل بشناسند که آنها متعهدند از آن پیشگیری کرده و عاملین آن را مجازات کنند. این امر از آنجاست که استنباط شده ژنوسید در هر کجا تهدیدی نسبت به امنیت همگان است و نباید با آن مدارا کرد. اصل عدم مداخله در امور داخلی نمی‌تواند در مورد حمایت از اقدامات ژنوسید یا سایر فجایع نظیر نقض گسترده حقوق بشر دوستانه بین‌المللی یا پاکسازی قومی در حد وسیع که می‌تواند بدرستی تهدیدی نسبت به امنیت بین‌المللی محسوب شود و اقدام شورای امنیت را برانگیزد مورد استناد واقع شود.

۲۰۱- فجایع بشر دوستانه پی‌درپی در سومالی، بوسنی و هرزگوین، رواندا، کوزوو و اکنون دارفور سودان نظرها را نه به مصونیت دولت‌های حاکم بلکه به مسئولیت آنها نسبت به مردم خود و جامعه بین‌المللی جلب کرده است. شناسایی روزافزونی در این خصوص وجود دارد که این مسأله "حق مداخله" در هیچ کشوری نیست بلکه "مسئولیت حمایت" از هر کشوری در قبال رنج مردم از مصیبت‌های اجتناب‌پذیر است قتل و تجاوز جنسی گسترده، پاکسازی قومی با ترور و اخراج اجباری و گرسنگی عمدی و در معرض بیماری قرار دادن. پذیرش رو به رشدی وجود دارد در این خصوص که وقتی دولت‌های حاکم، مسئولیت اولیه در حمایت از شهروندان خود را بر عهده دارند پس این مسئولیت باید به طریق اولی توسط جامعه بین‌المللی هم ایفا گردد البته وقتی دولت‌ها توانایی انجام این حمایت را نداشته و یا تمایلی به انجام آن نداشته باشند. به

همراه آن، گستره ای از یکسری فعالیت‌های پیشگیرانه از جمله واکنش در برابر خشونت در صورت لزوم و بازسازی جوامع آشوب زده مطرح می‌شود. کمک در جهت توقف خشونت باید از طریق میانجی‌گری و یا روش‌های دیگر و حفاظت از مردم از طریق اقداماتی چون اعزام هیات‌های بشردوستانه، حقوق بشری و پلیس صورت پذیرد. نیروی قهریه در صورت ضرورت باید بعنوان آخرین حربه استفاده شود.

۲۰۲- شورای امنیت تا به حال نه تنها بصورت مستمر و مؤثر در پرداختن به این موارد عمل نکرده بلکه خیلی از اوقات، دیر هنگام و با تعلل عمل کرده یا اصلاً کاری انجام نداده است. ولی قدم به قدم، شورا و جامعه بین‌المللی کنار آمده‌اند که طبق فصل هفتم منشور و در راستای ظهور هنجار مسئولیت بین‌المللی جمعی در حمایت، همواره اقدام نظامی برای جبران اشتباهات داخلی فاجعه آمیز در صورتی که آمادگی اعلام وضعیت "بعنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی" را داشته قابل تجویز است، خصوصاً هنگامی که نقض حقوق بین‌الملل صورت گرفته باشد، این امر، دشوار نیست.

۲۰۳- ما پیدایش هنجاری که مبتنی بر مسئولیت جمعی بین‌المللی در حمایت است را که بر اساس آن، شورای امنیت می‌تواند مداخله نظامی را بعنوان آخرین حربه در وقایع مربوط به ژنوسید(نسل‌کشی) و سایر موارد کشتار گسترده، پاکسازی قومی و نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی که دولت‌های حاکم نمی‌توانند یا قادر نیستند از رخداد آن پیشگیری کنند تأیید می‌کنیم.

ب- مسأله مشروعیت

۲۰۴- کارآیی نظام امنیت جمعی جهانی، همچون هر نظام حقوقی دیگر، نهایتاً تنها به قانونی بودن تصمیمات بستگی نداشته بلکه در گرو تصور مشترک از مشروعیت آن تصمیمات از جمله متکی بودن تصمیمات بر شواهد محکم و پایه‌های درست اخلاقی و قانونی هم هست.

۲۰۵- اگر شورای امنیت بدنبال کسب احترامی در خور نهاد اولیه نظام امنیت جمعی است، این نکته حائز اهمیت است که مهم‌ترین و نافذترین تصمیمات که دارای اثر مرگ و زندگی در سطح وسیع است، بهتر اتخاذ شده، بهتر تأیید شده و بهتر منتشر شوند. بویژه، در هنگامی که شورا درصدد اتخاذ تصمیم برای اعطا یا عدم اعطای مجوز توسل به زور است. شورا باید مجموعه‌ای از رهنمودهای مورد توافق را تصویب کرده، بصورت منظم مورد نظر قرار دهد بگونه‌ای که بصورت مستقیم، قانونی بودن استفاده از نیروی قهری را مد نظر قرار ندهد بلکه بررسی کند که آیا این امر به آن شکلی که باید باشد بر اساس وجدان و عقل سلیم است.

۲۰۶- رهنمودهایی که ما پیشنهاد می‌کنیم الزاماً به نتایج مورد تفاهم تضمینی منتهی نمی‌شوند. تصویب آنها برای تضمین نیل به بهترین نتایج نیست بلکه امکان دستیابی به اجماع شورای امنیت در خصوص زمان استفاده از قوای قهریه از جمله نیروی نظامی افزایش یافته، افزایش حمایت بین‌المللی از تصمیمات متخذه شورای امنیت رشد می‌کند و امکان دور زدن شورای امنیت توسط تک تک کشورها کم می‌شود.

۲۰۷- شورای امنیت در بررسی اینکه استفاده از نیروی نظامی را تجویز کند یا تأیید کند هرچند که ممکن است ملاحظات دیگری هم داشته باشد اما باید همیشه حداقل این پنج شاخص پایه‌ای مشروعیت را مورد توجه قرار دهد:

الف - جدی بودن تهدید، آیا صدمه، تهدید کننده کشور یا امنیت انسانی است و به اندازه کافی روشن و جدی برای توجیه به حق بودن استفاده از نیروی نظامی هست؟ در مورد تهدیدهای داخلی، آیا این تهدیدات ژنوسید(نسل‌کشی) و کشتارهای گسترده، پاکسازی قومی و یا نقض جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی را بگونه‌ای که واقعی و مورد قبول باشد دربرمی‌گیرد؟

ب - هدف مقتضی. آیا روشن است که هدف اولیه از پیشنهاد اقدام نظامی علیرغم وجود اهداف و انگیزه‌های دیگر، متوقف ساختن یا جلوگیری از تهدید مورد نظر است؟

ج - آخرین ابزار. آیا همه گزینه‌های غیرنظامی دیگر برای مواجهه با این تهدید مورد نظر با مبانی معقول

برای باور اینکه تدابیر دیگر پیش نخواهد رفت، بررسی شده‌اند؟

د- ابزار متناسب، آیا سطح، مدت و شدت اقدام نظامی پیشنهادی، حداقل لازم برای مواجهه با تهدید مورد نظر است؟

ه - توازن پیامدها، آیا احتمال منطقی برای این امر که در صورت موفقیت اقدام نظامی برای مواجهه با تهدید مورد نظر، پیامدهای این عمل، بدتر از پیامدهای عدم انجام این اقدامات نباشند، وجود دارد؟
۲۰۸- رهنمودهای فوق در تجویز استفاده از زور باید در قطعنامه‌های اعلامی شورای امنیت و مجمع عمومی بیان شوند.

۲۰۹- ما همچنین بر این باوریم که اگر یکایک کشورهای عضو سازمان ملل، خواه عضو شورای امنیت باشند یا نباشند، نسبت به این قطعنامه‌ها موافقت خود را اعلام کنند، امر ارزشمندی خواهد بود.

۱۰- اجرای صلح و قابلیت حفظ صلح

۲۱۰- هنگامی که شورا تصمیم می‌گیرد که زور باید تجویز شود، سؤالاتی درباره قابلیت‌ها و نحوه اجرای این تصمیم نیز مطرح می‌شود. در سال‌های اخیر، تصمیمات تجویز نیروی نظامی با اهداف اجرای صلح در وهله اول به نیروهای چند ملیتی واگذار شده است. حافظان صلح کلاه آبی با یونیفرم سازمان ملل متحد و تحت فرماندهی مستقیم سازمان، بدنبال اعلام رضایت گروه‌های درگیر به منظور کمک به اجرای توافقنامه صلح یا کنترل خطوط آتش بس بعد از جنگ، بارها بکار گرفته شده‌اند.

۲۱۱- بحث بر سر قابلیت‌های لازم با گرایش به رجوع به هیات‌های اعزامی حفظ صلح آنگونه که در فصل هفتم مذکور افتاده و هیات‌های اعزامی اجرای صلح به ترتیبی که در فصل ذکر شده به این معنی که به ترتیب مبتنی بر رضایت و مبتنی بر اجبار هستند، مغشوش شده است. این مطالب غالباً در مأموریت که برای اهدافی غیر از دفاع مشروع به زور مرگبار متوسل نمی‌شوند و مأموریت که از این زور استفاده می‌کنند بکار می‌رود.

۲۱۲- هر دو ویژگی، تا حدی گمراه کننده است. بین عملیاتی که استفاده از نیروی نظامی، بخش جدایی‌ناپذیر مأموریت است (مثل پاسخ به تهاجمات مرزی یا خشونت به ترتیبی که در رویه اخیر از اختیارات نیروهای نظامی چندملیتی است) و همچنین عملیاتی که در آنها توقع منطقی عدم نیاز به نیروی نظامی وجود دارد (بعنوان مثال، کنترل مأموریت‌های حفظ صلح به سبک قدیم و یا مساعدت‌های مربوط به اجرای توافقنامه‌های صلح، جایی که کلاه آبی‌ها هنوز حضور دارند) تمایز و تفاوت وجود دارد.

۲۱۳- ولی هر دو نوع عملیات نیازمند تجویز شورای امنیت (موارد غیر از دفاع مشروع ماده ۵۱) است و در موارد حفظ صلح به همان اندازه موارد اجرای صلح اکنون طبق رویه معمول در مورد فصل هفتم اجرا می‌گردند. (حتی اگر مورد استقبال نیروهای مشارکت کننده قرار نگیرند). این موضوع بر این اساس ذکر می‌شود که حتی مساعدترین محیط می‌تواند نامساعد شده و دستاوردهای جنگ برای صدمه زدن به موافقتنامه‌های صلح نمایان شوند و شهروندان را دچار مخاطره کنند و در صورت لزوم، قابلیت و صلاحیت مأموریت برای پاسخ توسط نیروی نظامی، پسندیده جلوه می‌کند. از سوی دیگر، تفاوت بین دستورات فصل ششم و هفتم می‌تواند اغراق آمیز باشد: تردید کمی وجود دارد که استفاده مأموریت‌های حفظ صلح بموجب فصل ششم (و لذا عملیات بدون اختیارات اجرایی) از نیروی نظامی در امر دفاع مشروع باشد و این حق بعنوان دفاع از مأموریت محسوب گردد.

۲۱۴- چالش واقعی در آرایش نظامی نیروها با هر وضعیتی از نظر ایفای نقش، به منظور کسب اطمینان از این است که: الف - یک فرمان مناسب، روشن و قابل فهم که تغییر مقتضیاتی که می‌باید بطور منطقی تصور کرد، قابل اجرا بوده و ب - تمام منابع لازم برای اجرای کامل فرمان در اختیار باشد.

۲۱۵- تقاضا برای کارکنان مأموریت‌های اجرای تمام و کمال صلح و مأموریت‌های حفظ صلح همچنان از اعزام این نیروها بیشتر است. در پایان سال ۲۰۰۴ بیش از ۶۰ هزار نیروی حافظ صلح در ۱۶ مأموریت در سراسر دنیا بکار گرفته شده‌اند. اگر تلاش‌های بین‌المللی برای خاتمه جنگ‌های طولانی در آفریقا در

مسیر خود باقی بماند، شمار نیروهای حافظ صلح مورد نیاز بزودی زیاد خواهد شد. شرایط عدم افزایش متناسب کارکنان موجود، مربوط به حفظ صلح ملل متحد، بعضی از بدترین خطاهای خود در سال ۱۹۹۰ را دوباره تکرار می‌کند.

۲۱۶- در حال حاضر، مجموع عرضه جهانی کارکنان به دو علت محدود می‌شود. یکی این حقیقت که نیروهای مسلح خیلی از کشورها برای وظایف جنگ سرد آرایش داده شده‌اند و کمتر از ۱۰ درصد آنها در هر زمان در یونیفرم می‌توانند برای اعزام آماده باشند و دیگری آنکه ملت‌های محدودی قابلیت کافی حمل و نقل و لجستیک برای حرکت و اعزام کارکنانی که آماده هستند در اختیار دارند. برای حفظ صلح و در موارد شدیدتر، اجرای صلح، به منظور استقرار آن بعنوان ابزاری مؤثر و قابل قبول برای تامین امنیت، در دسترس بودن نیروهای حافظ صلح باید زیاد شود. کشورهای توسعه یافته در اینجا از مسئولی‌های ویژه‌ای برخوردارند و باید کارهای بیشتری را جهت انتقال قابلیت‌های نیروی موجود خود به گروه‌های اعزامی مناسب عملیات صلح انجام دهند.

۲۱۷- پاسخ فوری و مؤثر به چالش‌های امروزی، قابلیت‌ی وابسته را برای اعزام سریع کارکنان و تجهیزات حفظ صلح و اجرای قانون می‌طلبد. کشورهایی که ظرفیت‌های باربری هوایی یا دریایی منطقه‌ای یا جهانی دارند باید این قابلیت‌ها را در دسترس ملل متحد قرار دهند و نیز استفاده از این ظرفیت‌ها را با رایگان و یا با قیمت مناسب طی مذاکره با سازمان ملل در دسترس قرار دهند.

۲۱۸- دولت‌های عضو باید با قدرت از تلاش‌های بخش عملیات حفظ صلح دبیرخانه ملل متحد براساس اهمیت کار "هیأت عملیات صلح سازمان ملل" (بینید S/۲۰۰۰/۸۰۹ - A/۵۵/۳۰۵) در جهت بهبود استفاده استراتژیک استقرار و آرایش ذخایر، ترتیبات مربوط به آماده باش، صندوق‌های امانی و دیگر سازوکارهای مربوط به مواجهه با ضرب‌الاجل لازم برای استقرار مؤثر حمایت بعمل آورند.

۲۱۹- با این حال، بعید است که تقاضا برای اقدام، تنها از طریق سازوکارهای سازمان ملل صورت گیرد. ما از تصمیم اتحادیه اروپایی مبنی بر تأسیس ارتشی آماده و خودکفا که می‌تواند مأموریت‌های ملل متحد را بر عهده بگیرد، استقبال می‌کنیم. دیگران با ظرفیت‌های پیشرفته نظامی باید برای توسعه ظرفیت‌های مشابه تا سطح تیب و قرار دادن آنها در اختیار و دسترسی سازمان ملل مورد تشویق قرار گیرند.

همکاری منطقه‌ای

۲۲۰- از نیمه دهه ۱۹۹۰، گزایشی به سمت تنوع مأموریت‌های حفظ صلح منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای بوجود آمده است. این گزایش، دلالت بر توسعه ظرفیت منطقه‌ای دارد که مخاطب آن، کمبود نیروهای حافظ صلح است و باید، توانایی سازمان ملل فزونی یابد نه کم شود تا پاسخگوی درخواست کلاه آبی‌های ملل متحد باشد. این امر، چالشی را برای شورای امنیت و سازمان‌های منطقه‌ای برای فعالیت تنگ‌انگ با یکدیگر و حمایت متقابل از تلاش‌های همدیگر برای حفظ صلح و تضمین اینکه عملیات منطقه‌ای پاسخگوی قواعد مورد قبول جهانی حقوق بشر هستند، نشان می‌دهد. ما این مسأله را در بخش چهار زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱۱- نهادینه‌سازی صلح پس از مناقشه

الف- نقش حافظین صلح

۲۲۱- اغلب لازم است که پس از مناقشه میان طرف‌های درگیر، اعتماد سازی کرده و برای مردم عادی که در تلاش برای ساخت مجدد زندگی و اجتماع خود هستند، امنیت بوجود آورد. میانجی‌گیری و اجرای موفق یک موافقتنامه صلح به رفع چرخه‌های طولانی مدت خشونت که خیلی از کشورهای متأثر از جنگ را در برگرفته امید می‌دهد. منابع صرف شده در خصوص اجرای موافقتنامه‌های صلح و نهادینه سازی صلح، یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌هایی است که می‌تواند برای پیشگیری از جنگ انجام گیرد و کشورهایی که جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند با خطر بالای بازگشت به مخاصمه روبرو هستند.

۲۲۲- اجرای موافقتنامه‌های صلح جهت خاتمه دادن به جنگ‌های داخلی، چالش‌های منحصر بفردی را برای حافظان صلح به نمایش می‌گذارد. برخلاف جنگ‌های میان کشورها، در جنگ‌های داخلی، ایجاد صلح، مستلزم غلبه بر بحران‌های امنیتی است. خرابکارانی که موافقتنامه صلح را با منافع، قدرت و ایدئولوژی خود در تضاد می‌بینند، با بکارگیری خشونت، خواهان ممانعت و پیشگیری از حل مسایل هستند، اما هنگامی که منابع و استراتژی‌های پیش‌بینی شده، متناسب با چالش‌های احتمالی نباشد، حفظ صلح با پیروزی همراه نخواهد بود. چنانچه مکرراً در دهه ۱۹۹۰ این ماجرا رخ داده که به عنوان مثال می‌توان از رواندا و سیرالئون نام برد. هنگامی که عملیات حفظ صلح برای اجرای موافقتنامه‌های صلح به اجرا درمی‌آید، نیروهای حافظ صلح باید به منظور مقابله با نیروهای مخرب، مجهز باشند. برنامه‌های پیشگیرانه برای پاسخگویی به عملیات تخصصی نیروهای مخالف باید بخش جدایی ناپذیر طراحی مأموریت باشد. واحدهایی که دارای نیروی نظامی کافی جهت مقابله با تهاجمات نیستند در واقع، مخالفین را به تهاجم دعوت می‌کنند. در بعضی مواقع، مخالفت با یک موافقتنامه صلح، تاکتیکی نبوده بلکه اساسی و بنیادی است. باید این درس را فراگیریم که موافقتنامه صلح منعقد توسط دولت‌ها یا شورشیانی که درگیر یا مشوق نقض گسترده حقوق بشر هستند، بی ارزش بوده و اجرا شدنی نیست. دبیرکل باید توصیه کند و شورای امنیت باید مجوز نیروهای لازم را صادر کند تا با اقدامات خصمانه مقابله شده و از اینگونه اقدامات پیشگیری شود.

۲۲۳- اغلب وضعیت‌های حفظ صلح، سیاستگذاری و سایر عملکردهای قانونی و مقرراتی را طلب می‌کند و استقرار کند واحدهای پلیس به عملیات بعدی آسیب رسانده است. سازمان ملل متحد باید یک واحد کوچک از افسران ارشد و مدیرانی را دارا باشد (بین ۵۰ تا ۱۰۰ کارمند) که بتوانند ارزیابی مأموریت‌ها و سازماندهی، آغاز بکار واحدهای پلیس را در عملیات صلح بر عهده گیرند و مجمع عمومی باید این مجوز را صادر کند.

ب - وظیفه بزرگتر نهادینه‌سازی صلح

۲۲۴- ممکن است استقرار نیروهای انتظامی و حافظ صلح جهت خاتمه مخاصمات ضروری باشد اما برای بهبود وضعیت (و بازگشت به حالت عادی) در بلند مدت کافی نیست. توجه جدی به فرآیند بلند مدت تر نهادینه سازی صلح در تمام ابعاد چندجانبه آن ضروری است. کوتاهی در سرمایه‌گذاری کافی برای حفظ صلح می‌تواند موجب افزایش مواردی شود که دوباره یک کشور را به حالت متخاصم بازگرداند.

۲۲۵- در هر دو حالت قبل از وقوع جنگ داخلی و دوران انتقالی برای خاتمه جنگ، سازمان ملل متحد و نه جامعه بین‌المللی از جمله نهادهای مالی بین‌المللی برای کمک به کشورها در تلاش برای نهادینه سازی صلح به خوبی سازماندهی نشده‌اند. هنگامی که حافظین صلح، کشوری را ترک می‌گویند، صفحه رادار شورای امنیت خاموش می‌شود. در حالی که شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیته‌های موقتی متعددی را جهت پرداختن به موارد معینی ایجاد کرده، این امر ثابت شده که نتایج بدست آمده از فعالیت آنها متفاوت بوده و حتی طرفداران این کمیته‌ها تأیید می‌کنند که در ایجاد منابع مالی ضروری برای کمک به دوران‌های انتقالی شکنده، موفق نبوده‌اند، آنچه مورد نیاز است، رکن بین‌الدولی مجزایی است که اختصاص به نهادینه سازی صلح داشته، اختیار نظارت پیدا کرده و توجه نزدیک به کشورهایی داشته باشد که در خطرند و اقدامات منسجم توسط کمک‌کنندگان، آژانس‌ها، برنامه‌ها و نهادهای مالی را تضمین کند و منابع مالی را برای صلح پایدار همراه سازد. ما این نیاز را در بخش چهارم زیر بررسی می‌کنیم.

۲۲۶- به همین ترتیب در عرصه عملیات، بسیاری از عناصر مختلف نظام ملل متحد و نیز در سطح وسیع‌تر، جامعه بین‌المللی، بسیار کند و بدون هماهنگی لازم در این امر، فعالند. هماهنگی مؤثر ضروری بوده و مقامات ملی باید در قلب و مرکز این فعالیت هماهنگ کننده قرار گرفته و مورد حمایت کامل

سازمان ملل متحد و نمایندگان جامعه بین‌المللی حاضر در صحنه قرارگیرند. سازوکارهای مؤثر هماهنگ کننده کمک‌های مالی و هماهنگ کننده سازمان ملل متحد (نماینده ویژه دبیرکل یا هماهنگ کننده مقیم) که نمایندگی صندوق های سازمان ملل را دارا باشد، برنامه‌ها و نیز سازمان‌های تخصصی، ارزش خود را جهت تضمین ایجاد صلح مؤثر به اثبات رسانده‌اند. **نمایندگان ویژه باید دارای اختیار و دستورالعمل برای همکاری با طرف های مربوطه جهت استقرار چنین سازوکارهایی بوده و نیز باید از منابع مالی لازم برای انجام این هماهنگی های مؤثر برخوردار باشند از جمله آنکه قادر به تضمین هماهنگی و موافقت ارزیابی ها و فعالیت‌های سازمان ملل با اولویت دولت باشند.**

۲۲۷- با توجه به آنکه می‌توان توقع داشت که خیلی از عملیات صلح با کمبود منابع مالی مواجه شوند، استفاده مؤثر از منابع مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. رفع بسیج جنگجویان به تنهایی، مهم‌ترین شاخص تعیین کننده میزان موفقیت عملیات حفظ صلح است. بدون رفع بسیج، جنگ‌های داخلی خاتمه نمی‌یابد و سایر اهداف ضروری (نظیر دموکراسی، عدالت و توسعه) شانس کمی برای تحقق خواهند داشت. مع هذا در بسیاری از موارد، رفع بسیج منطبق با اولویت کمک کنندگان نمی‌باشد. هنگامی که عملیات صلح ملل متحد صورت می‌گیرد باید منابع مالی جهت رفع بسیج و خلع سلاح جنگجویان اختصاص یابد. این وظایف باید تحت بودجه تعیین شده عملیات حفظ صلح ملل متحد و زیر نظر رئیس مأموریت لحاظ شود. **شورای امنیت باید دستور لازم و مجمع عمومی باید مجوز مورد نظر را برای تامین منابع لازم جهت خلع سلاح و برنامه‌های رفع بسیج از بودجه‌های در نظر گرفته شده، صادر کنند.**

۲۲۸- ولی این برنامه‌ها بدون تأمین منابع برای استقرار مجدد و توانبخشی، غیر مؤثر خواهد بود. قصور در اجرای موفق این برنامه‌ها منجر به بیکاری جوانان و دامن زدن به توسعه باندهای تبهکار و خشونت و نهایتاً بازگشت به درگیری خواهد شد. **باید صندوقی دائمی برای نهادینه‌سازی صلح در سطح حداقل ۲۵۰ میلیون دلار که بتواند برای تأمین مالی هزینه های دولت تازه تأسیس و همین طور برنامه‌های اساسی آژانس در زمینه های توانبخشی و استقرار مجدد مورد استفاده قرار گیرد، تأسیس شود.**

۲۲۹- در کنار ایجاد امنیت، وظیفه اصلی نهادینه‌سازی صلح، ایجاد نهادهای عمومی مؤثری است که از طریق مذاکرات با جامعه مدنی بتواند چارچوبی مورد اجماع برای حکومت بر اساس حاکمیت قانون پدید آورد. سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً ارزان در امنیت مدنی از طریق پلیس، اصلاحات قضایی و حاکمیت قانون، ظرفیت‌سازی محلی حقوق بشر و آشتی ملی و ظرفیت سازی بخش ارائه خدمات عمومی می‌تواند در بلندمدت، نهادینه‌سازی صلح را منتفع سازد. این امر باید در خط مشی های سازمان ملل، نهادهای مالی بین‌المللی و کمک‌کنندگان منعکس شده و در سیاست‌گذاری و تأمین مالی بلند مدت بدان اولویت بخشد.

۲۳۰- برای پرداختن به این وظیفه، نمایندگی‌های محلی سازمان ملل (شامل رؤسای عملیات حفظ صلح) نیازمند حمایت و پشتیبانی لازم درخصوص ابعاد گسترده‌تری از راهبردهای نهادینه‌سازی به‌ویژه در زمینه حاکمیت قانون هستند. ایجاد دفتر حمایت از نهادینه‌سازی صلح (بخش چهار را در زیر ببینید) به این نیاز خواهد پرداخت.

۱۲- حمایت از غیرنظامیان

۲۳۱- در بسیاری از جنگ‌های داخلی، جنگجویان، افراد غیرنظامی و کارگران امدادی را بدون اغماض مورد هدف قرار می‌دهند. ورای خشونت مستقیم، مرگ ناشی از گرسنگی، بیماری و فروپاشی بهداشت عمومی، تعداد کشته‌شدگان ناشی از گلوله و بمب را کم جلوه می‌دهد. بیش از میلیون‌ها نفر در داخل و در طول مرزها آواره‌اند. سوءاستفاده از حقوق بشر و خشونت جنسیتی هم شایع است.

۲۳۲- بموجب حقوق بین‌الملل، مسئولیت اولیه در حمایت از غیرنظامیان در برابر رنج های ناشی از جنگ بر عهده متخاصمین یعنی کشور یا غیر کشور است. حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حمایت حداقل و قواعد

قابل اجرا بر اغلب افراد آسیب‌پذیر را در وضعیت منازعه مسلحانه شامل زنان، کودکان و آوارگان تأمین نموده و باید مورد مراعات قرار گیرد.

۲۳۳- تمام جنگجویان باید مقررات کنوانسیون‌های ژنو را مورد تبعیت قرار دهند. تمام دول عضو باید همه معاهدات مربوط به حمایت از غیرنظامیان نظیر کنوانسیون ژنوسید، کنوانسیون‌های ژنو، اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری و تمام کنوانسیون‌های مربوط به پناهندگان را امضاء، تصویب و عمل کنند.

۲۳۴- کمک‌های بشردوستانه، ابزاری حیاتی برای کمک به دولت‌ها در جهت ایفای این مسئولیت است. هدف اصلی آن، حمایت از قربانیان غیرنظامی، به حداقل رساندن رنج‌های آنها و حفظ جان آنان در جریان منازعه است، بگونه‌ای که در خاتمه جنگ، آنها فرصت بازسازی زندگی ویران شده خود را داشته باشند. ارائه کمک، بخشی ضروری از این تلاش به‌شمار می‌رود. کمک‌کنندگان باید به‌گونه‌ای کامل و برابر، حمایت بشردوستانه و عملیات امداد را به‌لحاظ مالی تأمین کنند.

۲۳۵- دبیرکل بر مبنای نقش خود در فعالیت بر عهده گرفته از سوی دفتر کمیساریای عالی پناهندگان و تلاش‌های حمایتی قوی سازمان‌های غیردولتی، برنامه عمل ده ماده‌ای در جهت حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه تهیه کرده است. این برنامه عمل دبیرکل باید توسط همه بازیگران یعنی دولت‌ها، سازمان‌ها غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی در تلاش‌های خود برای حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه مورد توجه قرار گیرد.

۲۳۶- در این برنامه عمل، توجه ویژه‌ای باید در خصوص مسأله دسترسی به غیرنظامیانی که معمولاً نادیده گرفته می‌شوند، مبذول گردد. کارکنان دفاتر بشردوستانه سازمان ملل و همچنین نمایندگی‌های حفظ صلح و سیاسی سازمان ملل باید به خوبی آموزش‌دیده و برای دسترسی مذاکره‌ای حمایت شوند. چنین تلاش‌هایی هم هماهنگی بهتر ابتکار عمل‌های دو جانبه را طلب می‌کند. شورای امنیت می‌تواند نمایندگی‌های محلی و سایر اقدامات دیپلماتیک را در جهت تقویت دسترسی به غیرنظامیان و حمایت از آنها بکار بندد.

۲۳۷- به‌طور خاص، نقض‌های فاحش نظیر آنچه هنگام نظامی‌کردن اردوگاه‌های پناهندگان توسط گروه‌های مسلح رخ می‌دهد، نیازمند واکنش مؤکد جامعه بین‌المللی شامل اقدام شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور است. هرچند شورای امنیت اذعان داشته که چنین اقداماتی تهدید نسبت به صلح و امنیت است، ظرفیت خود را گسترش نداده و اراده مقابله با این مشکل را از خود بروز نداده است. شورای امنیت باید قطعنامه ۱۲۶۵ مورخ ۱۹۹۹ در خصوص حمایت از غیرنظامیان را در درگیری‌های مسلحانه بطور کامل به اجرا درآورد.

۲۳۸- یکی از دغدغه‌های خاطر ویژه استفاده از خشونت جنسی بعنوان یک اسلحه درگیری است. به اجزای حقوق بشری عملیات حفظ صلح باید مأموریت‌های صریح و منابع کافی برای بررسی و ارائه گزارش در خصوص موارد نقض حقوق بشر زنان داده شود. قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت مورخ سال ۲۰۰۰ در خصوص زنان، صلح و امنیت و ارزیابی کارشناسان مستقل، پیوسته توصیه‌های مهم بیشتری برای حمایت از زنان ارائه می‌دهد. شورای امنیت، آژانس‌های سازمان ملل و دول عضو باید توصیه‌های قطعنامه ۱۳۲۵ را بطور کامل به اجرا درآورند.

امنیت کارکنان سازمان ملل متحد

۲۳۹- توانایی سازمان ملل در حمایت از غیرنظامیان و کمک به خاتمه درگیری، مستقیماً مربوط به امنیت کارکنان سازمان می‌شود که از اواسط دهه ۱۹۹۰ رو به تحلیل بوده است. سازمان ملل برای قادر بودن به حفظ حضور و اجرای عملیات بگونه‌ای ایمن و مؤثر نیازمند چهار عامل است: ظرفیت اجرای وظایف مأموریتی خود بطور کامل، رهایی از دخالت نابجای دول عضو در عملیات‌ها، رعایت کامل مقررات بی‌طرفی سازمان ملل توسط کارکنان و خدمات امنیتی حرفه‌ای با دسترسی به اطلاعات و ارزیابی تهدیدات کشورهای عضو. دبیرکل، ایجاد چنین خدماتی به رهبری یک مدیر که مستقیماً به وی گزارش می‌دهد را

توصیه کرده است. دول عضو باید از اراده امنیتی پیشنهادی بطور کامل حمایت و آن را از نظر مالی تغذیه کنند و برای مساعدت به دبیرکل در اجرای نظام امنیت کارکنان در سال ۲۰۰۵ اولویت بالایی قائل شوند.

بخش ۴

فصل چهارم

سازمان مللی کارآمدتر برای قرن بیست و یکم

۱۳- مجمع عمومی

۲۴۰- مجمع عمومی، اولین و مهم‌ترین (رکن بین‌المللی است که تقریباً نماینده تمامی دولت‌های جهان است. مشروعیت منحصر به فرد آن باید در جهت حرکت ما به سوی اجماعی جهانشمول در مورد مهم‌ترین موضوعات سیاسی فعلی بکار گرفته شود. ما نمی‌توانیم در اهمیت برگزاری سالان گفتگوهای کلی که در آنها نظریات همه دولت‌ها ارائه می‌شود و فرصتی بسیار مغنم را برای تشخیص نبض جامعه بین‌المللی فراهم می‌آورد، غلو نماییم. مجمع عمومی محفلی بسیار منحصر به فرد برای دستیابی به اجماع مهیا می‌سازد. اعضا باید این فرصت را که بواسطه اجلاس بازبینی هزاره در سال ۲۰۰۵ مهیا شده است برای دسترسی به اجماع وسیع‌تر برای امنیت جمعی کارآمدتر، استفاده کنند.

۲۴۱- کلیدها برای تقویت نقش مجمع عمومی عبارتند از تمرکز و ساختار. ظرفیت قاعده‌سازی آن، غالباً بخاطر مذاکرات جزئی یا موضوعات و حوادث جهان حقیقی، به هدر رفته است. ناتوانی آن در دستیابی به رأی کفایت مذاکرات در مورد موضوعات به وابستگی آن آسیب می‌رساند. دستورالعملی محدود و ایستا منجر به تکرار مذاکرات می‌شود. هر چند برخی از قطعنامه‌ها همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ و اعلامیه هزاره ملل متحد در سال ۲۰۰۰ بسیار حائز اهمیت هستند. بسیاری دیگر تکراری، نامفهوم یا غیرقابل اجرا می‌باشند، بنابراین اعتبار این رکن را کاهش می‌دهند. اما اصلاحات جزئی شکلی، مجمع عمومی را به نهادی مؤثر از آنچه در حال حاضر می‌باشد، بدل نمی‌کند. آن، تنها در صورتی قابل حصول است که اعضای آن عزمی پایدار برای پشت سر گذاشتن آنچه تا امروز صورت می‌داده‌اند، نشان دهند.

۲۴۲- دولت‌های عضو باید تلاش‌ها را برای توانمند کردن مجمع عمومی جهت اجرای کارکردهایش بعنوان عمده‌ترین رکن مشورتی ملل متحد از سرگیرند. این مستلزم مفهوم کردن و کوتاه‌سازی بهتر دستورالعمل است که باید منعکس‌کننده چالش‌هایی که امروز در برابر جامعه بین‌المللی قرار دارد، باشد. خلاصه اینکه، کمیته‌های نظارتی کوچک‌تر و متمرکزتر بیشتر می‌توانند به تشدید و بهبود قطعنامه‌هایی که به کل مجمع آورده می‌شوند، کمک کنند.

۲۴۳- ما اعتقاد داریم سازمان‌های جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند مهیاساز دانشی معتبر و چشم‌انداز‌هایی بر موضوعات جهانی باشند. ما بر توصیه گزارشی که اخیراً توسط هیأت افراد برجسته در مورد سازمان ملل متحد - ارتباطات جامعه مدنی - (بنگرید به A/58/817) صادر شده و اینکه مجمع عمومی باید نظام بهتری را برای همکاری با سازمان‌های جامعه مدنی احداث کند، تأکید می‌ورزیم.

۱۴- شورای امنیت

۲۴۴- بنیان‌گذاران ملل متحد اولین وظیفه‌ای را که به شورای امنیت اعطا کرده‌اند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. شورای امنیت طراحی شده است تا نهادی جهانی را برای اقدام قاطع برای جلوگیری و رفع تهدیدها میسر سازد. شورای امنیت ایجاد شد تا نه تنها یک نماینده باشد بلکه نهادی مسئول باشد، نهادی که برای اقدامات قاطع ظرفیت داشت. پنج عضو دائم دارای حق وتو شدند اما همچنین از آنها انتظار می‌رفت تا باری گزاف راجهت ترویج امنیت جمعی به دوش گیرند. ماده ۲۳ منشور ملل متحد مقرر ساخته است که

عضویت در شورا به طور کلی، آشکارا تنها به توازن جغرافیایی مربوط نمی باشد بلکه همچنین به معاضدت در حفظ صلح و امنیت مربوط است.

۲۴۵- از زمان تشکیل شورا، تهدیدها و چالش های صلح و امنیت بین المللی متحول شده اند، همانگونه که توزیع قدرت میان اعضا تغییر کرده است. اما شورای امنیت در تحول آرام بوده است. تصمیمات، تنها نمی توانند توسط اعضای شورای امنیت اجرا شوند بلکه مستلزم ارتشی مفصل و مداخله مالی و سیاسی سایر اعضا است. تصمیمات متخذه و احکام صادره، اغلب فاقد عناصر واقع گرایی، منابع مکفی و عزم سیاسی برای تحقق آنها بوده اند. دبیرکل مکرراً برای اعمال تصمیمات شورای امنیت، کاسه ی گدایی به دست گرفته است. بعلاوه، قلت حضور گسترده اعضا از میزان حمایت از تصمیمات شورای امنیت می کاهد.

۲۴۶- از زمان پایان جنگ سرد، کارآیی شورا همانند عزم آن برای اجرا و اقدام بهبود یافته اما همیشه در اقداماتش منصف نبوده است. همچنین شورای امنیت در مواجهه با ژنوسید [کشتار جمعی] یا سایر قساوت هایی مداوم یا تاثیر گذار نبوده است. این امر به میزان اعتبار شورا آسیب زده است. معاضدت های مالی و نظامی به ملل متحد از طرف برخی از پنج عضو دائم غالباً با مقام ویژه آنها مقایسه می شود و غالباً اعضای غیر دائم شورا قادر نبوده اند تا در اعمال سازمان که در منشور پیش بینی شده مشارکت ضروری نمایند. حتی خارج از اعمال وتوی رسمی، قدرت پنج عضو دائم در دور نگه داشتن موضوعات مهم مربوط به صلح و امنیت بین المللی از دستور جلسات شورا، اطمینان به کار این نهاد را تضعیف می کند.

۲۴۷- تجارب اخیر همچنین نشان می دهند که شورای امنیت در سازمان ملل متحد نهادی است که بیشترین توانایی را برای ساماندهی اقدامات و پاسخدهی سریع در مقابل تهدیدات نوین دارا است.

۲۴۸- بنابر این، چالش برای هرگونه اصلاحی برای افزایش کارآمدی و اعتبار شورای امنیت و مهم تر از آن، برای افزایش ظرفیت و عزم شورا برای اقدام در مقابل تهدیدات است. این مستلزم مشارکت بیشتر در تصمیم گیری شورای امنیت توسط آنهایی است که معاضدت بیشتری می نمایند. مشارکت ها بیشتر از طرف آنهایی که مقام ویژه تصمیم سازی دارند و مشاوره بیشتر با آنهایی که باید تصمیمات شورا را انجام دهند. این امر، همچنین نیازمند اجماعی منسجم و قاطع بر ماهیت تهدیدات امروز، بر تعهدات امنیت جمعی، بر ضرورت پیشگیری و بر اینکه چه زمانی و به چه علتی شورا باید توسل به زور را مجاز دارد، است.

۲۴۹- ما اعتقاد داریم اصلاحات شورای امنیت باید مطابق اصول ذیل باشد:

الف - باید با تکریم ماده ۲۳ منشور ملل متحد، مداخله آنانی که ملل متحد را بیشتر در امور مالی، نظامی و دیپلماسی یاری می دهند به ویژه درخصوص معاضدتهایی که به سازمان ملل در موارد بودجه ای، اجرای عملیات صلح، مشارکت در عملیات داوطلبانه ملل متحد در حوزه های امنیت و توسعه و اقدامات دیپلماتیک در حمایت از اهداف و دستورات ملل متحد، اعطا می شود، افزایش یابد. در میان کشورهای توسعه یافته، دستیابی یا حصول روند پایدار درخصوص میزان ۰/۷ درصدی مورد توافق بین المللی از تولید ناخالص ملی برای کمک های توسعه ای رسمی باید معیار مهمی از معاضدت تلقی شود.

ب - اصلاحات باید برای گسترش عضویت، کشورهای بیشتری را در روند اتخاذ تصمیم، به ویژه از جهان در حال توسعه وارد نماید.

ج - اصلاحات نباید به کارآمدی شورای امنیت خلل وارد کنند.

د - اصلاحات باید ماهیت دموکراتیک و پاسخگویی شورا را افزایش دهند.

۲۵۰- هیأت معتقد است تصمیم در خصوص بزرگ کردن شورای امنیت که تأمین کننده این معیارهاست، امروز یک ضرورت است. ارائه دو راهکار کاملاً معین به گونه ای که در زیر به صورت مدل های الف و ب شرح داده شده است باید به روشن شدن - شاید منجر به راه حلی شود - بحثی که در ۱۲ سال اخیر

پیشرفت اندکی را به همراه داشته، کمک کند.

۲۵۱- مدل‌های الف و ب هر دو در برگزیده معاضدتی میان چهار منطقه اصلی است که ما آنها را به ترتیب "آفریقا"، "آسیا پاسیفیک"، "اروپا" و "آمریکا" شناسایی می‌کنیم. ما این اوصاف را برای اتخاذ راهبردی اجرای احکام در مورد ترکیب شورای امنیت، مفید می‌بینیم، اما هیچ توصیه‌ای درخصوص تغییر ترکیب فعلی گروه‌های منطقه‌ای برای انتخابات عمومی و سایر اهداف ملل متحد ارائه نمی‌دهیم. برخی از اعضای هیأت، به‌خصوص همکاران ما از آمریکای لاتین، اولویتی را برای تثبیت هرگونه توزیع کرسی‌ها بر گروه‌های منطقه‌ای فعلی، ابراز داشتند.

۲۵۲- مدل الف برای شش کرسی دائم جدید بدون حق وتو و سه کرسی دو ساله غیردائم جدید که به شکل زیر ما بین گروه‌های منطقه‌ای فعلی می‌باشد طراحی شده است.

منطقه	تعداد دولت‌ها	کرسی‌های دائم	کرسی‌های دائم پیشنهادی	کرسی‌های دوساله پیشنهادی	جمع
آفریقا	۵۳	۰	۲	۴	۶
آسیا پاسیفیک	۵۶	۱	۲	۳	۶
اروپا	۴۷	۳	۱	۲	۶
آمریکا	۳۵	۱	۱	۴	۶
جمع مدل الف	۱۹۱	۵	۶	۱۳	۲۴

۲۵۳- مدل ب هیچ کرسی دائم جدیدی را پیشنهاد نمی‌کند اما یک دسته جدید از کرسی‌های ۴ ساله قابل تمدید و یک کرسی جدید دو ساله غیردائم غیرقابل تمدید که میان گروه‌های منطقه‌ای اصلی است به شرح زیر ارائه می‌دهد.

منطقه	تعداد دولت‌ها	کرسی‌های دائم	کرسی‌های ۴ ساله قابل تمدید	کرسی‌های دوساله پیشنهادی	جمع
آفریقا	۵۳	۰	۲	۴	۶
آسیا پاسیفیک	۵۶	۱	۲	۳	۶
اروپا	۴۷	۳	۲	۱	۶
آمریکا	۳۵	۱	۲	۳	۶
جمع مدل ب	۱۹۱	۵	۸	۱۱	۲۴

۲۵۴- در هر دو مدل، با توجه به ماده ی ۲۳ منشور ملل متحد، با توجه به رویه ایجاد شده مشاوره‌های منطقه‌ای، برای انتخاب اعضای شورای امنیت با رجحان کرسی دائم یا طویل‌المدت برای دولت‌هایی که در بین سه تأمین‌کننده مالی عمده در بودجه منظم یا سه تأمین‌کننده عمده اقدامات داوطلبانه یا سه تأمین‌کننده عمده سربازان عملیات حفظ صلح ملل متحد در منطقه خود باشند، روشی برای ترغیب دولت‌های عضو در مشارکت بیشتر برای صلح و امنیت بین‌الملل در مجمع عمومی به‌کار گرفته شده است.

۲۵۵- هیأت به شدت بر این نظر بود که هیچ تغییری در ترکیب شورای امنیت نباید خود، در آینده به گونه دائم و غیر قابل چالش تلقی شود. بنابر این باید در سال ۲۰۲۰ در مورد ترکیب شورای امنیت شامل مشارکت (همانگونه که در پاراگراف ۲۴۹ آمده است) اعضای دائم و غیردائم از نقطه نظر کارآمدی شورا در بکارگیری اقدام جمعی برای پیشگیری و رفع تهدیدهای جدید و قدیم علیه صلح و امنیت بین‌المللی، بازنگری صورت گیرد.

۲۵۶- هیچ کدام از مدل‌ها شامل گسترش حق وتو یا اصلاحی در منشور در خصوص اختیارات فعلی

شورای امنیت نیستند. ما بر این تلقی بودیم که وتو کارکرد مهمی در مطمئن ساختن اعضای قدرتمندتر ملل متحد در خصوص اینکه منافع آنها محافظت خواهد شد، داشته است. ما راه اجرایی برای تغییر حق وتوی اعضای حاضر ندیدیم. بنیاد وتو بطور کلی، ویژگی بی قاعدگی زمانی دارد که برای نهادی در دورانی دموکراتیک نامناسب است و ما خواستار آن هستیم که استفاده از آن به مواردی که منافع مادی به واقع در نابودی باشند محدود شود. ما همچنان از دولت‌های عضو دائم می‌خواهیم با توجه به ظرفیت‌های شخصی، خود را متعهد نمایند که در استفاده از حق وتو در موارد ژنوسید و نقض گسترده حقوق بشر خودداری نمایند. ما توصیه می‌کنیم در شرایط منجر به اصلاح، گسترش وتو نباید طرح شود.

۲۵۷- ما آغاز به کار نظام "رأی‌گیری علنی" را پیشنهاد می‌دهیم که از آن طریق، اعضای شورای امنیت بتوانند برای تجویز عمومی وضعیت‌ها در خصوص اقدامات پیشنهادی استفاده کنند. از طریق این رأی‌گیری نمادین، رأی "نه" تأثیر وتو نخواهند داشت و آمار نهایی رأی الزام حقوقی نخواهد داشت. دومین رأی رسمی در هر قطعنامه‌ای مطابق آیین کار فعلی شورا، صورت می‌گیرد. ما معتقدیم، این امر سبب افزایش پاسخگویی کارکرد وتو است.

۲۵۸- در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های غیررسمی زیادی در شفافیت و پاسخگویی مشاوره‌های شورای امنیت و آیین اتخاذ تصمیم آن بعمل آمده است. ما همچنین به شورای امنیت یادآور می‌شویم که تأمین کنندگان ارتش مطابق ماده ۴۴ منشور محق هستند که بطور کامل در مورد آرایش نظامی سپاه در عملیاتی که توسط شورا فرماندهی می‌شود، مورد مشورت قرار گیرند. ما پیشنهاد می‌کنیم که روند ارتقای شفافیت و پاسخگویی به گونه‌ای رسمی در آیین کار شورا وارد شود.

۲۵۹- بسیاری از هیأت‌های نمایندگی شورای امنیت، فاقد دسترسی به مشاوره‌های حرفه‌ای نظامی هستند. با این وجود، آنها مکرراً برای اتخاذ تصمیم در موارد نظامی پردامنه، دعوت می‌شوند. بنابر این، ما توصیه می‌کنیم که مشاور نظامی دبیرکل و اعضای پرسنل وی بر حسب درخواست شورای امنیت برای ارائه مشاوره‌های حرفه‌ای و تکنیکی در امور نظامی، فراخوانده شوند.

۲۶۰- ما از فعالیت بیشتر جامعه مدنی در کارهای شورای امنیت، استقبال می‌کنیم.

۱۵- کمیسیون نهادینه سازی صلح

۲۶۱- بررسی‌های ما یک خلاء نهادی را مشخص ساخت: مکانی در نظام ملل متحد وجود ندارد که صریحاً برای جلوگیری از فروپاشی دولت و بازگشت به مخاصمه یا برای یاری دادن کشورها در گذار از جنگ به صلح تمهید شده باشد. اینکه این امر در منشور ملل متحد قرار نگرفته است، تعجب‌آور نیست چرا که کار ملل متحد در تعارضات گسترده داخلی، کار تازه‌ای است. اما امروزه، در دورانی که چندین دولت، تحت فشار نزاع یا پس از نزاع قرار دارند یک تعهد آشکار بین‌المللی برای یاری دولت‌ها در توسعه ظرفیت‌هایشان برای اعمال کارکردهای حاکمیتی به گونه‌ای مؤثر و مسئولانه، وجود دارد.

۲۶۲- نقش منحصر به فرد ملل متحد در این حوزه به مشروعیت بین‌المللی بی‌طرفی کارکنان آن، توانایی آن برای کار گسترده با کارکنانی با درک فرهنگی کلان و تجربه با دامنه وسیعی از نظام‌های اجرایی شامل جهان توسعه یافته و تجربه‌ی اخیر آن در ساماندهی گذار و عملیات مربوط به حاکمیت در جریان گذار مربوط شود.

۲۶۳- تقویت ظرفیت ملل متحد برای نهادینه‌سازی صلح در پهنایی وسیع‌تر، باید از اولویت‌های سازمان باشد. سازمان ملل متحد نیاز دارد تا بتواند به گونه‌ای بی‌تناقض و تأثیرگذار در سراسر زنجیره‌ای که از هشدارهای زود هنگام جهت اقدام پیشگیرانه تا نهادینه‌سازی صلح پس از تعارض ادامه دارد، اقدام نماید. ما توصیه می‌کنیم که شورای امنیت، طبق ماده ۲۹ منشور ملل متحد و پس از مشورت با شورای

اقتصادی و اجتماعی، یک کمیسیون نهادینه سازی صلح تأسیس نماید.

۲۶۴- وظایف اصلی کمیسیون نهادینه سازی صلح باید شناسایی دولت‌هایی باشد که تحت فشار یا خطر فروپاشی قرار دارند، تا با مشارکت دولت ملی از روند توسعه ی بیشتر این وضعیت جلوگیری نماید، تا در برنامه ریزی گذار مابین تعارض و نهادینه‌سازی صلح پس از تعارض یاری رساند، و بویژه تلاش‌های جامعه بین‌المللی را در عملیات نهادینه سازی صلح پس از مخاصمه تا هر دوره ی زمانی که ضرورت داشته باشد تصدی و حفظ نماید.

۲۶۵- گرچه ترکیب قطعی، آیین فکری و خطوط گزارشی کمیسیون نهادینه سازی صلح باید احداث شوند، می‌بایست با توجه به رهنمودهای ذیل باشند:

الف - کمیسیون نهادینه سازی صلح باید به نحو معقولی، کوچک باشد.

ب - باید با آرایش‌های گوناگونی معرفی شود تا به مسائل کلی سیاسی و استراتژی‌های کشور به کشور بپردازد.

ج - باید برای حداقل، یک سال یا بیشتر توسط یکی از اعضای مورد تایید شورای امنیت، ریاست شود.

د- به اضافه ی نمایندگی از شورای امنیت، باید شامل نمایندگی از شورای اقتصادی و اجتماعی نیز باشد.

ه - نمایندگان ملی کشور در حال بررسی باید جهت حضور دعوت شوند.

و - مدیریت صندوق بین‌المللی پول، رییس بانک جهانی و در مواقع مقتضی، رؤسای بانک‌های توسعه منطقه‌ای باید توسط مقامات عالی رتبه ی شایسته در نشست های آن حاضر شوند.

ز - نمایندگان کشورهای اصلی تأمین کننده و در مواقع مقتضی، تأمین‌کنندگان اصلی نیرو باید جهت حضور در بحث و تبادل نظر دعوت شوند.

ح - نمایندگان سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مواقعی که این سازمان‌ها به صورت فعال در کشوری که مباحث در مورد آن می‌باشد، درگیرند، باید برای حضور در مباحث کمیسیون دعوت شوند.

دفتر حمایت از صلح

۲۶۶- یک دفتر نهادینه‌سازی صلح باید در دبیرخانه احداث شود تا به کمیسیون نهادینه‌سازی صلح حمایت‌های مقتضی دبیرخانه را ارائه دهد و تضمین نماید که دبیرکل قادر خواهد بود تا نظام تدابیر و استراتژی‌های نهادینه‌سازی را تکمیل نماید، بهترین رویه‌ها را توسعه دهد و تدارک حمایت پیوسته برای بستر عملیات را عهده‌دار شود.

۲۶۷- دفتر باید شامل حدود ۲۰ یا بیشتر کارمند از پیشینه‌های گوناگون در نظام ملل متحد باشد که تجارب عمده‌ای در نهادینه‌سازی صلح و عملیات دارند. بعلاوه، برای حمایت از دبیرکل و کمیسیون نهادینه‌سازی صلح، دفتر، همچنین می‌تواند بنا به درخواست، مساعدت و مشاوره به سران عملیات صلح و مأموران مقیم ملل متحد و دولت‌های ملی ارائه دهد. برای نمونه در توسعه ی استراتژی‌ها برای مدیریت تدابیر گذار یا برپایی نهادهای نوین دولت این کمک‌ها می‌تواند ارائه گردد. این دفتر باید هر دو سال، بررسی هشدارها را به کمیسیون نهادینه سازی صلح برای ساماندهی کارهایش، ارائه نماید.

۲۶۸- دفتر حمایت از نهادینه سازی صلح همچنین باید فهرستی از کارشناسان ملی و بین‌المللی، بویژه آنهایی که در زمینه های پس از مخاصمه تجربه دارند، نگاه دارد.

۲۶۹- دفتر باید یک شورای مشورتی بین نمایندگی‌ها داشته باشد که توسط رییس گروه توسعه ملل متحد اداره می‌شود و تضمین می‌نماید که دفتر، همکاری مؤثری با سایر عناصر نظام که تأمین کننده حمایت‌های مربوطه هستند، دارد.

توانایی شورای امنیت برای بیشتر فعال شدن در پیشگیری و مواجهه با تهدیدها از طریق بکارگیری بیشتر و کامل‌تر فصل هشتم منشور ملل متحد در مقایسه با آنچه تا بحال بوده است، تقویت خواهد شد.

۲۷۱- از زمان تأسیس ملل متحد، شمار قابل توجهی از گروه‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای احداث شده‌اند. برخی از این گروه‌ها معاضدت‌های مهمی را برای دوام و رونق اعضای خود انجام داده‌اند و برخی از آنان مستقیماً به آغاز به پردازش تهدیدات صلح و امنیت نموده‌اند. ما اعتقاد داریم که ملل متحد باید احداث چنین گروه‌هایی را، به‌ویژه در مناطق بسیار آسیب‌پذیر جهان که در حال حاضر هیچ سازمان امنیتی تأثیرگذاری وجود ندارد، تشویق نماید.

۲۷۲- تجارب اخیر اثبات نمود که سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند بخشی حیاتی از نظام چند جانبه باشند. تلاش‌های آنها نافی تلاش‌های ملل متحد نبوده و ملل متحد را از مسئولیت اصلی خود برای صلح و امنیت تبرئه نکرده‌اند. موضوع کلیدی، ساماندهی اقدام منطقه‌ای در چهارچوب منشور و اهداف ملل متحد است و تضمین اینکه ملل متحد و هر سازمان منطقه‌ای که با آن کار می‌کند در ترکیبی یکپارچه تر از آنچه تاکنون بوده است نیز این‌گونه عمل نماید. این امر مستلزم آن است که:

الف - جواز شورای امنیت در همه موارد باید برای عملیات صلح منطقه‌ای خواسته شود، با شناسایی اینکه در برخی وضعیت‌های اضطراری، مجوز می‌تواند پس از آغاز چنین عملیاتی درخواست شود.

ب - مشاوره و همکاری فی مابین ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای باید گسترش داده شود و می‌تواند در توافق به صورت رسمی آورده شود و شامل مقولاتی چون اجلاس سران سازمان‌ها، تبادل بیشتر اطلاعات و هشدارهای سریع، آموزش شهروندان و قوای نظامی و تبادل کارکنان در خلال عملیات صلح باشد.

ج - در خصوص منطقه آفریقایی و ظرفیت‌های آن، کشورهای تأمین کننده [Donor] باید روندی دهساله را برای ظرفیت‌سازی پایدار در چهارچوب استراتژی اتحادیه آفریقایی به انجام رسانند.

د - سازمان‌های منطقه‌ای که ظرفیت‌هایی برای پیشگیری از مخاصمه یا حفظ صلح دارند، باید این ظرفیت‌ها را در چهارچوب ملل متحد به حال آماده‌باش درآورند.

ه - دولت‌های عضو باید توافق نمایند که به ملل متحد اجازه دهند تا از منابع ملل متحد برای عملیات منطقه‌ای، چنانچه لازم باشد، حمایت تجهیزاتی فراهم آورند.

و - قواعد در خصوص بودجه‌ی نهادهای سازی صلح ملل متحد باید اصلاح شوند تا به ملل متحد این اختیار را بدهند که موارد عملیات منطقه‌ای را که توسط شورای امنیت مجاز می‌باشند، حمایت مالی رسانند.

۲۷۳- در سال‌های اخیر، برخی سازمان‌های ائتلافی همچون ناتو (که معمولاً به عنوان سازمانی منطقه‌ای در چهارچوب معنای فصل هشتم منشور محسوب نمی‌شود ولی برخی ویژگی‌های مشابه دارد) فراتر از حوزه‌های خود اقدام به عملیات نهادینه سازی صلح نموده‌اند. ما از این عملیات تا آنجا که این عملیات توسط شورای امنیت تجویز شوند، استقبال می‌کنیم. در مورد ناتو، نقش سازنده‌ای ممکن است برای آن وجود داشته باشد تا در آموزش و تجهیز سازمان‌های منطقه‌ای و دولت‌هایی که منابع کمتری دارند، یاری رساند.

۱۷- شورای اقتصادی و اجتماعی

۲۷۴- بنیانگذاران منشور ملل متحد متوجه شده بودند که صلح و امنیت، غیرقابل تفکیک از توسعه اقتصادی است. مشکل نهادی که ما با آن مواجه هستیم در دو زمینه است: اول، تصمیم‌گیری در مورد موضوعات اقتصاد بین‌المللی، بویژه در حوزه‌های مالی و تجاری که مدت مدیدی است ملل متحد را ترک کرده و هیچ مقدار از اصلاحات نیز نمی‌تواند آن را برگرداند؛ و دوم این‌که منشور، تأسیس کارگزارهای تخصصی مستقل از ارکان اصلی ملل متحد را تجویز نموده است که می‌تواند با هماهنگی، نقش شورای اقتصادی و اجتماعی را کم کند. تقسیم بودجه‌های کارگزارها و برنامه‌های ملل متحد در بهترین شرایط

زمان‌ها این امر را دشوار ساخته است. این امر، واقع‌گرایانه نیست که هدف شورای اقتصادی و اجتماعی را مرکزی برای تصمیم‌گیری در امور مالی یا تجاری بدانیم که به سرپرستی کارگزاری‌های تخصصی یا نهادهای مالی بین‌الملل تبدیل شود.

۲۷۵- با این وجود، ملل متحد سرمایه‌های بالقوه، در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. اول، ملل متحد تنها مکانی است که مباحث مربوط به صلح، امنیت و توسعه می‌تواند با هم در سطح جهانی طرح شوند. دوم، ملل متحد، توان فراخوانی بی‌نظیری دارد بر پایه آنچه مجمع عمومی و کنفرانس‌ها و اجلاس‌های مهم در سه دهه اخیر به‌دست آورده‌اند، دارد و نیز پیرامون اهداف پذیرش شده بین‌المللی، بویژه در حوزه‌های اجتماعی اجماعی بوده است. سوم، ملل متحد نشان داده است که ریشه‌های قدرتمندی برای حمایت از اهدافش دارد و لذا می‌تواند افکار عمومی را برای امنیت جمعی، بر پایه‌ی منافع تطبیقی ملل متحد که در زیر آمده است، به سمت خود همراه سازد. سه راهبرد که می‌تواند به شورای اقتصادی و اجتماعی کمک کند تا براساس مزیت‌های نسبی سازمان ملل، ارتباط و مشارکت خود در امنیت جمعی را تقویت کند عبارتند از:

۲۷۶- در دوران مباحث بیشتر در مورد اسباب و دلایل و روابط متقابل بین بسیاری از تهدیداتی که ما با آن مواجه می‌باشیم، اول، شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند رهبری هنجاری و تحلیلی ارائه دهد. به این منظور:

الف - ما توصیه می‌کنیم که شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیته‌ای در مورد جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی تهدیدات امنیتی ایجاد کند و این کمیته اختیاراتش را صرف تحقیق و ارتقای درک بهتر در مورد تهدیدات اقتصادی و اجتماعی علیه صلح و در مورد جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی سایر تهدیدات مانند تروریسم و جرائم سازمان یافته می‌نماید.

ب - ما از تبادل اطلاعات حاصله اخیر، بین شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای امنیت استقبال می‌کنیم؛ برای مثال از طریق ملاقات‌های منظم رؤسای آنها و هر دو نهاد را بر تنظیم این تبادل اطلاعات ترغیب می‌نماییم.

۲۷۷- دوم، شورای اقتصادی و اجتماعی باید فضایی را فراهم آورد که در آن دولت‌ها اقدامات خود را جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ای کلیدی در فضایی باز و شفاف، اندازه‌گیری کنند.

۲۷۸- سوم، این شورا می‌تواند خود را برای محلی منطقی برای درگیر کردن جامعه توسعه‌یافته در بالاترین سطح و تبدیل به یک نهاد همکار توسعه مهیا سازد. از این روی:

الف - رویکرد جدیدی باید در دستور کار شورای اقتصادی و اجتماعی به تصویب برسد تا جایگزین اهداف جاری آن در زمینه مسائل اداری و هماهنگی بین برنامه‌ها شود و دستور کاری با توجه بیشتر به مسائل مربوط به اعلامیه هزاره تنظیم شود.

ب - یک کمیته اجرایی کوچک، متشکل از اعضای تمام گروه‌های منطقه‌ای، باید تأسیس شود تا جهت‌گیری و راه‌ها را در مسیر آن روابط با ارکان اصلی و کارگزاری‌های تخصصی مهیا سازد.

ج - ملاقات سالانه بین شورای اقتصادی و اجتماعی و مؤسسات برتون وودز باید برای ترغیب اقدام جمعی به منظور حمایت از اهداف توسعه هزاره و اجماع مونتری مورد استفاده قرار گیرد.

د - شورای اقتصادی و اجتماعی با داده‌هایی از طرف دبیرخانه‌اش و گروه توسعه ملل متحد، باید برای ارائه دستورالعمل‌هایی جهت همکاری عمرانی، با هیأت اداری - مالی سازمان ملل متحد، برنامه‌ها و کارگزاری‌های ملل مصمم باشد.

ه - شورای اقتصادی و اجتماعی باید قویاً خود را برای تلاش‌های دبیرکل و گروه‌های توسعه ملل متحد برای تقویت سازگاری اقدامات ملل متحد در سطح بستر و هماهنگی نهادهای برتون وودز و حامیان دوجانبه مهیا سازد.

۲۷۹ - ما بر این باوریم که زمان برای تجدید نظر در شکل و میزان اعتبارات کارگزاران ملل متحد، بودجه‌ها و برنامه‌ها فرا رسیده است. ابتکارات نوینی در این خصوص، اخیراً مشاهده شده است و شایسته توجه خاص جامعه بین‌المللی است.

دستیابی به سیاسی منسجم

۲۸۰ - همچنان‌که، استراتژی‌های فوق برای کارکرد بهتر شورای اقتصادی و اجتماعی مهم هستند، ما ارزیابی می‌کنیم که توسعه تاریخی در اداره نظام چندجانبه، ظرفیت این رکن را برای تأثیرگذاری در تدابیر بین‌المللی تجاری، مالی و سرمایه‌ای محدود کرده است. هنوز به رکنی برای کنار هم قرار دادن کلیدهای توسعه و کشورهای در حال توسعه برای پرداختن به نقایص ارتباط بین تجارت، اعتبارات، محیط زیست، مهارت‌های مسری و توسعه اقتصادی و اجتماعی نیاز است. چنین نهادی برای مؤثر بودن باید در سطح رهبران ملی فعالیت نماید.

با وجود آنکه ملاقات سالانه گروه ۸ در سطح سران دولت‌ها برخی از خصایص لازم برای پرداختن مفصل‌تر به سیاست‌های ضروری را در خود دارد، مفید است تا گردهمایی بزرگ‌تری برای گردآوری سران دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه داشته باشیم. یک راه می‌تواند تبدیل شدن به گروه ۲۰ رهبران و وزرای مالی باشد که در حال حاضر ۸۰ درصد جمعیت جهان و ۹۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی را با گردآوری دولت‌ها با حضور منظم در صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و اتحادیه اروپایی شامل می‌شود. در این ملاقات‌ها ما ورود گروه دبیرکل ملل متحد و رییس شورای اقتصادی و اجتماعی را برای تضمین حمایت قوی از برنامه‌ها و ابتکارات ملل متحد، توصیه می‌نماییم.

۱۸ - کمیسیون حقوق بشر

۲۸۲ - یکی از مأموریت‌های مرکزی ملل متحد، حمایت از حقوق بشر است، مأموریتی که توسط اعلامیه هزاره مجدداً تأکید شده است. کمیسیون حقوق بشر، مسئول ترویج احترام جهانی به حقوق بشر، ترویج همکاری‌های بین‌المللی برای حقوق بشر، اعمال و اکنش به نقض حقوق بشر در برخی کشورها و یاری رساندن به کشورها برای ظرفیت‌سازی حقوق بشر است.

۲۸۳ - در سال‌های اخیر، ظرفیت کمیسیون برای ایفای این تعهدات با فرسایش اعتبار و تخصص‌گرایی آن، آسیب خورده است. قاعده‌سازی برای اجرای حقوق بشر نمی‌تواند توسط دولت‌هایی که در ترویج و پیشگیری، کمبود بارز اجرایی دارند، صورت پذیرد. ما توجه کردیم که در سال‌های اخیر، دولت‌ها عضویت کمیسیون را نه برای تقویت حقوق بشر بلکه برای حفاظت از خود در مقابل انتقادات یا برای انتقاد از دیگران جویا بودند. کمیسیون نمی‌تواند قابل وثوق باشد چنانچه در رسیدگی به موضوعات حقوق بشری دارای قواعد دوگانه‌ای، تلقی شود قابل وثوق باشد.

۲۸۴ - بنابراین، اصلاح این رکن، ضروری است برای اینکه نظام حقوق بشر به نحو مؤثری اقدام نماید و تضمین اینکه کمیسیون، بهتر به وظایف و کارکردهایش بپردازد. ما اقدام اخیر دبیرکل و کمیساریای عالی حقوق بشر را برای تضمین اینکه حقوق بشر در کار ملل متحد ادغام شود و حمایت از توسعه نهادهای قدرتمند حقوق بشری داخلی بویژه در کشورهایی که درگیر تعارضات و جنگ علیه تروریسم هستند، حمایت می‌کنیم. دول عضو باید حمایت کامل خود را در این تلاش‌ها از دبیرکل و کمیسر عالی بعمل آورند.

۲۸۵ - به طرق گوناگونی، سخت‌ترین و حساس‌ترین موضوع در مورد کمیسیون حقوق بشر، بحث عضویت است. در سال‌های اخیر، موضوع اینکه کدام دولت‌ها برای کمیسیون انتخاب شده‌اند به منبعی داغ برای تنش‌های بین‌المللی بدل شده است. بدون هیچ تأثیر مثبتی در حقوق بشر و با تأثیر منفی بر کار کمیسیون، پیشنهادات برای معیارهای عضویت، شانس اندکی در تغییر این متغیرها و البته خطر سیاسی‌تر شدن موضوع به‌همراه دارند. ما توصیه می‌کنیم که عضویت در کمیسیون حقوق بشر به عضویت جهانی

گسترش یابد. این تاکید خواهد بود بر اینکه تمام اعضا بر طبق منشور، متعهد به ترویج حقوق بشر هستند و ممکن است توجه کشورها از این که چه کسی آنها را مورد سؤال قرار داده یا به آنها رأی داده، به مسائل محتوایی معطوف گردد.

۲۸۶- کمیسیون در نیمه اول تاریخ خود، متشکل از رؤسای هیأت هایی بود که بازیگران کلیدی در صحنه حقوق بشر بودند و افرادی که مهارت های حرفه ای و تجاربی ضروری برای کار حقوق بشری داشتند. از آن دوران، این رویه کنار گذاشته شد. ما معتقدیم که آن رویه باید دوباره احیا شود و ما پیشنهاد می دهیم که **تمامی اعضای کمیسیون حقوق بشر، افراد ممتاز و مجربی را در رأس هیات های خود قرار دهند.**

۲۸۷- بعلاوه، ما پیشنهاد می دهیم که **کمیسیون حقوق بشر باید در کارهایش توسط یک شورا یا هیأت مشورتی حمایت شود.** این شورا یا هیأت مرکب از ۱۵ نفر کارشناس مستقل (از هر منطقه ۳ نفر) است که به خاطر مهارت هایشان برای یک دوره سه ساله قابل تمدید نصب می شوند. این افراد توسط کمیسیون با پیشنهاد مشترک دبیرکل و کمیسر عالی نصب می شوند. بعلاوه برای مشاوره در موضوعات خاص کشورها، شورا یا هیأت می تواند به صورت منطقی از برخی گروه های موضوعی مشورت بگیرد و خود می تواند برخی از این موضوعات را که مربوط به تحقیق، قاعده سازی و تعریف هستند، انجام دهد.

۲۸۸- **ما توصیه می کنیم که کمیسر عالی به تهیه گزارش سالانه ای از وضعیت حقوق بشر در جهان دعوت شود.** این گزارش آنگاه می تواند به عنوان مبنایی برای مباحث جامع با کمیسیون قرار گیرد. گزارش باید متمرکز بر اعمال حقوق بشر در همه کشورها، بر پایه اطلاعات دریافتی از طریق نهادهای معاهده ای، مکانیسم های خاص و هر منبع دیگری که توسط کمیسر عالی مناسب تشخیص داده می شود، باشد.

۲۸۹- شورای امنیت باید همچنین به صورت فعال تر، کمیسر عالی را از جمله در اقدامات مربوط به عملیات صلح در مذاکرات خود وارد کند. ما همچنین از این واقعیت که شورای امنیت بطور مکرر از کمیسر عالی برای اطلاع سانی به وی در مورد وضعیت کشورهای خاص دعوت به عمل می آورد، استقبال می کنیم. ما معتقدیم، این امر باید به قاعده ای کلی تبدیل شود و اینکه شورای امنیت و کمیسیون نهادهای سازی صلح باید از کمیسر عالی بخواهند تا در مورد اجرای تمامی قواعد مربوط به قطعنامه های شورای امنیت در مورد حقوق بشر به گونه ای منظم به آنها گزارش دهد و به این ترتیب، آنها را قادر سازد تا نظارت مؤثر و متمرکزی بر این موارد داشته باشند.

۲۹۰- مسأله دیگری که باید به آن پرداخته شود در خصوص وضعیت های دفتر کمیسر عالی است. ما تناقض آشکاری بین میزان ۲ درصد بودجه برای این دفتر و وظیفه اش مطابق منشور ملل متحد برای ارتقا و صیانت از حقوق بشر، یکی از اهداف اصلی سازمان، ملاحظه می کنیم. همچنین نیاز است تا کاستی های مالی برای ظرفیت سازی های حقوق بشری بر طرف شوند. دولت های عضو باید با جدیت، بودجه ناکافی این دفتر و فعالیت هایش را مورد تجدید نظر قرار دهند.

۲۹۱- در مدتی طولانی تر، دولت های عضو باید ارتقای کمیسیون را برای تبدیل شدن به شورای حقوق بشر که دیگر زیرمجموعه شورای اقتصادی و اجتماعی نخواهد بود بلکه رکنی مبتنی بر منشور که در کنار اکوسوک و شورای امنیت قرار می گیرد، بررسی نمایند و شورای حقوق بشر منعکس کننده وزنی است که در مقدمه منشور به حقوق بشر در کنار مسائل امنیتی و اقتصادی داده شده است.

۱۹ - دبیرخانه

۲۹۲- دبیرکل قوی در رأس دبیرخانه ای حرفه ای تر و ساماندهی داده شده تر، یک بخش مهم از هر نظام مؤثر برای امنیت جمعی در قرن بیست و یکم است.

الف - تقویت حمایت از دبیرکل

۲۹۳- تأسیس پست معاون دبیرکل در سال ۱۹۹۶ کمک کرد تا سازش بیشتری در کار ملل متحد در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و توسعه ای و در موضوعات مدیریت اصلاحات، حاصل شود. با توجه به افزایش

زیاد حجم کار دبیرکل در فضای صلح و امنیت در دهه ۹۰، تأسیس دومین معاونت دبیرکل برای صلح و امنیت، ضامن آن است که تلاش‌های دبیرکل در این زمینه هم به نحو مطلوب حمایت شوند. برای کمک به دبیرکل، یک مقام معاونت دبیرکل باید تأسیس شود که مسئول صلح و امنیت است.

۲۹۴- با یک معاون دبیرکل متمرکز بر کارهای توسعه اقتصادی ملل متحد، معاونت اضافه شده دبیرکل و دفتر وی به دبیرکل در سرپرستی نظام مند اقدامات نظام ملل متحد در حوزه صلح و امنیت کمک خواهد کرد با این هدف که استراتژی‌های یکپارچه ایجاد شده و اقدامات متمرکز تضمین شود. چنین دفتری نباید اجرایی باشد و نباید دوباره کاری کند اما بجای آن باید کارکردهای بوروکراتیک فعلی را به صورت منطقی، تأثیرگذارتر نماید. این دفتر، اطلاعات و داده‌ها را از بخش‌های گوناگون و کارگزاری‌ها گردآوری می‌کند و گزارش‌های هشدار دهنده و راهکارهای استراتژیک برای تصمیم‌گیری دبیرکل ارائه می‌دهد. این دفتر باید حدوداً شامل ۱۵ کارشناس حرفه‌ای قادر به تجزیه و تحلیل‌های استراتژیک و برنامه‌ریزی و هماهنگی باشد. این دفتر همچنین باید با کارشناسی‌های جدید به دبیر کل، راهکارهایی برای مقابله با تهدیدات جدید ارائه دهد - برای مثال، مشاوره علمی ضروری برای رسیدگی به موضوعات امنیت زیست محیطی و امنیت بیولوژیک قابل اشاره است.

ب) دبیرخانه‌ای حرفه‌ای و کارآمد

۲۹۵- بار اجرای تصمیمات دولت‌های عضو و تأمین آنها با بررسی‌های زمانی و توصیه‌ها تنها بر عهده دبیرکل نیست بلکه بطور کلی بر عهده دبیرخانه است. چنانچه ملل متحد بخواهد کارآمد و تأثیرگذار باشد، نیازمند دبیرخانه‌ای حرفه‌ای و آموزش دیده است که مهارت‌ها و تجارب آن برای ایفای وظایف به نحو مطلوب به کار رود. ۱۵ سال گذشته، شاهد گسترش عظیمی در کارهای مربوط به پیشگیری از تعارضات، مذاکرات و انعقاد قراردادهای صلح و نهادینه سازی صلح بوده است. هنوز علیرغم افزایش تقاضاها از پایان جنگ سرد به تدریج از سال ۱۹۹۰ از تعداد کارکنان دبیرخانه کاسته شده است، در حالی که تنها ۶ درصد از کارکنان دبیرخانه، مسئول کل موضوعاتی هستند که شامل میانجی‌گری، ساماندهی و اداره عملیات نهادینه سازی صلح، حمایت شورای امنیت، خلع سلاح، حمایت‌های انتخاباتی و ضمانت اجراها می‌باشد. خیلی از افرادی که در دفتر اصلی ملل متحد مقیم هستند هیچ تجربه یا آموزشی ندارند و مقررات موجود مانع می‌شود تا آنها این تجارب را کسب نمایند. به علاوه، تخصصی بسیار اندک یا عدم مهارت در مهارت‌های جدیدی که در این گزارش به آنها اشاره شده است، وجود دارد.

۲۹۶- دبیرکل باید با منابعی که برای ایفای شغلش به نحو مطلوب نیاز دارد و اختیاراتی برای اداره کارمندان و سایر منابع به گونه‌ای که خودش بهترین روش می‌پندارد، تأمین شود. جهت مواجهه با نیازهایی که در گزارش حاضر شناسایی شده‌اند، توصیه می‌کنیم:

الف - دولت‌های عضو خود را دوباره به مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ منشور ملل متحد پایبند دارند.

ب - دولت‌های عضو رابطه بین مجمع عمومی و دبیرخانه را با هدف افزایش واقعی انعطاف پذیری دبیرکل در اداره کارمندان - موضوع مسئولیت وی در مقابل مجمع - مورد بازنگری قرار دهند.

ج - اصلاحات پیشنهادی دبیرکل در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲ در ارتباط با منابع انسانی باید اکنون بدون تأخیر بیشتر به طور کامل اجرا شوند.

د - تجدیدنظری یکباره برای جایگزینی افراد با بازنشستگی زود هنگام صورت پذیرد، برای اینکه برخورداری دبیرخانه از افراد صالحی برای ایفای وظایفش شامل میانجی‌گری و حمایت‌های نهادینه‌سازی صلح و همچنین دفتر معاون دبیرکل برای صلح و امنیت تضمین شود. دولت‌های عضو باید منابع مالی برای این جایگزینی‌ها بعنوان سرمایه‌ای تأثیرگذار در بلند مدت تأمین نمایند.

ه - دبیرکل باید بی‌درنگ با ۶۰ پست کمتر از ۱ درصد کل دبیرخانه - به منظور احداث تمام ظرفیت‌های اضافه شده به دبیرخانه که در این گزارش پیشنهاد شده است، مجهز شود.

۲۰- منشور ملل متحد

۲۹۷- پیشنهادات ما در خصوص اصلاحات شورای امنیت، مستلزم اصلاح ماده ۲۳ منشور ملل متحد است. بعلاوه ما اصلاحات جزئی ذیل را هم پیشنهاد می‌نماییم:

۲۹۸- مواد ۵۳ و ۱۰۷ (ارجاع داده به دول دشمن) منسوخ شده‌اند و باید مورد بازنگری قرار گیرند. بازنگری‌ها باید به گونه‌ای مناسب برای پرهیز از آسیب‌رسانی به اقدامات قانونی که در قبل بر اساس این مواد صورت گرفته‌اند، پیش نویسی شوند. منشور باید منعکس‌کننده امیدها و آرزوهای امروز باشد نه واژه‌های سال ۱۹۴۵.

۲۹۹- فصل ۱۳ (شورای قیمومت) باید حذف شود. شورای قیمومت ملل متحد وظیفه مهمی را در کمک به جهان برای رهایی از دوران استعماری و هدایت موفق پرونده‌های کثیر استعمارزدایی ایفا نموده است. ملل متحد باید به هر گونه کوششی جهت بازگشت به ذهنیت‌ها و اشکال استعماری پشت کند.

۳۰۰- ماده ۴۷ (کمیتة نظامی) باید حذف شود، به همین ترتیب، تمام ارجاعات به این رکن در مواد ۲۶، ۴۵ و ۴۶ نیز باید حذف شوند. دیگر مناسب نیست تا رؤسای مشترک پنج عضو دائم نقشی را که در سال ۱۹۴۵ برای آنها تصور می‌شد، ایفا نمایند. ما در پاراگراف ۲۵۸ فوق به نیاز شورای امنیت برای همراه داشتن مشاوره نظامی برتر، اشاره داشتیم.

۳۰۱- ما باور داریم، هرچند منشور به طور کلی تأمین آوایی حقوقی و مدبرانه برای سازمان در جهت امنیت جمعی است ولی شورای امنیت را برای واکنش به موقع و مؤثر در مقابل تهدیدهای علیه صلح و امنیت بین‌المللی قدیمی و جدید توانمند می‌سازد. منشور همچنین در شناسایی وابستگی صلح و امنیت بین‌المللی به توسعه اقتصادی و اجتماعی، دوراندیشی داشته است.

۳۰۲- تمام دول عضو باید مجدداً خود را وقف مقاصد و اصول منشور و به‌کارگیری آنها در یک مسیر هدفمند کرده و اراده سیاسی را با منابع لازم انطباق دهند. فقط یک رهبری در داخل و میان دولت‌ها که خود را وقف کرده باشد موجب ایجاد امنیت جمعی کارآمدی برای قرن بیست و یکم خواهد شد و آینده‌ای را امن و پایدار در پیش می‌گیرد.

ضمیمه (۱)

خلاصه توصیه‌ها

تذکر: شماره‌های داخل پرانتز که پس از هر توصیه خلاصه شده آمده‌اند به پاراگراف گزارش اصلی ارجاع می‌دهد که محتوی متن کامل توصیه است.

بخش ۱

امنیت جمعی و چالش پیشگیری

فقر، بیماری‌های مسری و تخریب محیط زیست

- ۱- همه کشورها باید مجدداً خود را نسبت به اهداف محو فقر، نیل به رشد اقتصادی پایدار و ارتقای توسعه پایدار ملزم بدانند. (۵۹)
- ۲- خیلی از کشورهای کمک‌کننده که در حال حاضر کمتر از ۰/۷ درصد از درآمد ناخالص ملی خود را به کشورهای مشارکت کننده در برنامه کمک توسعه‌ای رسمی (ODA) اختصاص داده‌اند باید برای دستیابی به آن، برنامه زمانبندی شده‌ای را تهیه کنند. (۶۰)
- ۳- اعضای سازمان جهانی تجارت باید تلاش کنند تا دور توسعه دوحه را تا اواخر سال ۲۰۰۶ به نتیجه برسانند. (۶۲)
- ۴- دولت‌های وام‌دهنده و نهادهای مالی بین‌المللی باید کشورهای خیلی مقروض را مشمول کاهش بیشتر بدهی‌ها، طولانی‌تر کردن زمان بازپرداخت و دسترسی بیشتر به بازارهای جهانی قرار دهند. (۶۳)
- ۵- گرچه منابع تخصیصی بین‌المللی برای مقابله با ویروس ایدز افزایش یافته و از مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ به ۲/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسیده است ولی با این وجود، بیش از ۱۰ میلیارد دلار سالانه برای مقابله با شیوع این بیماری لازم است. (۶۴)
- ۶- رهبران کشورهای آسیب دیده لازم است که منابع را بسیج کنند و متعهد به سرمایه‌گذاری و درگیر ساختن جامعه مدنی و بخش خصوصی در تلاش‌های کنترل بیماری شوند. (۶۵)
- ۷- شورای امنیت ضمن همکاری نزدیک با برنامه ملل متحد در خصوص ایدز (UNAIDS) باید در صدد برگزاری دومین اجلاس ویژه در خصوص ویروس ایدز بعنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، به منظور شناسایی آثار آتی ویروس ایدز بر کشورها و جوامع و افزایش پژوهش در مساله شناسایی مراحل بحرانی به سوی یک استراتژی بلند مدت در ناپودی این تهدید برآید. (۶۷)
- ۸- کمک‌کنندگان بین‌المللی با مشارکت مقامات ملی و سازمان‌های جامعه مدنی محلی باید یک ابتکار عمل عمده جدیدی را در سطح جهان به منظور بازسازی نظام‌های ملی و محلی بهداشت عمومی در جهان در حال توسعه در پیش گیرند. (۶۸)
- ۹- اعضای مجمع عمومی جهانی بهداشت باید منابع بیشتری را برای شبکه جهانی واکنش و هشدار شیوع بیماری در سازمان جهانی بهداشت به منظور افزایش قابلیت مقابله با شیوع احتمالی بیماری‌ها تأمین کنند. (۶۹)
- ۱۰- کشورها باید انگیزه‌هایی را در توسعه بیشتر منابع انرژی تجدیدپذیر ایجاد کرده و حذف یارانه‌های زیانبار به حال محیط زیست را بویژه در مورد استفاده و توسعه سوخت فسیلی آغاز کنند. (۷۱)
- ۱۱- ما از کشورهای عضو خواستاریم تا فاصله میان عملکرد خود و تعهدات خود را به موجب پروتکل کیوتو مورد توجه قرار داده و بیشتر به مساله گرم شدن جهان اهمیت دهند و مذاکرات جدیدی را در ایجاد راهبردی جدید و بلند مدت در کاهش گرم شدن جهان، ورای دوره زمانی مقرر در پروتکل شروع کنند. (۷۲)

مناقشات داخلی و خارجی

- ۱۲- شورای امنیت باید برای استفاده از اختیارات خود به موجب اساسنامه رم و ارجاع مسایل به دیوان بین‌المللی کیفری آماده باشد. (۹۰)
- ۱۳- سازمان ملل متحد باید به منظور توسعه هنجارهای حاکم بر مدیریت منابع طبیعی در کشورهایی که از مناقشه و یا خطر مناقشه رهائی یافته‌اند، با مقامات ملی، نهادهای مالی بین‌المللی، سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی کار کند. (۹۲)
- ۱۴- سازمان ملل متحد باید بر اساس تجربه سازمان‌های منطقه‌ای در توسعه چارچوب‌های حقوق اقلیت‌ها و حمایت از دولت‌هایی که طی یک فرآیند دموکراتیک انتخاب شده‌اند در قبال سرنگونی برخلاف قانون اساسی پایه‌ریزی شود. (۹۴)
- ۱۵- دولت‌های عضو باید مذاکرات مربوط به تدوین توافقنامه‌های حقوقی الزام‌آور در خصوص نشانه‌گذاری، ردگیری، دلالتی و انتقال سلاح‌های کوچک و جنگ افزارهای سبک را تسریع کرده و آن را به نتیجه برسانند. (۹۶)
- ۱۶- تمام دولت‌های عضو باید گزارش کامل صحیحی را در خصوص تمام موارد ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل متحد ارائه داده و شورای امنیت و مجمع عمومی باید از دبیرکل بخواهند که هر ساله موارد گزارش‌دهی ناقص را اعلام دارد. (۹۷)
- ۱۷- این امر می‌تواند در ایجاد تسهیلات جدید برای آموزش و توجیه نمایندگان جدید یا بالقوه و سایر میانجی‌گران سازمان ملل مفید واقع شود و ما آن را توصیه می‌کنیم. (۱۰۱)
- ۱۸- بخش امور سیاسی باید منابع بیشتری را دریافت کرده و به منظور تأمین حمایت میانجی‌گری مداوم‌تر و حرفه‌ای‌تر تجدید ساختار شود. (۱۰۲)
- ۱۹- در حالی که جزئیات این تجدید ساختار باید به دبیرکل محول شود ولی نیاز سازمان ملل در این موارد باید بحساب آید:
- الف - ظرفیت حمایتی میانجی‌گری برخوردار از دانش میدانی، مرکب از گروه کوچکی از متخصصین و افراد دارای تجربه مستقیم که در اختیار کلیه میانجی‌گران سازمان ملل قرار گیرند.
- ب - صلاحیت در مسایل موضوعی که در حین مذاکرات صلح مطرح می‌شود نظیر توالی مراحل اجرایی، طراحی ترتیبات نظارتی، توالی ترتیبات انتقالی و طراحی سازوکارهای آشتی ملی.
- ج - تعامل بیشتر با میانجی‌گران ملی، سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی درگیر در حل و فصل مناقشات.
- د - مشاوره و درگیر کردن بیشتر عاملین مهم جامعه مدنی، بویژه زنان در فرآیندهای صلح که اغلب در هنگام مذاکرات نادیده گرفته می‌شوند. (۱۰۳)
- ۲۰- ما رهبران ملی و طرف‌های مناقشه را تشویق می‌کنیم که از گزینه اعزام پیشگیرانه، استفاده سازنده‌ای بعمل آورند. (۱۰۴)

سلاح‌های هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک

- ۲۱- کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای باید گام‌های چندی را در آغاز دوباره خلع سلاح بردارند:
- الف - این کشورها باید به تعهدات خود بموجب ماده ۶ پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای جهت حرکت به سوی خلع سلاح و آمادگی در اتخاذ تدابیر مشخص در ایفای آن تعهدات، پایبند بمانند،
- ب - آنها باید تعهدات قبلی خود را مبنی بر عدم توسل به سلاح‌های هسته‌ای در برابر کشورهایی که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند مورد تاکید مجدد قرار دهند. (۱۲۰)

۲۲- ایالات متحده و فدراسیون روسیه، دیگر کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای و کشورهای که عضو معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نیستند باید متعهد به اتخاذ تدابیر عملی در کاهش خطر جنگ هسته‌ای اتفاقی شوند از جمله هر جا که مناسب باشد، در یک برنامه پویا برای غیر فعال کردن سلاح‌های استراتژیک هسته‌ای خود مشارکت کنند. (۱۲۱)

۲۳- بعلاوه، ما بر این باوریم که ارزشمند خواهد بود اگر شورای امنیت بگونه‌ای صریح، متعهد به اقدام دسته جمعی در واکنش به یک حمله هسته‌ای یا تهدید چنین حمله‌ای در خصوص یک کشور فاقد سلاح هسته‌ای شود. (۱۲۲)

۲۴- ما توصیه می‌کنیم مذاکرات برای حل مناقشات منطقه‌ای شامل تدابیر اعتماد سازی و گام‌های رو به خلع سلاح انجام گیرند. (۱۲۳)

۲۵- کشورهای که عضو پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای نیستند باید متعهد به عدم تکثیر و خلع سلاح شوند، بگونه‌ای که نشانگر تعهد آنها با تصویب معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای و حمایت از مذاکرات معاهده توقف مواد شکافت پذیر که هر دو برای کشورهای هسته‌ای و غیر هسته‌ای یکسان می‌باشد. ما توصیه می‌کنیم که تلاش‌های صلح در خاورمیانه و جنوب آسیا، گفتگوهای خلع سلاح هسته‌ای را که می‌تواند منتهی به ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در این مناطق، مشابه آنچه در منطقه آمریکایی لاتین و کارائیب، جنوب اقیانوس آرام و جنوب شرق آسیا وجود دارد، شود. (۱۲۴)

۲۶- تمام کشورهای دارای سلاح‌های شیمیایی باید انهدام زمان‌بندی شده تمام ذخایر سلاح‌های شیمیایی موجود توسط اهداف مورد توافق تا سال ۲۰۱۲ را تسریع کنند. (۱۲۵)

۲۷- کشورهای عضو کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک باید بدون تأخیر با دعوت از حضور فعال صنایع بیوتکنولوژی به مذاکرات تدوین پروتکل قابل اعتماد راستی آزمایی بازگردند. (۱۲۶)

۲۸- شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید الگوی پروتکل الحاقی را بعنوان معیار کنونی پادمان‌های آژانس شناسایی کرده و شورای امنیت باید برای اقدام در موارد نگرانی جدی در خصوص عدم پایبندی به معاهده منع گسترش و قواعد پادمان‌ها آماده باشد. (۱۲۹)

۲۹- اصرار داریم که مذاکرات بدون تأخیر برگزار و در اسرع وقت، نیل به ترتیباتی بر اساس مقررات موجود در مواد ۳ و ۹ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که آژانس را برای اقدام بعنوان تضمین کننده عرضه مواد شکافت‌پذیر برای استفاده‌های هسته‌ای غیر نظامی قادر می‌سازد، به پیش برده شود. (۱۳۰)

۳۰- تا وقتی که مذاکرات در خصوص ترتیبات ادامه دارد دولت‌ها باید بدون صرفنظر کردن از حق خود به موجب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای ساخت اینچنین تأسیسات، بگونه‌ای داوطلبانه یک مهلت قانونی را با محدوده زمانی در خصوص ساخت تأسیسات بیشتر برای هر گونه غنی‌سازی یا بازفرآوری برقرار نمایند، با این تعهد که مهلت اعلام شده با تضمین عرضه مواد شکافت پذیر بوسیله عرضه کنندگان موجود با نرخ‌های بازار همراه گردد. (۱۳۱)

۳۱- ما اعتقاد داریم که همه کشورها باید در پیوستن به این ابتکار عمل داوطلبانه مورد تشویق قرار گیرند. (۱۳۲)

۳۲- اعلامیه خروج یک کشور از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای باید راستی آزمایی فوری میزان پایبندی آن کشور را در قبال معاهده بدنبال داشته و در صورت لزوم، توسط شورای امنیت مورد اجبار قرار گیرد. شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید مقرر کند که در صورت هر گونه تخلف، تمامی کمک‌هایی که توسط آژانس ارائه گردیده از کشور خاطی بازپس گرفته شود. (۱۳۴)

۳۳- مدت زمان پیشنهاد شده برای اجرای ابتکار عمل کاهش جهانی تهدید باید از ۱۰ سال به ۵ سال تقلیل یابد. (۱۳۵)

۳۴- کشورهای کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیک باید در مورد یک پروتکل جدید امنیت

بیوتکنولوژی جهت طبقه بندی عامل های بیولوژیک خطرناک و ایجاد قواعد بین المللی الزام آور در صادرات این قبیل عامل ها مذاکره کنند. (۱۳۷)

۳۵- کنفرانس خلع سلاح باید بدون تاخیر بیشتر به سوی مذاکره بر معاهده توقف تولید مواد شکافت پذیر قابل راستی آزمایی روند تا طبق یک برنامه تنظیم شده، تولید اورانیوم با غنای بالا برای استفاده تسلیحاتی و غیر تسلیحاتی را پایان دهد. (۱۳۸)

۳۶- مدیران کل آژانس بین المللی انرژی اتمی و سازمان منع سلاح های شیمیایی باید توسط شورای امنیت دعوت شوند تا دو بار در سال در خصوص وضعیت پادمان ها و فرآیندهای راستی آزمایی و همچنین درباره هر نگرانی جدی که دارند و ممکن است کمتر از حد یک نقض واقعی پیمان عدم تکثیر سلاح های هسته ای و کنوانسیون سلاح های شیمیایی باشد به شورا گزارش دهد. (۱۴۰)

۳۷- شورای امنیت باید با مدیر کل سازمان جهانی بهداشت جهت ایجاد رویه های لازم برای کار با یکدیگر در مورد شیوع بیماری مسری مشکوک یا گسترده مشورت کند. (۱۴۴)

تروریسم

۳۸- سازمان ملل متحد باید با محوریت دبیرکل، چنین راهبرد جامعی را که شامل موارد زیر است ارتقا دهد:

الف - پیشگیری - فعالیت برای حذف ریشه ها یا عوامل تسهیل کننده تروریسم شامل ارتقای حقوق اجتماعی و سیاسی، حاکمیت قانون و اصلاحات مردمسالارانه، فعالیت جهت خاتمه اشغال و توجه نارضایتی های عمده سیاسی، مبارزه با جنایت سازمان یافته، کاهش فقر و بیکاری و توقف فروپاشی کشور.

ب - تلاش جهت مقابله با افراطی گری و عدم تساهل از جمله با آموزش و گسترش گفتمان عمومی.

ج - توسعه ابزارهای بهتر برای همکاری جهاتی مقابله با تروریسم در چارچوب حقوقی رعایت آزادی های مدنی و حقوق بشر در زمینه های تقویت و اجرای قانون از جمله مشارکت در اطلاعات موجود در زمینه هایی که ممکن است، خودداری و توقیف در صورت لزوم و اعمال کنترل های مالی.

د- ظرفیت سازی کشور در پیشگیری از عضوگیری و عملیات تروریستی.

ه - کنترل مواد خطرناک و دفاع بهداشت عمومی. (۱۴۸)

۳۹- آن دسته از دولت هایی که تاکنون چنین نکرده اند باید بصورت فعالانه ای، امضا و تصویب تمام کنوانسیون های ۱۲ گانه ی ضد تروریستی را مورد توجه قرار دهند و باید هشت توصیه نامه ویژه مربوط به تأمین مالی تروریست را که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی صادر شده و برگرفته از توصیه های گروه ویژه مقابله با پول شویی است تصویب کنند و نیز در جهت تدابیر پیشنهادی آن در زمینه بهترین شیوه های عملی جلوگیری و مبارزه با پول شویی اقدام کنند. (۱۵۰)

۴۰- کمیته تحریم های القاعده و طالبان باید فرآیندی را برای تجدید نظر در ادعاهای افراد و مؤسساتی که مدعی هستند به اشتباه در این فهرست قرار گرفته اند ایجاد کند. (۱۵۲)

۴۱- شورای امنیت پس از مشورت با کشورهای آسیب دیده می تواند اختیارات اداره اجرایی ضد تروریسم را به منظور انجام این وظایف گسترش دهد. (۱۵۴)

۴۲- برای کمک به این فرآیند، سازمان ملل متحد باید یک صندوق ظرفیت سازی بعنوان زیرمجموعه اداره اجرایی ضد تروریسم تأسیس کند. (۱۵۵)

۴۳- شورای امنیت باید برنامه مشخصی از مجازات های از قبل تعیین شده را در خصوص کشورهای نقض کننده تعهدات ترتیب دهد. (۱۵۶)

۴۴- معهدا، ما بر این باوریم که ارزش خاصی در دستیابی به تعریف مورد اجماع در مجمع عمومی وجود

دارد، با این فرض که این نهاد از مشروعیت منحصر بفردی از لحاظ هنجاری برخوردار است و اینکه مجمع عمومی باید به سرعت مذاکراتش را در خصوص یک کنوانسیون جامع تروریسم تکمیل کند. تعریف تروریسم باید از مؤلفه های زیر تشکیل شده باشد:

الف - برسمیت شناختن این موضوع در مقدمه که توسل به زور هر کشور علیه غیرنظامیان توسط کنوانسیون های ژنو و دیگر اسناد به اندازه کافی، یک جنایت جنگی توسط اشخاص مربوطه یا یک جنایت علیه بشریت را تشکیل می دهد.

ب - اظهار مجدد اینکه اقدامات مقرر در ۱۲ کنوانسیون ضد تروریسم، اقدامات تروریستی قلمداد شده و اعلام اینکه آنها جنایتی به موجب حقوق بین الملل محسوب می شوند و بیان دیگر بار این موضوع که تروریسم در هنگام درگیری مسلحانه توسط کنوانسیون ها و پروتکل های ژنو منع شده است.

ج - ارجاع به تعاریف مندرج در کنوانسیون بین المللی ۱۹۹۹ در جلوگیری از تأمین مالی تروریسم و قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت مورخ ۲۰۰۴.

د - توصیف تروریسم بعنوان هر عملی، علاوه بر اعمالی که تاکنون توسط کنوانسیون های موجود در خصوص جنبه های تروریسم، کنوانسیون های ژنو و قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت مورخ ۲۰۰۴ که با قصد کشتن یا ایراد صدمه جسمانی به غیر نظامیان یا غیر جنگجویان انجام گیرد، در شرایطی که هدف از انجام چنین اقدامی با توجه به ماهیت یا زمینه وقوع آن، ارباب یک جمعیت یا وادار کردن یک دولت یا یک سازمان بین المللی در فعل یا خودداری از انجام هر فعلی است. (۱۶۳ - ۱۶۴)

جنایت سازمان یافته فرامرزی

۴۵ - دولت های عضو که این کنوانسیون ها و پروتکل ها را امضا نکرده، تصویب ننموده یا منابع آنها را تخصیص نداده اند باید چنین کرده و از اقدامات دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد در این زمینه حمایت نمایند. (۱۷۲)

۴۶ - دولت های عضو باید مقام مسئولی را برای تسهیل تبادل شواهد میان مراجع قضایی ملی، معاضدت حقوقی متقابل مراجع دادستانی و اجرای درخواست های استرداد ایجاد کنند. (۱۷۳)

۴۷ - یک کنوانسیون جامع بین المللی در خصوص پول شویی که این موضوعات را مورد توجه قرار دهد لازم است تا در مجمع عمومی مورد مذاکره و تصویب قرار گیرد. (۱۷۴)

۴۸ - دول عضو باید پروتکل پیشگیری، جلوگیری و مجازات قاچاق اشخاص را بویژه در مورد زنان و کودکان امضا و تصویب کرده و اعضای پروتکل باید تمام تعهدات ضروری برای اجرای مؤثر آن را بکار بندند. (۱۷۵)

۴۹ - سازمان ملل متحد باید سازوکاری قوی برای ظرفیت سازی کمک به حاکمیت قانون ایجاد نماید. (۱۷۷)

نقش تحریم ها

۵۰ - شورای امنیت باید تضمین کند که تحریم ها بصورت مؤثر اجرا و رعایت می شوند:

الف - هنگامی که شورای امنیت، نظام تحریم ها را شامل محموله های تسلیحاتی اعمال می کند باید سازوکارهای نظارتی منظمی را ایجاد نموده و برای این سازوکارها صلاحیت و قابلیت لازم جهت انجام تحقیقات عالی و عمیق تامین کند. ردیف های بودجه ای لازم برای اجرای این سازوکارها باید تعریف شود.

ب - از کمیت های کیفی تحریم شورای امنیت باید خواسته شود تا به منظور توسعه رهنمودها و رویه های مناسب گزارش دهی اقدام کرده و از این بابت، کشورها را در اجرای تحریم ها و پیشبرد رویه های حفظ فهرست دقیق اشخاص و نهادهای تحت تحریم هدفمند کمک کنند.

ج - دبیرکل باید مقام ارشدی را همراه با تخصیص منابع کافی منتصب کند تا دبیرکل را قادر سازد تحلیل‌هایی به شورای امنیت در خصوص بهترین راه برای هدفمند کردن تحریم‌ها و کمک به هماهنگی اجرای آنها ارائه نماید. این مقام، همچنین به تلاش‌های مربوط به تبعیت کمک خواهد کرد، نیازهای کمک فنی را شناسایی نموده و این کمک‌ها را هماهنگ خواهد نمود و توصیه‌هایی را درباره تغییرات لازم برای تقویت کارایی تحریم‌ها ارائه خواهد داد.

د - کمک‌کنندگان باید منابع بیشتری را در تقویت ظرفیت حقوقی، اداری و پلیسی کنترل مرزها توسط دولت‌های عضو به منظور اجرای تحریم‌ها اختصاص دهند. این تدابیر ظرفیت سازی باید تلاش‌های مربوط به ارتقای منع عبور و مرور هوایی در مناطق جنگی را ارتقا دهد.

ه - شورای امنیت باید در موارد عدم رعایت تحریم‌ها به شکل مداوم، تحریم‌های ثانویه ای را علیه تحریم شکنان اعمال کند.

و - دبیرکل در مشورت با شورای امنیت باید تضمین کند که یک سازوکار حسابرسی برای نظارت بر اجرای تحریم‌ها ایجاد شود. (۱۸۰)

۵۱ - کمیته‌های تحریم‌ها باید رویه‌های مربوط به مستثنی نمودن امور بشردوستانه را ارتقا داده و بصورت مرتب نسبت به بررسی آثار بشردوستانه تحریم‌ها ارزیابی داشته باشند. شورای امنیت باید در کاهش عواقب بشردوستانه تحریم‌ها همچنان کوشا باشد. (۱۸۱)

۵۲ - در مواردی که تحریم‌ها فهرستی از افراد و گروه‌ها را در بر می‌گیرد، کمیته‌های تحریم باید رویه‌هایی را جهت تجدید نظر در مورد آنهایی که مدعی هستند به اشتباه در این فهرست قرار گرفته یا همچنان حفظ شده‌اند، ایجاد کند. (۱۸۲)

بخش ۳

امنیت جمعی و توسل به زور

اگر اقدامات پیشگیرانه مسالمت آمیز به نتیجه نرسد چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا هیچ یک از تدابیر پیشگیرانه تا حدی هست که گرایش به جنگ و هرج و مرج را متوقف سازد؟ آیا تهدیدات بعید، قریب الوقوع می‌شوند؟ یا آیا تهدیدات قریب‌الوقوع عملی می‌شوند؟ یا آیا یک تهدید غیرمحمول به هر ترتیب، آنقدر بالفعل می‌شود که استفاده از نیروی نظامی هم ناتوان از توقف آن شود؟

ما اینجا اوضاع و احوال را به نحوی مورد نظر قرار می‌دهیم که امنیت جمعی مؤثر، ممکن است نیازمند پشتیبانی نیروی نظامی گشته و با قواعد حقوق بین‌الملل که باید بر هر تصمیمی جهت مبادرت به جنگ حاکم باشد، تا هرج و مرج مستولی نشود، آغاز می‌شود.

لازم است که میان وضعیت‌هایی که یک کشور، مدعی اقدام دفاع مشروع است و وضعیت‌هایی که یک کشور، تهدیدی را خارج از مرزهای خود نسبت به دیگران نشان می‌دهد و وضعیت‌هایی که تهدید در وهله اول جنبه داخلی دارد و مسأله، مسئولیت حمایت یک دولت از مردمش است را تفکیک نمود. در تمام موارد ما بر این باوریم که منشور ملل متحد که به درستی فهمید و عمل کرد، وضعیتی برابر در قبال این وظیفه دارد: ماده ۵۱ نه نیازمند گسترش و نه محتاج محدودیت حوزه خود است و فصل هفتم به طور کامل، شورای امنیت را جهت پرداختن به هر نوع تهدیدی که کشورها ممکن است با آن مواجه باشند، توانمند می‌کند.

سازد. این وظیفه، برای یافتن جایگزین برای شورای امنیت به عنوان مرجع اقتدار نیست بلکه برای آن است که شورای امنیت، عملکردی بهتر از آنچه داشته، پیدا کند.

اینکه توسل به زور می‌تواند بطور قانونی مورد استفاده قرار گیرد همواره به این معنا نیست که توسل به آن در حکم یک باید آگاهانه و هوشمندانه باشد. ما مجموعه ای از رهنمودها به همراه پنج معیار مشروعیت را تعیین می‌کنیم که معتقدیم شورای امنیت (و هر مرجع دیگری که در این تصمیمات درگیر است) باید همواره در بررسی تجویز یا اعمال نیروی نظامی مورد نظر قرار دهد. تصویب این رهنمودها (جدید تهدید، هدف مقتضی، چاره نهایی، شیوه‌های متناسب و موازنه پیامدها) نتایج مورد تفاهمی را با پیش‌بینی‌پذیری قطعی به‌وجود نخواهد آورد ولی باید به‌طور چشمگیری فرصت‌های نیل به اجماع بین‌المللی در خصوص آنچه در سال‌های اخیر، عمیقاً مسایل نفاق‌آمیزی بوده‌اند در پیش برد.

همچنین ما مسائل مهم دیگری را که در حین و پس از تعارض شدید شامل ظرفیت های مورد نیاز برای اجرای صلح، حفظ صلح و نهادینه سازی صلح و حمایت از غیر نظامیان می شود، بررسی کنیم. موضوع تکراری اصلی، ضرورت برای همه اعضای جامعه بین‌المللی مثل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است که تأمین و حمایت منابع نظامی قابل استقرار، خیلی بیشتر در دسترس باشند. همه ژست‌های توخالی که برای ایجاد یک نظام امنیتی جمعی مؤثر، کارآمد و عادلانه خیلی سهل است، تعهدی واقعی را طلب می‌کند.

توسل به زور: قواعد و رهنمودها

۵۳- ما مشوق بازنویسی یا تفسیر مجدد ماده ۵۱ نیستیم. (۱۹۲)

۵۴- شورای امنیت بموجب فصل هفتم منشور ملل متحد کاملاً این اختیار را دارد که همه انواع تهدیدات امنیتی را که دولت‌ها با آنها مواجه هستند مورد نظر قرار دهد. وظیفه، یافتن جایگزین هایی بعنوان منبع اقتدار برای شورای امنیت نیست بلکه قصد، بهبود کار شورای امنیت نسبت به وضعیت کنونی آن است. (۱۹۸)

۵۵- ما پیدایش هنجاری که مبتنی بر مسئولیت جمعی بین‌المللی در حمایت است را که بر اساس آن، شورای امنیت می‌تواند مداخله نظامی را بعنوان آخرین حربه در وقایع مربوط به ژنوسید (نسل‌کشی) و سایر موارد کشتار گسترده، پاکسازی قومی و نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی که دولت‌های حاکم نمی‌توانند یا قادر نیستند از رخداد آن پیشگیری کنند تأیید می‌کنیم. (۲۰۳)

۵۶- شورای امنیت در بررسی اینکه استفاده از نیروی نظامی را تجویز کند یا تأیید کند هرچند که ممکن است ملاحظات دیگری هم داشته باشد اما باید همیشه حداقل این پنج شاخص پایه ای مشروعیت را مورد توجه قرار دهد:

الف - جدی بودن تهدید، آیا صدمه، تهدید کننده کشور یا امنیت انسانی است و به اندازه کافی روشن و جدی برای توجیه به حق بودن استفاده از نیروی نظامی هست؟ در مورد تهدیدهای داخلی، آیا این تهدیدات ژنوسید (نسل‌کشی) و کشتارهای گسترده، پاکسازی قومی و یا نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را بگونه‌ای که واقعی و مورد قبول باشد دربرمی‌گیرد؟

ب - هدف مقتضی. آیا روشن است که هدف اولیه از پیشنهاد اقدام نظامی علیرغم وجود اهداف و انگیزه‌های دیگر، متوقف ساختن یا جلوگیری از تهدید مورد نظر است؟

ج - آخرین ابزار. آیا همه گزینه‌های غیرنظامی دیگر برای مواجهه با این تهدید مورد نظر با مبانی معقول برای باور اینکه تدابیر دیگر پیش نخواهد رفت، بررسی شده‌اند؟

د- ابزار متناسب. آیا سطح، مدت و شدت اقدام نظامی پیشنهادی، حداقل لازم برای مواجهه با تهدید مورد نظر است؟

۵ - توازن پیامدها. آیا احتمال منطقی برای این امر که در صورت موفقیت اقدام نظامی برای مواجهه با تهدید مورد نظر، پیامدهای این عمل، بدتر از پیامدهای عدم انجام این اقدامات نباشند، وجود دارد؟ (۲۰۷)
۵۷ - رهنمودهای فوق در تجویز استفاده از زور باید در قطعنامه‌های اعلامی شورای امنیت و مجمع عمومی بیان شوند. (۲۰۸)

اجرای صلح و قابلیت حفظ صلح

۵۸ - کشورهای توسعه یافته در اینجا از مسئولیت‌های ویژه‌ای برخوردارند و باید کارهای بیشتری را جهت انتقال قابلیت‌های نیروی موجود خود به گروه‌های اعزامی مناسب عملیات صلح انجام دهند. (۲۱۶)
۵۹ - دولت‌های عضو باید با قدرت از تلاش‌های بخش عملیات حفظ صلح دبیرخانه ملل متحد بر اساس اهمیت کار "هیأت عملیات صلح سازمان ملل" (ببینید S/۲۰۰۰/۸۰۹ - A/۵۵/۳۰۵) در جهت بهبود استفاده استراتژیک استقرار و آرایش ذخایر، ترتیبات مربوط به آماده باش، صندوق‌های امانی و دیگر سازوکارهای مربوط به مواجهه با ضرب‌الاجل لازم برای استقرار مؤثر حمایت بعمل آورند. (۲۱۸)
۶۰ - دیگرکشورها با ظرفیت‌های پیشرفته نظامی باید برای توسعه ظرفیت‌های مشابه تا سطح تیپ و قرار دادن آنها در اختیار و دسترسی سازمان ملل مورد تشویق قرار گیرند. (۲۱۹)
۶۱ - دبیرکل باید توصیه کند و شورای امنیت باید مجوز نیروهای لازم را صادر کند تا با اقدامات خصمانه مقابله شده و از اینگونه اقدامات پیشگیری شود. (۲۲۲)
۶۲ - سازمان ملل متحد باید یک واحد کوچک از افسران ارشد و مدیرانی را دارا باشد (بین ۵۰ تا ۱۰۰ کارمند) که بتوانند ارزیابی مأموریت‌ها و سازماندهی، آغاز یکار واحدهای پلیس را در عملیات صلح بر عهده گیرند و مجمع عمومی باید این مجوز را صادر کند. (۲۲۳)

نهادینه سازی صلح پس از مناقشه

۶۳ - نمایندگان ویژه باید دارای اختیار و دستورالعمل برای همکاری با طرف‌های مربوطه جهت استقرار چنین سازوکارهایی بوده و نیز باید از منابع مالی لازم برای انجام این هماهنگی‌های مؤثر برخوردار باشند از جمله آنکه قادر به تضمین هماهنگی و موافقت ارزیابی‌ها و فعالیت‌های سازمان ملل با اولویت دولت باشند. (۲۲۶)
۶۴ - شورای امنیت باید دستور لازم و مجمع عمومی باید مجوز مورد نظر را برای تامین منابع لازم جهت خلع سلاح و برنامه‌های رفع بسیج از بودجه‌های در نظر گرفته شده، صادر کنند. (۲۲۷)
۶۵ - باید صندوقی دائمی برای نهادینه سازی صلح در سطح حداقل ۲۵۰ میلیون دلار که بتواند برای تامین مالی هزینه‌های دولت تازه تأسیس و همین‌طور برنامه‌های اساسی آژانس در زمینه‌های توانبخشی و استقرار مجدد مورد استفاده قرار گیرد، تأسیس شود. (۲۲۸)

حمایت از غیرنظامیان

۶۶ - تمام جنگجویان باید مقررات کنوانسیون‌های ژنو را مورد تبعیت قرار دهند. تمام دول عضو باید همه معاهدات مربوط به حمایت از غیرنظامیان نظیر کنوانسیون ژنوسید، کنوانسیون‌های ژنو، اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری و تمام کنوانسیون‌های مربوط به پناهندگان را امضاء، تصویب و عمل کنند. (۲۳۳)
۶۷ - شورای امنیت باید قطعنامه ۱۲۶۵ مورخ ۱۹۹۹ در خصوص حمایت از غیرنظامیان را در درگیری‌های مسلحانه بطور کامل به اجرا درآورد. (۲۳۷)
۶۸ - شورای امنیت، آژانس‌های سازمان ملل و دول عضو باید توصیه‌های قطعنامه ۱۳۲۵ را بطور کامل

به اجرا درآورند. (۲۳۸)

۶۹- دول عضو باید از اراده امنیتی پیشنهادی بطور کامل حمایت و آن را از نظر مالی تغذیه کنند و برای مساعدت به دبیرکل در اجرای نظام امنیت کارکنان در سال ۲۰۰۵ اولویت بالایی قائل شوند. (۲۳۹)

بخش ۴

سازمان مللی کارآمدتر برای قرن بیست و یکم

سازمان ملل متحد هیچ گاه قصد نداشته عملکردی آرمانگرایانه داشته باشد. این امر، این معنی را می داد که یک نظام امنیتی جمعی وجود داشته باشد که انجام گرفت. منشور ملل متحد، قوی ترین کشورها را با عضویت دایم در شورای امنیت و حق وتو تجهیز کرد. در مقابل از آنها این انتظار بود تا از قدرت خود در جهت خیر عام و ارتقا و تبعیت از حقوق بین الملل استفاده کنند. همان گونه که هری ترومن، رئیس جمهور ایالات متحده در سخنرانی خود در پایان اجلاسیه عمومی کنفرانس مؤسس سازمان ملل متحد اشاره داشت "همه ما باید بدون توجه به قدرتی که داریم، بپذیریم به خود مجوز ندهیم که همواره به اقدامی دست زنیم که برایمان مطلوبتر است."

در رهیافت مساله اصلاح سازمان ملل متحد، این مساله امروزه به همان اندازه اهمیت دارد که در سال ۱۹۴۵ برای ترکیب قدرت با اصول اخلاقی مهم بود. توصیه هایی که از واقعیات مستتر در قدرت چشم پوشی می کنند به جهت نقصان و عدم ارتباط محکوم به فنا خواهند بود ولی توصیه هایی که به سادگی منعکس کننده نقطه حساس توزیع قوا است و هیچ تلاشی برای تقویت اصول بین المللی ندارند، بعید است که پیروی گسترده مورد نیاز جهت تبدیل شدن به رفتار بین المللی را کسب کنند.

تغییرات پیشنهادی باید همپای نیازهای عالم واقع، هدایت و راهبری شوند. هرگونه تغییر که به صرف انجام تغییر مطرح شود، به احتمال زیاد دچار همان سرنوشت بحث های پایان ناپذیر اصلاحات در دهه گذشته خواهد شد. ملاک تعیین کننده عبارتست از اینکه: آیا تغییر پیشنهادی در مواجهه با چالشی که از طریق یک تهدید مهلک نمایان شده، کمکی می کند؟

ما در جریان کار هیئت عالی در خصوص تهدیدات، چالش ها و تغییر، با به نقاط ضعف نهادی در واکنش های جاری به تهدیدات نظر داشته ایم.

موارد زیر به طور خیلی مبرم باید جبران و بر طرف شوند:

• مجمع عمومی سرزندگی و نشاط خود را از دست داده و اغلب از تمرکز مؤثر بر ضروری ترین مسائل روز ناتوان است.

• شورای امنیت نیاز خواهد داشت که در آینده فعال تر باشد. برای اینکه این امر رخ دهد کشورهایایی که بیشترین سهم را از نظر مالی، نظامی و دیپلماتیک در سازمان دارا هستند باید در تصمیم گیری سازمان بیشتر مشارکت داشته و کشورهایایی که در تصمیم گیری شورا شرکت دارند باید سهم بیشتری در سازمان داشته باشند. شورای امنیت محتاج اعتبار، مشروعیت و نمایندگی بیشتر جهت انجام تمام آن چیزی است که ما از آن خواستاریم.

• یک خلاء نهادی عمده در برخورد با کشورهایایی که تحت فشار هستند و کشورهایایی که در پی تعارض پدید می آیند، وجود دارد. چنین کشورهایایی اغلب از کمبودهای موجود در زمینه رهنمود سیاسی و منابع رنج می برند.

• شورای امنیت از اکثر مزایای بالقوه کار با سازمان های منطقه ای فرعی بهره نبرده است.

• باید به منظور مورد توجه قرار دادن تهدیدات اقتصادی و اجتماعی نسبت به امنیت بین المللی، ترتیبات نهادی نوینی به وجود آید.

• کمیسیون حقوق بشر از کمبود مشروعیت رنج می برد که تردیدها در خصوص اعتبار کلی سازمان ملل متحد را دامن می زند.

• نیاز به دبیرخانه ای حرفه ای تر و با سازمان یافتگی بهتر که خیلی بیشتر قادر به انجام اقدامات هماهنگ باشد، احساس می شود.

اصلاحاتی که ما پیشنهاد می‌کنیم، به خودی خود، سازمان ملل متحد را مؤثرتر نخواهد کرد. با فقدان حصول توافق کشورهای عضو درباره وفاق امنیتی که در همین گزارش مندرج است، ملل متحد با نقصان روبرو خواهد بود. مؤسسات آن، همچنان، تنها به میزانی که از سوی کشورهای عضو و رهبران آنها توان، منابع و دقت نظر بدان‌ها اختصاص داده می‌شود، اقتدار پیدا می‌کنند.

مجمع عمومی

- ۷۰- اعضا باید این فرصت را که بواسطه اجلاس بازبینی هزاره در سال ۲۰۰۵ مهیا شده است برای دسترسی به اجماع وسیع‌تر برای امنیت جمعی کارآمدتر، استفاده کنند. (۲۴۰)
- ۷۱- دولت‌های عضو باید تلاش‌ها را برای توانمند کردن مجمع عمومی جهت اجرای کارکردهایش بعنوان عمده‌ترین رکن مشورتی ملل متحد از سرگیرند. این مستلزم مفهوم کردن و کوتاه‌سازی بهتر دستورالعمل است که باید منعکس‌کننده چالش‌هایی که امروز در برابر جامعه بین‌المللی قرار دارد، باشد. خلاصه اینکه، کمیته‌های نظارتی کوچکتر و متمرکزتر بیشتر می‌توانند به تشدید و بهبود قطعنامه‌هایی که به کل مجمع آورده می‌شوند، کمک کنند. (۲۴۲)
- ۷۲- ما بر توصیه گزارشی که اخیراً توسط هیأت افراد برجسته در مورد سازمان ملل متحد - ارتباطات جامعه مدنی - (بنگرید به A/58/817) صادر شده و اینکه مجمع عمومی باید نظام بهتری را برای همکاری با سازمان‌های جامعه مدنی احداث کند، تأکید می‌ورزیم. (۲۴۳)

شورای امنیت

- ۷۳- ما اعتقاد داریم اصلاحات شورای امنیت باید مطابق اصول ذیل باشد:
- الف - باید با تکریم ماده ۲۳ منشور ملل متحد، مداخله آنانی که ملل متحد را بیشتر در امور مالی، نظامی و دیپلماسی یاری می‌دهند بویژه در خصوص معاضدتهایی که به سازمان ملل در موارد بودجه‌ای، اجرای عملیات صلح، مشارکت در عملیات داوطلبانه ملل متحد در حوزه‌های امنیت و توسعه و اقدامات دیپلماتیک در حمایت از اهداف و دستورات ملل متحد، اعطا می‌شود، افزایش یابد. در میان کشورهای توسعه یافته، دستیابی یا حصول روند پایدار در خصوص میزان ۰/۷ درصدی مورد توافق بین‌المللی از تولید ناخالص ملی برای کمک‌های توسعه‌ای رسمی باید معیار مهمی از معاضدت تلقی شود.
- ب - اصلاحات باید برای گسترش عضویت، کشورهای بیشتری را در روند اتخاذ تصمیم، بویژه از جهان در حال توسعه وارد نماید.
- ج - اصلاحات نباید به کارآمدی شورای امنیت خلل وارد کنند.
- د - اصلاحات باید ماهیت دموکراتیک و پاسخگویی شورا را افزایش دهند. (۲۴۹)
- ۷۴- هیأت معتقد است تصمیم در خصوص بزرگ کردن شورای امنیت که تأمین‌کننده این معیارهاست، امروز یک ضرورت است. ارائه دو راهکار کاملاً معین به گونه‌ای که در زیر به صورت مدل‌های الف و ب شرح داده شده است باید به روشن شدن - شاید منجر به راه حلی شود - بحثی که در ۱۲ سال اخیر پیشرفت اندکی را به همراه داشته کمک کند. (۲۵۰)
- ۷۵- مدل‌های الف و ب هر دو در برگیرنده معاضدتی میان چهار منطقه اصلی است که ما آنها را به ترتیب "آفریقا"، "آسیا پاسیفیک"، "اروپا" و "آمریکا" شناسایی می‌کنیم. ما این اوصاف را برای اتخاذ راهبردی اجرای احکام در مورد ترکیب شورای امنیت، مفید می‌بینیم، اما هیچ توصیه‌ای در خصوص تغییر ترکیب فعلی گروه‌های منطقه‌ای برای انتخابات عمومی و سایر اهداف ملل متحد ارائه نمی‌دهیم. برخی از اعضای هیأت، به خصوص همکاران ما از آمریکای لاتین، اولویتی را برای تثبیت هرگونه توزیع

کرسی‌ها بر گروه‌های منطقه‌ای فعلی، ابزار داشتند. (۲۵۱)

۷۶- مدل الف برای شش کرسی دائم جدید بدون حق وتو و سه کرسی دو ساله غیر دائم جدید که به شکل زیر ما بین گروه‌های منطقه‌ای فعلی می‌باشد طراحی شده است.

مدل ب هیچ کرسی دائم جدیدی را پیشنهاد نمی‌کند اما یک دسته جدید از کرسی‌های ۴ ساله‌ی قابل تمدید و یک کرسی جدید دو ساله‌ی غیر دائم غیر قابل تمدید که میان گروه‌های منطقه‌ای اصلی است به شرح زیر ارائه می‌دهد. (۲۵۲ - ۲۵۳)

۷۷- در هر دو مدل، با توجه به ماده ۲۳ منشور ملل متحد و با توجه به رویه ایجاد شده مشاوره‌های منطقه‌ای، برای انتخاب اعضای شورای امنیت با رجحان کرسی دائم یا طویل‌المدت برای دولت‌هایی که در بین سه تأمین‌کننده مالی عمده در بودجه منظم یا سه تأمین‌کننده عمده سربازان عملیات حفظ صلح ملل متحد در منطقه خود باشند، روشی برای ترغیب دولت‌های عضو در مشارکت بیشتر برای صلح و امنیت بین‌المللی در مجمع عمومی بکار گرفته شده است. (۲۵۴)

۷۸- بنابر این باید در سال ۲۰۲۰ در مورد ترکیب شورای امنیت شامل مشارکت (همانگونه که در پاراگراف ۲۴۹ آمده است) اعضای دائم و غیردائم از نقطه نظر کارآمدی شورا در بکارگیری اقدام جمعی برای پیشگیری و رفع تهدیدهای جدید و قدیم علیه صلح و امنیت بین‌المللی، بازنگری صورت گیرد. (۲۵۵)

۷۹- ما توصیه می‌کنیم در شرایط منجر به اصلاح، گسترش وتو نباید طرح شود. (۲۵۶)

۸۰- ما آغاز به کار نظام "رأی‌گیری علنی" را پیشنهاد می‌دهیم که از آن طریق، اعضای شورای امنیت بتوانند برای تجویز عمومی وضعیت‌ها در خصوص اقدامات پیشنهادی استفاده کنند. (۲۵۷)

۸۱- ما پیشنهاد می‌کنیم که روند ارتقای شفافیت و پاسخوگی به گونه‌ای رسمی در آیین کار شورا وارد شود. (۲۵۸)

کمیسیون نهادینه سازی صلح

۸۲- ما توصیه می‌کنیم که شورای امنیت، طبق ماده ۲۹ منشور ملل متحد و پس از مشورت با شورای اقتصادی و اجتماعی، یک کمیسیون نهادینه سازی صلح تأسیس نماید. (۲۶۳)

۸۳- وظایف اصلی کمیسیون نهادینه سازی صلح باید شناسایی دولت‌هایی باشد که تحت فشار یا خطر فروپاشی قرار دارند، تا با مشارکت دولت ملی از روند توسعه بیشتر این وضعیت جلوگیری نماید، تا در برنامه‌ریزی گذار مابین تعارض و نهادینه‌سازی صلح پس از تعارض یاری رساند، و بویژه تلاش‌های جامعه بین‌المللی را در عملیات نهادینه سازی صلح پس از مخاصمه تا هر دوره زمانی که ضرورت داشته باشد تصدی و حفظ نماید. (۲۶۴)

۸۴- گرچه ترکیب قطعی، آیین فکری و خطوط گزارشی کمیسیون نهادینه سازی صلح باید احداث شوند، می‌بایست با توجه به رهنمودهای ذیل باشند:

الف - کمیسیون نهادینه سازی صلح باید به نحو معقولی، کوچک باشد.

ب - باید با آرایش‌های گوناگونی معرفی شود تا به مسائل کلی سیاسی و استراتژی‌های کشور به کشور بپردازد.

ج - باید برای حداقل، یک سال یا بیشتر توسط یکی از اعضای مورد تایید شورای امنیت، ریاست شود.

د - به اضافه نمایندگی از شورای امنیت، باید شامل نمایندگی از شورای اقتصادی و اجتماعی نیز باشد.

ه - نمایندگان ملی کشور در حال بررسی باید جهت حضور دعوت شوند.

و - مدیریت صندوق بین‌المللی پول، رییس بانک جهانی و در مواقع مقتضی، رؤسای بانک‌های توسعه

منطقه‌ای باید توسط مقامات عالی رتبه‌ی شایسته در نشست‌های آن حاضر شوند.
ز - نمایندگان کشورهای اصلی تأمین‌کننده و در مواقع مقتضی، تأمین‌کنندگان اصلی نیرو باید جهت حضور در بحث و تبادل نظر دعوت شوند.

ح - نمایندگان سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مواقعی که این سازمان‌ها به صورت فعال در کشوری که مباحث در مورد آن می‌باشد، درگیرند، باید برای حضور در مباحث کمیسیون دعوت شوند.
(۲۶۵)

۸۵- یک دفتر نهادینه‌سازی صلح باید در دبیرخانه احداث شود تا به کمیسیون نهادینه‌سازی صلح حمایت‌های مقتضی دبیرخانه را ارائه دهد و تضمین نماید که دبیرکل قادر خواهد بود تا نظام تدابیر و استراتژی‌های نهادینه‌سازی را تکمیل نماید، بهترین رویه‌ها را توسعه دهد و تدارک حمایت پیوسته برای بستر عملیات را عهده‌دار شود. (۲۶۶)

۸۶- در ارتباط با سازمان‌های منطقه‌ای:

الف - جواز شورای امنیت در همه موارد باید برای عملیات صلح منطقه‌ای خواسته شود، با شناسایی اینکه در برخی وضعیت‌های اضطراری، مجوز می‌تواند پس از آغاز چنین عملیاتی درخواست شود.

ب - مشاوره و همکاری فی مابین ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای باید گسترش داده شود و می‌تواند در توافق به صورت رسمی آورده شود و شامل اجلاس سران سازمان‌ها، تبادل بیشتر اطلاعات و هشدارهای سریع، آموزش شهروندان و قوای نظامی و تبادل کارکنان در خلال عملیات صلح باشد.

ج - در خصوص منطقه آفریقایی و ظرفیت‌های آن، کشورهای تأمین‌کننده [Donor] باید روندی ده‌ساله را برای ظرفیت‌سازی پایدار در چهارچوب استراتژی اتحادیه آفریقایی به انجام رسانند.

د - سازمان‌های منطقه‌ای که ظرفیت‌هایی برای پیشگیری از مخاصمه یا حفظ صلح دارند، باید این ظرفیت‌ها را در چهارچوب ملل متحد به حال آماده باش در آورند.

ه - دولت‌های عضو باید توافق نمایند که به ملل متحد اجازه دهند تا از منابع ملل متحد برای عملیات منطقه‌ای، چنانچه لازم باشد، حمایت تجهیزاتی فراهم آورند.

و - قواعد در خصوص بودجه‌ی نهادینه‌سازی صلح ملل متحد باید اصلاح شوند تا به ملل متحد این اختیار را بدهند که موارد عملیات منطقه‌ای را که توسط شورای امنیت مجاز می‌باشند، حمایت مالی رساند. (۲۷۲)

شورای اقتصادی و اجتماعی

۸۷- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند رهبری هنجاری و تحلیلی ارائه دهد. ما توصیه می‌کنیم که شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیته‌ای در مورد جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی تهدیدات امنیتی ایجاد کند.
(۲۷۶)

۸۸- شورای اقتصادی و اجتماعی باید فضایی را فراهم آورد که در آن دولت‌ها اقدامات خود را جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ای کلیدی در فضایی باز و شفاف، اندازه‌گیری کنند. (۲۷۷)

۸۹- این شورا می‌تواند خود را برای محلی منطقی برای درگیر کردن جامعه توسعه یافته در بالاترین سطح و تبدیل به یک نهاد همکار توسعه مهیا سازد. از این روی:

الف - رویکرد جدیدی باید در دستور کار شورای اقتصادی و اجتماعی بتصویب برسد تا جایگزین اهداف جاری آن در زمینه مسایل اداری و هماهنگی بین برنامه‌ها شود و دستورکاری با توجه بیشتر به مسایل مربوط به اعلامیه هزاره تنظیم شود.

ب - یک کمیته اجرایی کوچک، متشکل از اعضای تمام گروه‌های منطقه‌ای، باید تأسیس شود تا جهت‌گیری و راه‌ها را در مسیر آن روابط با ارکان اصلی و کارگزاری‌های تخصصی مهیا سازد.

ج - ملاقات سالانه بین شورای اقتصادی و اجتماعی و مؤسسات برتون وودز باید برای ترغیب اقدام

جمعی به منظور حمایت از اهداف توسعه هزاره و اجماع مونتری مورد استفاده قرار گیرد.

د - شورای اقتصادی و اجتماعی با داده هایی از طرف دبیرخانه اش و گروه توسعه ی ملل متحد، باید برای ارائه دستورالعمل هایی جهت همکاری عمرانی، با هیأت اداری - مالی سازمان ملل متحد، برنامه ها و کارگزاری های مصمم باشد.

هـ - شورای اقتصادی و اجتماعی باید قویاً خود را برای تلاش های دبیرکل و گروه های توسعه ملل متحد برای تقویت سازگاری اقدامات ملل متحد در سطح بستر و هماهنگی نهادهای برتون وودز و حامیان دو جانبه مهیا سازد. (۲۷۸)

کمیسیون حقوق بشر

۹۰ - ما توصیه می کنیم که عضویت در کمیسیون حقوق بشر به عضویت جهانی گسترش یابد. (۲۸۵)

۹۱ - تمامی اعضای کمیسیون حقوق بشر، افراد ممتاز و مجربی را در راس هیأت های خود قرار دهند. (۲۸۶)

۹۲ - کمیسیون حقوق بشر باید در کارهایش توسط یک شورا یا هیأت مشورتی حمایت شود. (۲۸۷)

۹۳ - ما توصیه می کنیم که کمیسر عالی به تهیه گزارش سالانه ای از وضعیت حقوق بشر در جهان دعوت شود. (۲۸۸)

۹۴ - شورای امنیت و کمیسیون نهادینه سازی صلح باید از کمیسر عالی بخواهند تا در مورد اجرای تمامی قواعد مربوط به قطعنامه های شورای امنیت در مورد حقوق بشر به گونه ای منظم به آنها گزارش دهد و بنابر این تمرکز حاصل می شود. و نیز نظارت مؤثر بر این قواعد انجام می گیرد. (۲۸۹)

دبیرخانه

۹۵ - برای کمک به دبیرکل، یک مقام معاونت دبیرکل باید تأسیس شود که مسئول صلح و امنیت است. (۲۹۳)

۹۶ - دبیرکل باید با منابعی که برای ایفای شغلش به نحو مطلوب نیاز دارد و اختیاراتی برای اداره کارمندان و سایر منابع به گونه ای که خودش بهترین روش می پندارد، تأمین شود. جهت مواجهه با نیازهایی که در گزارش حاضر شناسایی شده اند، توصیه می کنیم :

الف - دولت های عضو خود را دوباره به مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ منشور ملل متحد پایبند دارند.

ب - دولت های عضو رابطه بین مجمع عمومی و دبیرخانه را با هدف افزایش واقعی انعطاف پذیری دبیرکل در اداره کارمندان - موضوع مسئولیت وی در مقابل مجمع - مورد بازنگری قرار دهند.

ج - اصلاحات پیشنهادی دبیرکل در سال های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲ در ارتباط با منابع انسانی باید اکنون بدون تأخیر بیشتر به طور کامل اجرا شوند.

د - باید تجدید نظری یکباره برای جایگزینی افراد با بازنشستگی زود هنگام صورت پذیرد، برای اینکه برخورداری دبیرخانه از افراد صالحی برای ایفای وظایفش شامل میانجی گری و حمایت های نهادینه سازی صلح و همچنین دفتر معاون دبیرکل برای صلح و امنیت، تضمین شود. دولت های عضو باید منابع مالی برای این جایگزینی ها بعنوان سرمایه ای تأثیر گذار در بلند مدت تأمین نمایند.

هـ - دبیرکل باید بی درنگ با ۶۰ پست - کمتر از ۱ درصد کل دبیرخانه - به منظور احداث تمام ظرفیت های اضافه شده به دبیرخانه که در این گزارش پیشنهاد شده است، مجهز شود. (۲۹۶)

منشور ملل متحد

۹۷- اصلاحات شورای امنیت مستلزم آن است که علاوه بر اصلاح ماده ۲۳ منشور ملل متحد تغییرات جزئی ذیل نیز مد نظر قرار گیرد:

۹۸- مواد ۵۳ و ۱۰۷ (ارجاع داده به دول دشمن) منسوخ شده‌اند و باید مورد بازنگری قرار گیرند. (۲۹۸)

۹۹- فصل ۱۳ (شورای قیمومت) باید حذف شود. (۲۹۹)

۱۰۰- ماده ۴۷ (کمیته نظامی) باید حذف شود، به همین ترتیب، تمام ارجاعات به این رکن در مواد ۲۶، ۴۵ و ۴۶ نیز باید حذف شوند. (۳۰۰)

۱۰۱- تمام دول عضو باید مجدداً خود را وقف مقاصد و اصول منشور و به‌کارگیری آنها در یک مسیر هدفمند کرده و اراده سیاسی را با منابع لازم انطباق دهند. فقط یک رهبری در داخل و میان دولت‌ها که خود را وقف کرده باشد موجب ایجاد امنیت جمعی کارآمدی برای قرن بیست و یکم خواهد شد و آینده‌ای را امن و پایدار در پیش می‌گیرد. (۳۰۲)

ضمیمه ۲

اعضای هیأت:

- اناندا پانیا راجان، رئیس (تایلند)
ربرت بدینتر (فرانسه)
ژانو کلمنت بانا سوارز (برزیل)
گرو هارلم برانتلند (نروژ)
ماری چینزی حس (غنا)
- گرس ایوانز (استرالیا)
دیوید هنی (انگلیس)
انکریک ایگلسیاس (اروگوئه)
عمر موسی (مصر)
ساتیش نامیبیار (هند)
ساداگواتا (ژاپن)
- یوگنی پریماکوف (روسیه فدراتیو)
کیان کی چن (چین)
نفیس سادیک (پاکستان)
- نخست وزیر پیشین روسیه فدراتیو
نخست وزیر پیشین وزیر امور خارجه چین.
سفیر ویژه دبیرکل ملل متحد در امور ایدز در آسیا و مدیرکل اجرایی
پیشین صندوق جمعیت ملل متحد
- نخست وزیر پیشین جمهوری متحد تانزانیا و دبیرکل سازمان وحدت آفریقا
ژنرال پیشین نیروهای هوایی ایالات متحده و مشاور امنیت ملی ایالات متحده
- نخست وزیر پیشین تایلند
عضو سنای فرانسه و وزیر دادگستری پیشین فرانسه
دبیرکل پیشین وزارت خارجه برزیل و دبیرکل سازمان کشورهای آمریکایی
نخست وزیر پیشین نروژ و میرکل سازمان بهداشت جهانی
نائب رئیس کمیسیون ملی طراحی توسعه غنا و قائم مقام پیشین مدیرکل سازمان
بین المللی کار
- رئیس گروه بین المللی بحران و وزیر پیشین امور خارجه استرالیا
نماینده پیشین دائم انگلیس در ملل متحد و سفیر ویژه انگلیس در قبرس
رئیس بانک توسعه آمریکایی و وزیر پیشین امور خارجه اروگوئه
دبیرکل اتحادیه کشورهای عرب و رئیس پیشین امور خارجه مصر
ژنرال پیشین ارتش هند و فرمانده پیشین UNPROFOR
رئیس آژانس همکاری بین المللی ژاپن و کمسیر عالی پیشین ملل متحد در امور
پناهندگان
- سلیم احمد سلیم (جمهوری متحد تانزانیا)
برنت اسکاگرافت (ایالات متحده)

ضمیمہ ۳

دبیرخانہ ہیأت

استفان استدمن (مدیر تحقیق)
لورین ریکارد – مارتین (دبیر ہیئت)
بروس جونز (معاون مدیر تحقیق)
محمد زیشان امین
تارون شابرا
سباستین گراف ون انشیدل
آنجلا ایروینگ
گراہام میتلند
آنجلیکا مالک
تانت مایینت یو
ماریازاروی

ضمیمه ۴)
جلسات هیأت، مشاوره های منطقه ای کارگاه های موضوعی
جلسات هیأت

تاریخ و مکان

۵-۷ دسامبر ۲۰۰۳	۱۸-۱۶ جولای ۲۰۰۴
پرنیکتون، ایالات متحده آمریکا	باون، اتریش
۱۳-۱۵ فوریه ۲۰۰۴	۲۶-۲۴ سپتامبر ۲۰۰۴
منت پلرین . سوئیس	تاری تاون، ایالات متحده آمریکا
۳۰ آوریل ۲ می ۲۰۰۴	۳-۵ نوامبر ۲۰۰۴
آدیس آبابا – اتیوپی	نیویورک، ایالات متحده ی آمریکا

مشاوره های منطقه ای و کارگاه های موضوعی

تاریخ (۲۰۰۴) و مکان	جلسه /موضوع	برگزار کننده
۱۴-۱۳ ژانویه هاریمن، ایالات متحده	هئیت عالی رتبه دبیرکل:بزرگ سازی دورنمای موقعیت	بنیاد استاتلی
۲۹ ژانویه نیویورک، ایالات متحده آمریکا	توضیح به سازمان های غیردولتی در مورد ابتکارات اصلاح ملل متحد	و هیأت عالیرتبه بخش اطلاعات عمومی دبیرخانه ملل متحد
۱۶ فوریه پاریس، فرانسه	جلسه هیأت عالیرتبه با پارلمان شورای اروپا	مجمع پارلمانی شورای اروپا
۲۵-۲۳ فوریه وست ساسکس، انگلیس	اشاره به تهدیدهای فعلی امنیتی: نقش ملل متحد	ویلتون پارک
۲۷ فوریه نیو هاون، ایالات متحده	”اصلاح شورای امنیت“	مرکز مطالعات جهانی شدن بیل
۱ مارس استندفورد، ایالات متحده آمریکا	”تکثیر هسته های مرکز امنیت و همکاری بین المللی	دانشگاه استندفورد
۲ و ۳ مارس هاریمن، ایالات متحده آمریکا	”توسل به زور“	بنیاد استاتلی و بنیاد ملل متحد
۲ و ۳ مارس هاریمن، ایالات متحده آمریکا	”مداخله در بحران های بشردوستانه“	بنیاد استاتلی و بنیاد ملل متحد
۴ مارس نیویورک سیتی، ایالات متحده آمریکا	”تروریسم و بازیگران غیردولتی“	بنیاد استاتلی و بنیاد ملل متحد و مؤسسه مطالعات بین المللی رالف بونچه
۵ مارس نیویورک سیتی، ایالات متحده آمریکا	”آینده نظام های سلاح های تخریب گسترده“	دولت نیوزلند و آکادمی بین المللی صلح
۷ و ۸ مارس ریو دژانیرو، برزیل	مشاوره های منطقه ای	ویواریو و مرکز همکاری های بین المللی
۱۴-۱۲ مارس گزارش	نمایندگان دائم	دولت های استرالیا و مکزیک
۲۷-۲۶ مارس منهایست، ایالات متحده آمریکا	اعضای هیئت برای بحث در مورد کار هیأت عالیرتبه هلند،	سنگاپور و آفریقای جنوبی و آکادمی بین المللی صلح
۲۰-۱۸ مارس اسلو، نروژ	مشاوره های منطقه ای	مؤسسه نروژی برای امور بین المللی و مرکز همکاری بین المللی دانشگاه نیویورک
۳۰-۲۸ مارس ژنو، سوئیس	کارگاه ماده ۵۱ منشور ملل متحد و تهدیدات آتی امنیت بین المللی	دولت سوئیس
۳۰-۲۹ مارس هاریمن، ایالات متحده آمریکا	”سلاح های کوچک و سبک“	بنیاد استاتلی و بنیاد ملل متحد
۴-۲ آوریل هنگ ژو، چین	سمپوزیوم عالیرتبه آسیای در خصوص تهدیدات، چالش ها و تغییر	دولت چین
۵ آوریل کمبریج، ایالات متحده آمریکا	”کنترل و تکثیر سلاح های هسته ای“	مرکز بلفر برای امور علمی و بین المللی دانشگاه هاروارد، ابتکار تهدید هسته ای و بنیاد ملل متحد
۸ آوریل نیویورک سیتی، ایالات متحده آمریکا	”کمک رسانی به سازمان های غیردولتی حقوق بشری و بشردوستانه	فردریک ابرت استیفانگ و بنیاد ملل متحد
۱۶ و ۱۷ آوریل	”استندفورد، ایالات متحده آمریکا حکومت مداری و حاکمیت“	مؤسسه مطالعات بین المللی استندفورد
۱۹ آوریل واشنگتن دی . سی، ایالات	”امنیت زیستی“	آمادگی های ملی علم و ابتکارات تهدیدات

متحده امريكا		هسته‌اي ايالات متحده و بنياد ملل متحد
۲۴-۲۱ آوريل سنگاپور	”گفتگوي امنيت در آسيا: مفاهيم، تهديدات و اطمینان ها بعد از ۱۱ سپتامبر“	مؤسسه امور بين‌المللي سنگاپور و مرکز همکاري بين‌المللي دانشگاه
۲۷-۲۵ آوريل شانگهاي، چين	جلسه کاربردي هيأت عالي رتبه در شانزدهمين اجلاس کمیسیون اقتصادي و اجتماعي در آسيا پاسفيک	کمیسیون اقتصادي و اجتماعي آسيا
۲۹-۲۷ آوريل آديس آبابا، اتیوپی	مشاوره‌هاي منطقه‌اي	گروه آفريقي و مرکز همکاري بين‌المللي دانشگاه نيويورک
۳۰ آوريل آديس آبابا، اتیوپی	جلسه هيأت عالي با کمیسیون اتحاديه افريقا	دبيرخانه هيئت عالي و نماينده رئيس اتحاديه افريقا
۲ مي آديس آبابا، اتیوپی	جلسه با سازمان‌هاي جامعه مدني افريقا	دبيرخانه هيئت عالي رتبه
۶ مي نيويورک سيتي، ايالات متحده امريكا	”کلمبرساني به جامعه مدني، سازمان‌هاي غيردولتي توسعه اجتماعي و اقتصادي“	فردريك ابرت استيفتاتنگ و بنياد ملل متحد
۱۰ و ۱۱ مي وارن تون، ايالات متحده امريكا	توسعه، فقر و امنيت	بنياد استتلي و بنياد ملل متحد
۱۳ و ۱۴ مي واشنگتن دي. سي، ايالات متحده امريكا	کنفرانس اصلاح شوراي امنيت	مؤسسه روابط و راي اتلانتيک دانشگاه جان هاپکينز
۱۷ و ۱۹ مي مکزيکو سيتي، مکزيک	حکم راني و بازارهاي آزاد	مؤسسه تکنولوژي مکزيک، فردريك ابرت استيفتاتنگ و بنياد ملل متحد
۲۱ و ۲۳ مي کيب تاون، افريقاي جنوبي	ملل متحد، سازمان‌هاي منطقه‌اي و تهديدهاي آینده امنيتي در افريقا مرکز حل تعارضات	فردريك ابرت استيفتاتنگ و بنياد ملل متحد
۲۴ و ۲۵ مي ورساي، لهستان	”تهديدات نوين، واکنش‌هاي نوين“	دولت لهستان
۲۶-۲۷ مي رم، ایتالیا	”ملل متحد و تهديدات نوين: بازاندیشي امنيت“	مؤسسه امور بين المللي، اسپين ایتالیا، مؤسسه آفريقي ایتالیا، بنياد ملل متحد و مؤسسه بين منطقه‌اي، تحقيقاتي جنابت و عدالت ملل متحد
۲ ژوئيه واشنگتن دي. سي، ايالات متحده امريكا	محيط زيست و امنيت	مرکز بين المللي نويسندگان و بنياد ملل متحد
۸ و ۹ ژوئيه کوبنهاگ، دانمارک	”تعقيب ظرفيت ملل متحد براي مديريت بحران“	دولت دانمارک
۱۱ و ۱۶ ژوئيه پرتس نک، ايالات متحده امريكا	کنفرانس سي و نهم ملل متحد براي دهه بعد	بنياد استتلي
۱۷ و ۱۸ ژوئيه لندن، انگليس	”فقر و امنيت: رهيافتي يکپارچه“	دانشکده علوم اقتصادي لندن، بخش توسعه بين‌المللي و بنياد ملل متحد
۲۸ و ۲۹ ژوئيه آکسفورد، انگليس	”امنيت ميليارد در کف“	دانشگاه آکسفورد و مؤسسه مطالعات بين المللي استنفورد
۳-۱ ژولاي دهلي نو، هند	”ملل متحد و تهديدهاي نوين: بازاندیشي امنيتي“	مؤسسه مطالعات صلح و تعارض و بنياد ملل متحد
۶ و ۷ ژولاي کيوتو، ژاپن	”تهديدات، چالش‌ها و تغيير: خشونت داخلي“	دولت ژاپن
۱۱ و ۱۲ سپتامبر قاهره، مصر	”تهديدات، چالش‌ها و اصلاح: امنيت‌سازي در مديترانه و منطقه خليج شوراي مصري امور خارجه، مرکز الاحرام براي مطالعات استراتژيک و سياسي“	بنياد ملل متحد، فردريك ابرت استيفتاتنگ، مؤسسه امور بين‌المللي